



مصاف حق و باطل از نهضت حسینی تا انقلاب مهدوی

رحیم کارگر

# فروع حق

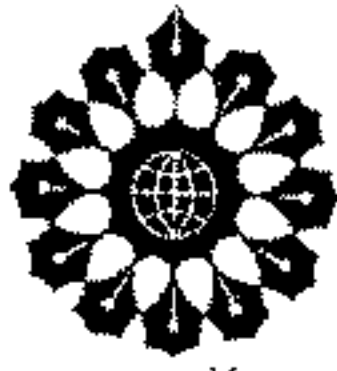
مصاف حق و باطل  
از نهضت حسینی تا انقلاب مهدوی

رحیم کارگر





مرکز تخصصی مهدویت



نظامت اسلامی

## فروع حق

نویسنده / رحیم کارگر

ناشر / بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

لیتوگرافی / ترام اسکندر

صفحه آرا / رضا فریدی

نوبت چاپ / دوم، زمستان ۸۸

قیمت / ۲۵۰۰ تومان

شمارگان / دو هزار نسخه

### مراکز پخش:

قم: خیابان شهداء (صفائیة) / کوچه آمل (۲۲) / بن بست شهید علین / مرکز تخصصی مهدویت،

ص.پ. ۱۱۹-۳۷۱۳۵ ○ تلفن: ۰۷۷۳۷۸۰۱ ○ فاکس: ۰۷۷۳۷۱۶۰

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود ○ ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

○ تلفن: ۰۸۸۹۵۹۰۴۹-۸۸۹۸۰۹۹۹

○ فاکس: ۰۸۸۹۸۱۳۸۹

WWW.IMAMMAHDI-S.COM

info@imammahdi-s.com

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۵۰-۷

## سخن ناشر

امامت خورشید زندگی بخشی است که اعتقاد شیعه با آن گره خورده و باعث شده است تا این جریان، راه خویش را در تاریخ اسلام از کج راه‌ها و بیراهه‌ها جدا کند. حیات، بالندگی و بقای شیعه در گرو این حقیقت بزرگ قرآنی و یادگار سترگ پیامبر ﷺ است.

در میان امامان شیعه، امام دوازدهم از ویژگی‌ها و امتیازهای خاصی برخوردار است. او تنها کسی است که همه جهان را از عدل و داد، سرشار خواهد ساخت؛ همان گونه که از ظلم و بیداد پر شده است.

مهدویت، به دلیل دارا بودن ویژگی‌های منحصر به فرد، یکی از توانمندترین عوامل رشد جامعه دینی ما است؛ از این رو طرح درست و گسترش این فرهنگ در جامعه، باعث تعالی هرچه بیشتر جامعه و حفظ آن از فرو غلتیدن در ناراستی‌ها، فسادها و تباهی‌ها است. «مهدویت» در اندیشه اسلام و ادیان آسمانی، اندیشه‌ای فراگیر و پیشینه‌دار و نقطه اوج و کمال تاریخ بشری است. آموزه مهدویت، برنامه‌ای جامع و کامل برای تشکیل جامعه‌ای مطلوب و تفسیری راهبردی از حوزه‌های مختلف زندگی انسان است. این آموزه، تصویر و طراحی کامل و فراگیر جامعه برتر دینی و بیان راه‌کارها و برنامه‌های دستیابی به «حیات متعالی» است و می‌تواند در همه شؤون زندگی معاصر، تأثیرگذار و راهگشا باشد. از طرف دیگر توجه جهان به این موضوع مهم در عصر حاضر و مطرح شدن اندیشه‌های موازی و انحرافی در این زمینه، از سوی قدرت‌های جهانی و



اندیشمندان بشری و برداشتهای غیر کارشناسانه از آن، ضرورت پاسداری از این اندیشه بنیادین اسلام را چند برابر کرده است.

در این راستا بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام و مرکز آموزشی تخصصی مهدویت، به منظور ترویج و معرفی بیشتر امام زمان علیه السلام و شناساندن فرهنگ مهدویت و آشنا ساختن جامعه - مخصوصاً نسل نو - با نقش آن امام عزیز در عصر غیبت و حکومت واحد جهانی و تحکیم پایه‌های امامت و ولایت، تأسیس شده و اهداف مختلفی را پیگیری کرده است.

یکی از برنامه‌های مهم این بنیاد، تألیف و نشر کتاب و نشریه و تدوین آثار فرهنگی، علمی و ادبی درباره شخصیت امام مهدی علیه السلام است که تا کنون بیش از ده‌هاعنوان کتاب، تدوین و چاپ کرده است.

اکنون نیز کتاب *فروع حق (مصاف حق و باطل در نهضت حسینی و انقلاب مهدوی)* در اختیار دوستداران و عاشقان آن امام عارفان و ذخیره پیامبران قرار می‌گیرد، باشد که قبول اهل نظر افتد.

مجموعه حاضر گامی آغازین در این زمینه به شمار می‌آید؛ امید است فرهیختگان با تلاش‌های جدید و ژرف‌تر، پژوهش‌های کامل‌تر و متنوع‌تری ارائه دهند و اقدامات پرثمری در ترویج فرهنگ «مهدویت» به عمل آورند.

در پایان ضمن تشکر از زحمات مؤلف محترم، امیدواریم خوانندگان گرامی با ارائه دیدگاه‌ها و انتقادهای خود، ما را در پربارتر شدن این گونه آثار، یاری نمایند.

قم - مرکز تخصصی مهدویت

مجتبی کلباسی

## فهرست مطالب

۱۱	پیش درآمد.....
۱۵	حق و باطل.....
۱۷	حق و باطل در قرآن.....
۲۱	دو قیام حق طلبانه.....

## فصل ۱

### در امتداد تاریخ

۲۹	شکوه حق خواهی.....
۳۵	چهره گروه باطل در عاشورا و عصر ظهور.....
۳۵	یک. گروه باطل در عصر عاشورا.....
۳۵	۱-۱. نفاق گرایی.....
۳۶	۲-۱. دنیا گرایی و حرام خواری.....
۳۷	۳-۱. دین ستیزی و دین فروشی.....
۳۷	۴-۱. فساد گری و ناپاکی.....
۳۸	۵-۱. ظلم و ستمگری.....
۳۸	۶-۱. سلطه جویی و سلطنت مآبی.....
۳۹	۷-۱. شیطان گرایی و حق ستیزی.....
۴۰	۸-۱. بدعت گذاری.....
۴۰	۹-۱. حرمت شکنی اهل بیت.....
۴۲	دو. گروه باطل در عصر ظهور.....
۴۲	۱-۲. ظلم و ستمگری.....
۴۳	۲-۲. دجل گری و ظهور دجال.....
۴۴	۳-۲. کفر و گمراهی.....
۴۴	۲-۲. سفیانی گری و بی رحمی.....

- ۲-۵. فتنه گری و کشتار ..... ۴۵
- ۲-۶. سلطه گری اشرار و مشرکان ..... ۴۶
- ۲-۷. نفاق و ناصبی گری ..... ۴۶
- ۲-۸. شیطان و فساد گری های او ..... ۴۷
- ۲-۹. دشمنی های عرب و اهل کتاب ..... ۴۹
- باطل ستیزی در عاشورا و عصر ظهور ..... ۵۱
- یک. قیام حق طلبانه حسینی ..... ۵۱
- مؤلفه های حق طلبی ..... ۵۴
- دو. قیام حق طلبانه مهدوی ..... ۵۸

## فصل ۲

### جوشش سرخ (مبارزه با دشمنان حق)

- مبارزه با دشمنان حق ..... ۶۷
- جنایات گروه باطل ..... ۶۹
- ۲-۱. انتقام خون حسین علیه السلام ..... ۷۲
- فاجعه عظیم ..... ۷۵
- ۲-۲. انتقام خون حسین علیه السلام و وظیفه همگانی ..... ۷۷
- ۲-۳. فریاد انتقام خواهی مهدی علیه السلام و یارانش ..... ۷۹
- ۲-۴. انتقام از تمامی دشمنان حق ..... ۸۲

## فصل ۳

### راه روشن

- پیامها و اهداف ..... ۸۹
- بستر سازی و ایجاد آمادگی برای قیام جهانی ..... ۹۴
- یک. پیامها و اهداف قیام حسینی ..... ۹۹
- دو. پیامها و اهداف قیام مهدوی ..... ۱۱۶
- جاودانگی حق ..... ۱۳۲



## فصل ۴

### عرفان و حماسه

- جلوه‌های عرفان و حماسه ..... ۱۳۹
- ظهور حق و باطل در کربلا ..... ۱۴۴
- یک. مظاهر و تجلیات حسینی ..... ۱۴۹
- ۱-۱. حرّ و آزامرد ..... ۱۴۹
- ۲-۱. صاحب غیرت دینی ..... ۱۵۲
- ۳-۱. ستم ناپذیر و باطل ستیز ..... ۱۵۴
- ۴-۱. عارف و خدا محور ..... ۱۵۹
- ۵-۱. صاحب عزّت و افتخار ..... ۱۶۲
- ۶-۱. صاحب شجاعت و پایمردی ..... ۱۶۷
- ۷-۱. شهادت طلب و ایثارگر ..... ۱۷۲
- دو. مظاهر و تجلیات قیام مهدوی ..... ۱۷۸
- ۱-۲. قائم بامر الله ..... ۱۸۲
- ۲-۲. عزیز و آزاد مردم ..... ۱۸۵
- ۳-۲. جهاد گر و قیام کننده به حق ..... ۱۸۸
- ۴-۲. امام منصور ..... ۱۹۱
- ۵-۲. قائد عادل ..... ۱۹۴
- ۶-۲. صاحب قدرت و شجاعت ..... ۱۹۷
- ۷-۲. ظلم ستیز و ستم سوز ..... ۲۰۰
- ۸-۲. پاک کننده زمین از شرک، فساد و نفاق ..... ۲۰۱

## فصل ۵

### مصاف نهایی حق و باطل (انقلاب جهانی مهدوی)

- انقلاب سرنوشت‌ساز ..... ۲۰۷
- آغاز قیام ..... ۲۱۲
۱. هسته مرکزی انقلاب ..... ۲۱۳
۲. بسیج نیروهای رزمی (منابع) ..... ۲۱۶

- 
۳. نیروهای بزرگ انقلابی ..... ۲۱۹
۴. گروه‌های خاص ..... ۲۲۵
- شکل‌گیری وضعیت انقلابی ..... ۲۲۷
- مصاف نهایی حق طلبان با باطل‌گرایان ..... ۲۲۹
- منابع ..... ۲۳۵

## پیش درآمد

در فرهنگ پرافتخار شیعه، دو قیام و نهضت حق طلبانه، جایگاه ویژه و برجسته‌ای دارد: یکی «حماسه جاودانه حسینی» است که در گذشته روی داده و دیگری «انقلاب جهانی مهدوی» است که در آینده تحقق خواهد یافت. رهبر هر دو قیام، امام معصوم و از خاندان مطهر پیامبر گرامی اسلام است.

«واقعۀ عاشورا» سرآغازی بر حیات، پویایی و بالندگی شیعه و «ظهور موعود»، نقطه اوج، رشد، کمال و سعادت شیعه (و همه یکتاپرستان و صالحان) است. بین این دو نهضت، پیوند و ارتباط وثیق و ناگسستنی وجود دارد و هر دو در امتداد هم و تکمیل کننده یکدیگرند. مهم‌ترین جلوه هر دو قیام، بروز و ظهور کامل «حق» و تشکیل جبهه «حق» در برابر گروه «باطل» است.

از نظر شیعه، مصاف نهایی حق (نور و ایمان و خیر) در برابر باطل (کفر و ظلمت و شر)، در عصر ظهور و هنگام قیام جهانی امام مهدی علیه السلام روی خواهد داد. این نهضت، فراگیر، جهانی، گسترده و کوبنده خواهد بود و بسیاری از ملت‌ها و شریعت‌ها منتظر آن هستند. وعده این مصاف نهایی - که منجر به نجات و رستگاری



انسان‌ها می‌شود - در همه کتاب‌های آسمانی و بعضی از ادیان دیگر بیان شده و در قرآن مورد تأکید فراوان بوده است.

با این حال این قیام جهانی، متأثر از نهضت عاشورا و تکمیل و تمام کننده آن است. برای تبیین این موضوع و فهم تأثیرگذاری و نقش حماسه حسینی بر قیام مهدوی و مصاف نهایی حق و باطل، چند رهیافت و تحلیل ارائه می‌شود:

۱. رهیافت فلسفی - تاریخی (بررسی پیوند هر دو قیام براساس فلسفه نظری تاریخ و بررسی نزاع و ستیزش حق و باطل در طول تاریخ)؛
  ۲. رهیافت روایی (بررسی و ارائه روایاتی که نهضت مهدوی را در ادامه حماسه حسینی و در جهت انتقام و خونخواهی از دشمنان خدا و کشندگان امام حسین علیه السلام معرفی می‌کند)؛
  ۳. رهیافت سیاسی - دینی (بررسی آموزه‌ها، پیام‌ها، اهداف، انگیزه و برنامه‌های مشترک و همسان هر دو قیام و تبیین نقش و تأثیر آموزه‌های عاشورا بر قیام مهدوی)؛
  ۴. رهیافت عرفانی - اخلاقی (بررسی تجلیات و ظهورات حق‌باوری و حق‌پویی در هر دو نهضت).
- براساس این چهار رهیافت و تحلیل، درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال هستیم که: «آیا نهضت عاشورا، نقشی در مصاف نهایی حق و باطل دارد؟»

بنابر فرض این پژوهش، به یقین حماسه حسینی نه تنها اوج مبارزه، حق با باطل بوده؛ بلکه نقش و تأثیر ویژه‌ای در مبارزات بعدی حق با باطل - و مصاف نهایی این دو - دارد. در این رابطه ابتدا نظر یکی از نویسندگان - به عنوان مؤید و پیش‌درآمد بحث - ارائه می‌گردد؛ آن گاه مفهوم و مصادیق حق و باطل بیان می‌شود:

«واقعه عاشورا، نمادی از یک امتداد تاریخی است که در آن حسینیان و یزیدیان، همواره با هم در نبرد هستند. عاشورا و قیام خونین حسین علیه السلام، آینده‌نگری مثبت پیامبران الهی را تحقق بخشیده و انگیزه اصلی حفظ دین و آینده اسلام شد که به قیام جهانی امام زمان علیه السلام متصل می‌گردد. آینده بشریت، همه مرهون خون‌های عاشورا است و عاشورا، حلقه متصل کننده آغاز ظهور پیامبران آسمانی، با پایان راه تکاملی ادیان و استقرار عدل جهانی است؛ زیرا اگر راه پیامبران تداوم یافت و سیره آنان در مقابله با اشرار و گروه باطل حفظ شد و اگر دین اسلام پاینده و استوار ماند، به برکت خون‌های عاشورا است.

اگر نهضت‌های رهایی بخش شکل گرفت و آزادی و استقلال به ارمغان آورد و خطر تهاجم سردمداران فساد را برطرف کرد، به برکت عاشورا است. اگر دیگر امامان شیعه - از حضرت سجاد علیه السلام تا امام زمان علیه السلام - ماندند و اصالت اسلام را رقم زدند، به برکت خون‌های

کربلا است. اگر در دوران غیبت، فقیهان بیدار و آگاه حوزه‌های شیعه، توانستند نهضت‌های رهایی بخش را سامان دهند و بزرگ‌ترین انقلاب شیعی را پیروز گردانند و زمینه‌ای برای قیام مهدی فراهم سازند (ان شاء الله)، همه به برکت قیام عاشورا است.

اگر منتظران حضرت مهدی علیه السلام خود را آماده می‌کنند تا در رکاب آن حضرت، حاضر شوند و با دنیا بجنگند و بیهود را ریشه کن سازند و حکومت جهانی قرآن را تحقق بخشند، باز هم به برکت عاشورا است، و بدین جهت است که در زیارت عاشورا فریاد بر می‌آوریم: «سالم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم»؛ یعنی، دوستی و جنگ ما، همیشگی است. پس اگر نبود عاشورای حسینی، نه راه پیامبران الهی تداوم می‌یافت و نه اسلام به دوران غیبت و ظهور می‌انجامید»!

حسین کشته دیروز و رهبر امروز است	قیام اوست که پیوسته نهضت آموز است
تمام زندگی او عقیده بود و جهاد	اگر چه مدت جنگ حسین یک روز است
حسین و ذلت تکریم ظالمان هیئات	که آفتاب عدالت از او دل افروز است
به نزد او که شهادت به جز سعادت نیست	مرگ برایش قسبای زردوز است
رہین همت والای سید الشہداست	هر آنکه از غم اسلام در تب و سوز است
هماره تازه بود یسادی بود عاشورا	که روز حق و عدالت همیشه نوروز است
حرارتی که ز عشق حسین در دلهاست	برای ظالم هر عصر خانمان سوز است
«حسان» حسین به ظاهر گرچه شد مغلوب	شکست اوست که در هر زمانه پیروز است



با توجه به این مقدمه، ابتدا به بررسی مفهومی و اصطلاحی «حق» و «باطل» و مصادیق آن می‌پردازیم؛ آن‌گاه نقش و تأثیر نهضت حسینی علیه السلام را بر قیام مهدوی علیه السلام بررسی و تحلیل می‌کنیم.

## حق و باطل

دو انگاره «حق» و «باطل»، از واژه‌های مهم و کلیدی در فرهنگنامه دین جاودانه اسلام و دارای مفاهیم و معانی گسترده و گوناگونی است و در هر برهه‌ای از زمان، تجلیات و نمودهای مختلفی داشته است. مهم‌ترین نمودهای معنایی «حق» و «باطل» را می‌توان در وجود دو گروه و جبهه مخالف هم، در طول تاریخ شناسایی کرد؛ یک گروه خیر و ایمان و حق پرستی و گروه دیگر جبهه شر، کفر، طغیان و فسادگری. در یک جبهه، پیامبران، اولیای الهی، یکتاپرستان، حق‌پویان عدالت‌گرایان و مؤمنان قرار داشتند و در جبهه مقابل، جباران، فرعون‌ها، حاکمان ظلم و جور، مترفان و ثروت‌اندوزان، کافران و حق‌ستیزان بوده‌اند.

بین این دو گروه، در طول تاریخ همواره، نزاع، درگیری و چالش‌های فراوانی وجود داشته و در آینده نیز وجود خواهد داشت. مبارزه و نزاع «حق» و «باطل» در تاریخ بشری و مکاتب الهی، پیشینه‌ای دراز و طولانی دارد. باطل در زمینه افکار و عقاید - چه در بعد رفتار و اخلاق، چه در محور اجتماعی و حکومتی و چه در زمینه فرهنگ و سیاست - به

عنوان چیزی بوده که همهٔ پیامبران اوصیا و امامان با آن مبارزه کرده‌اند. سنت الهی نیز بر این بوده که با نیروی حق، باطل را نابود سازد.

«خداوند»، حق است و «شُرک»، باطل؛ «اسلام» حق است و «کفر و نفاق»، باطل؛ «پیامبران و امامان» حق‌اند و «مخالفانشان» باطل؛ «عدالت و صدق»، حق است و «جور و فریب» باطل؛ «حکومت اسلامی» حق است و «سلطه‌های طاغوتی و ستمگرانه»، باطل و ...

پیشینهٔ ادیان آسمانی، گواه حق خواهی، عدالت‌گرایی و ظلم‌ستیزی پیامبران و یاران آنان بوده است؛ به همین جهت همواره با مخالفت‌ها و دشمنی‌های گروه باطل (زرمداران، زورمندان و ...) روبه‌رو بوده‌اند. قابیل در برابر هابیل قوم نوح در مقابل حضرت نوح؛ قوم ثمود در برابر صالح ...؛ نمرود در برابر ابراهیم؛ فرعون در مقابل موسی؛ کافران و یهودیان در برابر عیسی؛ کافران و مشرکان در مقابل پیامبر اسلام؛ قاسطین و مارقین و ناکثین در برابر حضرت علی علیه السلام و در نهایت یزیدیان و امویان در برابر امام حسین علیه السلام صف بسته بودند.

در زمان ما نیز استکبار و استعمار، در برابر انقلابیان و مسلمانان قرار دارند و در آینده نیز این صف‌آرایی و نزاع وجود خواهد داشت تا اینکه عصر ظهور فرا رسد و امام مهدی علیه السلام در رأس حق‌پویان و حق‌طلبان قرار گیرد و طومار عمر گروه باطل را درهم پیچید.

البته تاریخ ابعاد و مؤلفه‌های گوناگونی دارد و حرکت آن نیز

براساس عوامل و محرک‌های مختلفی صورت می‌گیرد؛ ولی مهم‌ترین بعد آن، مبارزه حق با باطل است و یکی از حساس‌ترین و خونبارترین آنها، قیام عاشورا و صف بندی امام حسین علیه السلام و یاران مؤمن و حق طلبش، در برابر یزیدیان و منافقان است.

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که: آیا این مبارزه و نزاع، در واقع بین حق و باطل بوده است؟ در این صورت چه آثار و نتایجی در پی دارد؟ آیا پیام‌ها و پیامدهای واقعه عاشورا، محدود و موقتی است یا اینکه دارای آثار گسترده، دائمی و جهان شمول است؟ اگر بپذیریم که قیام عاشورا، صحنه نبرد گروه باطل بوده است، چه پیوند و رابطه‌ای با قیام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام و مبارزه نهایی او با جبهه باطل دارد؟ برای رسیدن به پاسخی مناسب، ابتدا، باید معانی حق و باطل را تبیین کرد، آن گاه نبرد حق و باطل را در صحنه عاشورا ترسیم نمود.

### حق و باطل در قرآن

ابتدا باید دانست که «حق» در قرآن به معانی و مشتقات مختلفی استفاده شده است؛ از جمله: ثابت شدن و واجب گشتن «فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقًّا عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ»؛ شایسته بودن و سزاوار بودن «وَأَذِنْتُ لِرَبِّهَا وَخَفَّتْ»؛ متوجه

۱. اعراف (۷)، آیه ۳۰.

۲. انشقاق (۸۴)، آیه ۲ و ۵.



شدن و مرتکب گشتن، ثابت و مستقر کردن، آشکار ساختن ﴿و يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ بِكَلِمَاتِهِ﴾؛ نام یا صفت خداوند متعال ﴿فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنْتَى تُصْرَفُونَ﴾؛ صاحب حق و در مقابل باطل ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنْ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ﴾؛ امر واجب، ثابت و لازم؛ قرآن ﴿فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا﴾؛ دین اسلام ﴿لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ﴾؛ درست و راست ﴿وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا﴾؛ جرم، استحقاق و سزاوار بودن ﴿وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾<sup>۱</sup> حق محض و عدالت خالص ﴿وَقَضَىٰ بَيْنَهُمُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾؛ سخن راست، حقیقت و راستی ﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ﴾<sup>۲</sup> و...<sup>۳</sup>

قرآن جریان هستی را براساس «حق» می‌داند و «حق» را اصیل

۱. انفال (۸)، آیه ۷.

۲. یونس (۱۰)، آیه ۳۲.

۳. حج (۲۲)، آیه ۶۲.

۴. قصص (۲۸)، آیه ۴۸.

۵. انفال (۸)، آیه ۸.

۶. نساء (۴)، آیه ۱۲۲.

۷. بقره (۲)، آیه ۶۱.

۸. زمر (۳۹)، آیه ۶۹.

۹. نساء (۴)، آیه ۱۷۱.

۱۰. ر. ک: بهاء‌الدین خرمشاهی، دانشنامه قرآن، ج ۱، ص ۹۴۹، ۹۵۰.

معرفی می‌کند و در مقابل، هر چند باطل را نفی نمی‌کند؛ اما آن را اصیل نمی‌داند. در واقع بینش باطل، امری نسبی و تبعی است و به عنوان نمود و امری طفیلی مطرح می‌شود. قرآن در موارد متعددی، بحث حق و باطل - به خصوص مبارزه دائمی گروه حق با گروه باطل - را مطرح می‌کند و پیروز نهایی این نزاع و درگیری را، گروه «حق» می‌داند:

۱. «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ»؛ «ما آسمان و زمین و آنچه در میان آنها است، از روی بازی نیافریدیم؛ بلکه حق را بر سر باطل می‌کوبیم تا آن را هلاک سازد و این گونه باطل محو و نابود می‌شود، اما وای بر شما از توصیفی که می‌کنید».

۲. «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ وَإِنَّ جُنُدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ»؛ «و حکم ما در حق بندگان ما که به رسالت فرستاده شده اند، از پیش تعیین شده است. تنها ایشانند که نصرت یافتگانند و تنها سپاه ما پیروزند».

۳. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ «او است که پیامبر خود را برای هدایت، با آیین

۱. انبیا (۲۱)، آیه ۱۶ و ۱۸.

۲. صافات (۳۷)، آیه ۱۷۱-۱۷۳.

۳. توبه (۹) آیه ۳۳.

درست روانه ساخت تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان این امر را نپسندند».

مقصود از این یاری و نصرت خداوند و پیروزی مؤمنان و رسولان الهی، پیروزی حق بر باطل، سلطه یافتن جنود رحمان بر جنود شیطان، زبون شدن باطل در برابر حق و شکست باطل هنگام ستیزش و نزاع با حق است. حق (نور و خیر و ایمان) برتر است و برتر از او نمی‌شود. نبرد در راه دعوت حق، آرمان هر مؤمن در زندگی است؛ یعنی، در زندگی مکتبی که درون هر شخص مومن به حق و غیرتمند جای دارد.<sup>۱</sup>

بنابراین هرکس در این میدان نبرد گام نهد، سود برده و رسالت ایمانی خویش را نیز ادا کرده است و هر کس از آن دوری گزیند، ضرر کرده و به زندگی پست و ناچیز خشنود شده است. نبرد در راه حق، سرانجام سودمندی و پیروزی است و انسان مؤمن در میدان نبرد زندگی، ناگزیر برنده و پیروز است....

باید دانست که حق اصیل است و باطل، غیر اصیل و تبعی و همیشه بین امر اصیل و غیر اصیل، اختلاف و جنگ است؛ ولی همیشه حق مغلوب نیست. حق همیشه موجب استمرار زندگی و تمدن بوده و باطل نمایشی است که جرقه‌ای زده و سپس خاموش

۱. ر. ک: مجله اندیشه حوزه، سال هشتم، ش ۵، ص ۹۶.

شده و از بین رفته است.

اگر در جامعه، حق و حقیقت از حدی کمتر باشد، آن جامعه می‌میرد و چنانچه جامعه‌ای باقی بماند، معلوم می‌شود که در میان دو حد باطل - افراط و تفریط - نوسان دارد. جامعه‌هایی که باطل بر آنها غلبه کرده است، هلاک شده‌اند؛ بنابراین بیمار بودن جامعه، غیر از این است که شرّ و باطل در آن غالب شده باشد.

### دو قیام حق طلبانه

در همین راستا، بشر شاهد دو قیام حق طلبانه و نهضت باطل ستیزانه تأثیرگذار و شکوهمند بوده و خواهد بود:

۱. نهضت عاشورایی امام حسین علیه السلام در دهم محرم ۶۱ هـ.ق

۲. قیام حق پویانه امام مهدی علیه السلام در پایان تاریخ

بین این دو قیام و نهضت، پیوندها و ارتباط‌هایی گسترده و مستقیمی وجود دارد و تکمیل کننده و تداوم بخش و در امتداد همدیگر هستند. هر دو قیام، در جبهه «حق» بوده و در برابر آنها گروه «باطل» (مفسدان، ستمگران، دین ستیزان و زرمداران) قرار دارد. هر دو نهضت برای اصلاح جامعه فاسد و رو به تباهی صورت گرفته و مهم‌ترین برنامه آنها، تحقق حاکمیت حق و ایمان، احیای آموزه‌های والای دینی و انسانی و ریشه کنی ناهنجاری‌ها و موانع رشد و کمال انسان است.

پیام سیاسی - دینی آنها مبارزه با حکومت‌های جور و فساد و عدم سازش با جباران و طاغوتیان است و هدف اصیل آنها رساندن جامعه بشری به تعالی و کمال نهایی (عبودیت و قرب خدای متعال) و ایجاد انقلاب و دگرگونی در اخلاق و رفتار ناپسند مردم است. یکی آغازگر جهادی خونبار و حماسه‌ای بی‌نظیر علیه ظلم و فساد و بی‌دینی و دیگری پایان بخش طومار عمر باطل و رهبر مبارزه نهایی علیه شرّ و کفر است.

هر دو قیام در تداوم نهضت‌ها و انقلاب‌های پیامبران و صالحان در طول تاریخ بوده و خود نیز منشأ و سرچشمه بسیاری از قیام‌های حق‌طلبانه و ظلم‌ستیزانه بوده اند... انگاره بسیار مهم و بایسته در اینجا، اثرگذاری، بستر سازی و نقش «قیام حماسی عاشورا»، در ظهور و پیروزی «انقلاب جهانی مهدوی» است.

در واقع نهضت امام عصر علیه السلام، ادامه دهنده و تکمیل کننده مبارزه امام حسین علیه السلام علیه مفسدان و ستمگران و در همان مسیر و طریق است. رهبر دو قیام، از امامان معصوم شیعه و از فرزندان مطهر رسول گرامی اسلام و وصی او علی بن ابی طالب علیه السلام می‌باشند و هر دو، درصدد اجرا و احیای آموزه‌های اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم و نجات جامعه بشری از تباهی‌ها و آلودگی‌های اخلاقی، سیاسی و... هستند. یکی از قیام‌ها به ظاهر شکست خورد؛ ولی در باطن و واقعیت

پیروز و ظفرمند واقعی این مبارزه بود و بعضی از برنامه‌ها و اهداف آن محقق شده و بعضی دیگر از اهداف و ایده‌های آن به طور کامل در عصر ظهور تحقق خواهد یافت.

ابتدا نمایی از دو قیام حسینی و مهدوی علیه السلام ارائه می‌شود؛ آن گاه به بررسی پیوندها و ارتباط‌های دو قیام حق طلبانه و نقش و تأثیرگذاری آنها بر همدیگر پرداخته می‌شود.

امام حسین علیه السلام که به دعوت اهل کوفه از مکه عازم این شهر بود تا به شیعیان انقلابی پیوندد و رهبری آنان را به عهده گیرد، پیش از رسیدن به کوفه، در کربلا به محاصره نیروهای ابن زیاد در آمد و چون حاضر نشد ذلت تسلیم و بیعت با حکومت غاصب و ظالم یزیدی را بپذیرد، سپاه کوفه با او جنگیدند. حسین و یارانش، روز عاشورا، لب تشنه، با رشادتی شگفت تا آخرین نفر جنگیدند و به شهادت رسیدند و بازماندگان این قافله نور، به اسارت نیروهای ظلمت درآمدند، به کوفه برده شدند. او و هفتاد و دو تن از یارانش بزرگ‌ترین حماسه بشری را آفریدند و یاد خویش را در دل تاریخ و وجدان بشرهای فضیلت‌خواه، ابدی ساختند.

آزاده‌ای که کعبه دلهاست کوی او	دارند چشم، اهل دو عالم به سوی او
صاحب‌دلان کنند به شکرانه جان نثار	در مقدم صبابه نسیمی زکوی او
ای جان فدای همت آن عاشقی که بود	در راه دوست، کشته شدن آرزوی او
دلنده‌ای که بود به محراب وصل دوست	از جویبار خون همه غسل و وضوی او
کردند جان نثار چو عقد نماز بست	زآزادگان عشق دو تن پیش روی او



در خون تپید آن که دو عالم حقیر بود در من یزید عشق، به یک تار موی او از احادیث اهل بیت چنین استفاده می‌شود، هنگامی که اوضاع عمومی جهان، مساعد و افکار جهانیان برای پذیرش حکومت حق آماده شد، خدای متعال به مهدی علیه السلام، اجازه قیام می‌دهد. پس ناگهان در مکه ظاهر می‌شود و منادی حق، بشارت ظهورش را به گوش جهانیان می‌رساند. مردان برگزیده جهان، که در چندین روایت تعدادشان ۳۱۳ نفر تعیین شده، نخستین ندای حق را لبیک گفته، در ساعات نخست دعوت، مجذوب مغناطیس ولایت می‌گردند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که صاحب الزمان ظهور کرد، جوانان شیعه بدون وعده قبلی، در همان شب، خودشان را به مکه می‌رسانند»<sup>۱</sup>.

سپس دعوت عمومی خویش را شروع می‌کند. مردم رنجدیده و از همه جا مأیوس گرداگردش حلقه می‌زنند و با او بیعت می‌کنند. در اندک زمانی، سپاه انبوهی از مردان شجاع و فداکار و اصلاح طلب جهان، برایش مجهز می‌شوند.

امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام در وصف یاران قائم فرموده‌اند: «شرق و غرب جهان را فتح و تمام موجودات جهان را مسخر می‌کنند. هریک از آنان نیروی چهل مرد دارد و قلوبشان از

۱. الغیبة، نعمانی، ص ۳۱۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۰، ح ۱۵۹.

پاره‌های آهن، سخت‌تر است؛ به طوری که اگر در راه هدف به کوه‌های آهن برخوردند، آنها را پاره می‌کنند و تا وقتی که خشنودی خدا فراهم نشود، دست از جنگ نمی‌کشند»<sup>۱</sup>.

در آن هنگام، زمامداران خودسر و ستمگران بی‌وجدان، احساس خطر می‌کنند و درصدد مقاومت برآمده، ندای مخالفت را به هم‌مسلمان خویش می‌رسانند؛ اما سربازان عدالت خواه و اصلاح طلبان جهان که از ستم و تجاوز، خسته شده اند، تصمیم نهایی را می‌گیرند. با هم متحد شده، به آنها هجوم می‌برند و با تأییدات الهی، ستمکاران را ریشه کن ساخته، قتل عامشان می‌کنند. رعب و ترس، همه را فرا می‌گیرد و خود را تسلیم دولت حق می‌سازند.

بسیاری از کافران، با دیدن نشانه‌های صدق و حقیقت، به دین اسلام می‌گروند و آنها که در کفر و ظلم خویش اصرار ورزند، به دست لشکر مهدی علیه السلام قتل عام می‌شوند. یگانه دولت مقتدر و نیرومند اسلام، در سراسر زمین، تشکیل می‌گردد و مردم از جان و دل، در حفظ و حراست آن می‌کوشند.<sup>۲</sup> دین اسلام، عمومی می‌شود و در همه شهرها نفوذ می‌کند.<sup>۳</sup>

۱. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷، ح ۴۳ و ۴۴.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۹-۲۸۰.

۳. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۵؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶؛ اثبات الهداة، ج ۷، ص ۵۰.

پیامبر ﷺ فرمود: «اگر از عمر دنیا، بیش از یک روز هم باقی نمانده باشد، خدا مردی را که نامش نام من و اخلاقش اخلاق من و کنیه اش ابوعبدالله است، مبعوث می کند و به وسیله او، دین را - به عظمت نخستین خود - باز می گرداند و فتوحاتی را نصیبش می کند و به جز گوینده کلمه توحید، کسی روی زمین باقی نخواهد ماند. به آن حضرت عرض شد: آن مرد از نسل کدام فرزندان است به وجود می آید؟ پیغمبر دستش را به حسین زده، فرمود: از این»<sup>۱</sup>.

حضرت ابوجعفر علیه السلام فرمود: «قائم و اصحابش آن قدر می جنگند،

تا دیگر مشرکی باقی نماند»<sup>۲</sup>.

از مشهد خون، بانگ اذان می آید	سردار گل از خوان خزان می آید
از دشنه ملحدان پنهان در شب	سیلابه خون ز هر کران می آید
پیری که دلش آینه بینایی است	با جاذبه عشق، جوان می آید
در منتظران خسته شهر حصارا	آن مرد همیشه قهرمان، می آید
از راه مه آلود افق، منجی خاک	با اسب ستاره دمان می آید
بر بام فلق، منادی بیداری	گوید که امیر عاشقان می آید
ای شبزدگان خفته بیدار شوید	خورشید دل از مشرق جان می آید

۱. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۲۱۵ و ۲۴۷. قال النبی ﷺ: لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لبعث الله فیه رجلاً اسمه اسمی و خلقه خلقی یکنی ابا عبدالله، یردالله به الدین و یفتح له فتوحاً و لایبقی علی وجه الارض الا من یقول: لا اله الا الله. فقیل له: من ای ولدک؟ قال من ولد ابنی هذا و ضرب بیده علی الحسین.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵، ح ۹۱.

# فصل ۱

## در امتداد تاریخ

(مبارزه تاریخی گروه حق با گروه باطل)

## شکوه حق خواهی

توضیح، تفسیر و تحلیل تاریخ بشری و ارتباط مستمر گذشته با حال و آینده، بر عهده «فلسفه نظری تاریخ» است. در تعریفی جامع و کامل که نگارنده ارائه داده، «فلسفه نظری تاریخ، کشف الگو و قوانین حاکم بر تاریخ و شناسایی هدف، مسیرها و عوامل حرکت آفرین آن، جهت پیش بینی آینده و معنابخشی به حرکت تاریخ است».<sup>۱</sup>

تاریخ، حرکت مستمر و مداوم زندگی انسان‌ها، از گذشته تا حال و آینده است؛ آکنده از شکست‌ها و پیروزی‌ها، کامیابی‌ها و ناکامی‌ها، دشواری‌ها و راحتی‌ها، حق‌گرایی‌ها و باطل‌محوری‌ها، پیشرفت و پسرفت‌ها و.. به همین جهت نگرش و اظهار نظر درباره آن، مطلوب بوده و خواهد بود.

براساس فلسفه نظری تاریخ، در صدد ترسیم و تبیین چند مفهوم

هستیم:

---

۱. نگارنده، مقاله، فلسفه نظری تاریخ و دکترین مهدویت، فصلنامه انتظار، ش ۱۷، ص ۸۷

- جوامع بشری، در حال تحول دائمی هستند و آنها به تنهایی و یا در مجموع، مسیر معینی را طی می‌کنند.
- طی این مسیر، عبارت است از: پیمودن مراحل که حاصل تضادها و برخوردهای داخلی جوامع یا اثرات محیط خارج است.
- جامعه‌های بشری، دائماً در حال پیشرفت هستند و در طی مراحل خود، به سمت کمال پیش می‌روند.
- این مسیر را می‌توان با علت یابی تاریخی، شناخت و از آن قوانینی استخراج کرد.
- براساس تجربه و تحلیل این قوانین و بررسی سیر گذشته، می‌توان درباره آینده جوامع، به پیش بینی پرداخت
- در بحث سرنوشت و فرجام و تاریخ، هر کس مطلقاً (انگاره‌ای) برای خود قائل شده است. کانون توجه کانت «گونه‌های انسانی»، از نظر هگل، «ملت»؛ برای مارکس «پرولتاریا» (طبقه حقیقی جهانی)؛ از نظر توین بی «تمدن»، و... بوده است.
- از نظر فلسفه متعالی تاریخ (دیدگاه شیعه)، این کانون و مفهوم محوری «کمال گرایی» انسان‌ها و نزاع مستمر حق و باطل برای رسیدن به این نقطه کمال و تعالی (عبودیت و قرب الهی) است. در واقع مهم‌ترین مانع رشد و بالندگی انسان‌ها و جوامع و تحقق عبودیت کامل، وجود «گروه باطل» در برابر «گروه حق» و حق



ستیزی، بیدادگری، فسادگری و شیطان محوری جبهه شر و کفر است.

برای تبیین این معنا، باید سه انگاره فلسفه تاریخ را مد نظر قرار داد: ۱. اصل حرکت (هدف و مقصد)؛ ۲. منازل و جوامع حرکت؛ ۳. مکانیسم و محرک حرکت؛ یعنی، باید به این سه سؤال پاسخ داد:

۱. تاریخ به چه سمتی حرکت می‌کند؟

۲. محرک تاریخ (مکانیسم حرکت) چیست؟

۳. منزلگاه‌ها و مسیر حرکت تاریخ کدام است؟

براساس نگرش ادیان ابراهیمی، اراده و مشیت الهی، بر تاریخ سوار و حاکم است و آن را براساس سنت‌های مختلف به حرکت در می‌آورد و نهایت آن نیز نیک فرجامی و به زیستی در این دنیا و آخرت است. بنابه نوشته پل ادواردز: «آنجا که عقل و مشاهده می‌تواند حداکثر نظم و ترتیب ادوار تاریخ را بیابد، چشم «ایمان» در یک فرآیند خاص تاریخی، فعل و اثر نجات بخش خداوند را تشخیص می‌دهد».<sup>۱</sup>

از دیدگاه شیعه، مهم‌ترین انگاره درباره تاریخ، حرکت و سیر انسان و جامعه بشری - با طی فراز و نشیب‌هایی - به سوی کمال و اوج گرفتن است؛ یعنی، حرکت به سوی عبودیت و حاکمیت کامل ارزش‌ها و متعالی شدن انسان‌ها.

۱. فلسفه تاریخ، ص ۱۷.

هدفی هم که قرآن برای کاروان بشری ترسیم می‌کند، «عبادت و عبودیت» است و منظور از آن، معنای وسیع و گسترده‌ای است که شامل کلیه شئون زندگی انسان در روی زمین می‌گردد. این هدف در صورتی محقق می‌شود که در سرتاسر جهان خواسته‌ها و دستورات الهی، اجرا و معرفت و عبادت او محقق شود و معنویت و فضیلت جایگزین رذیلت و شرارت گردد.

برای رسیدن به چنین هدف و مقصدی، از آغاز جهان، همواره نبردی پیگیر میان گروه حق و گروه باطل، برپا بوده است. گروه حق «نماد» خداپرستی، اخلاق محوری، عبادت گری، عدالت گستری و حق طلبی بوده و گروه باطل «نماینده» ثروت اندوزی، فسادگری، قدرت محوری، ستمگری و خداستیزی بوده است.

رهبران گروه حق، پیامبران و اولیای الهی و سردمداران گروه باطل، شیطان و تمامی فراعنه، جباران، زرسالاران و سلطه‌جویان بوده‌اند. این نزاع و درگیری منازل و مراحل مختلفی را در تاریخ طی کرده و شاهد مبارزات پیگیر و مداوم حق طلبان (آدم، نوح، ابراهیم، موسی، لوط، شعیب، صالح، موسی، عیسی، داوود، حضرت محمد ﷺ، حضرت علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام و...)، با حق ستیزان (فرعون، نمرود، ثمودیان، عادیان، هامان، قارون، ابوسفیان، ابوجهل، معاویه، یزید و...) بوده است.

قیام امام حسین علیه السلام و مهدی موعود علیه السلام، حلقه‌ای از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل است که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. سر منزل و مقصد نهایی این مبارزه نیز حاکمیت اهل حق بر جهان، گسترش فضیلت‌های اخلاقی، ریشه کنی شرارت و رذالت و رسیدن انسان به کمال اخلاقی و عقلی است.

براین اساس نهضت امام حسین علیه السلام، در امتداد قیام‌های پیامبران و صالحان و یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین این مبارزات بوده است. این حماسه جاودانه، رویارویی بزرگ و سرنوشت ساز گروه حق، در مقابل گروه باطل و برای تحقق آرمان‌های الهی - دینی بوده است.

مهم‌ترین شاخصه و ویژگی آن - که در همان مسیر قیام‌های انبیا قرار دارد - حق محوری و تلاش برای احیای حق و خیر و ایمان بوده است؛ همان گونه که مهم‌ترین شاخصه و ویژگی قیام مهدوی نیز، حق‌طلبی و تلاش برای حاکمیت خیر و ایمان و حق خواهد بود.

در کربلا و حماسه عاشورا، دو جمعیت و گروه، در مقابل یکدیگر قرار گرفتند: یک جمعیت نماینده حق و حقیقت، ایمان و حق باوری، درستی و صداقت، شرافت و کرامت، عبادت و طاعت و در یک کلمه، گروه «حق» بودند. گروه دیگر نماینده شر و فساد، ظلم و تباهی، نفاق و بی‌ایمانی، پستی و رذالت و ابلیس‌گرایی و در یک کلمه جنود «باطل» بودند.

سالار گروه حق، حسین بن علی علیه السلام فرزند گرانمایه رسول گرامی

اسلام و سردمدار گروه باطل، یزید بن معاویه، فرزند ابوسفیان بن حرب بود. جبهه حق، گروه سعیدان، یکتاپرستان و مؤمنان واقعی و جبهه باطل، گروه اشقیاء، دنیا خواهان و منافقان بودند.

در گروه حق و خیر، چهره‌های نورانی، دلاور و پاک نهادی چون عباس بن علی، علی بن الحسین، قاسم بن حسن، حبیب بن مظاهر، مسلم بن عوسجه، زهیر بن قین، حربن یزید ریاحی و... حضور داشتند. در جبهه شرّ و باطل، افراد شقی، ستمکار و فاسقی چون عمر بن سعد، عبیدالله بن زیاد، شمر بن ذی الجوشن، حمله، حصین بن نمیر، شبت بن ربیع و... جولان دادند و در اوج شرارت، تباهی و باطل گرایی بودند. شیطان در گوشت و خون و روح آنان نفوذ کرده و دین ستیزی، جهالت، انحراف و حق کشی در وجود آنان ریشه دوانده بود. چنان که در طول تاریخ نیز می‌توان این اوصاف حیوانی را در چهره شرارت بار گروه‌های مخالف پیامبران و ادیان الهی مشاهده کرد. در آینده نیز شاهد فعالیت و تحرک این گروه شیطانی و تباه گر خواهیم بود؛ زیرا تا زمانی که شیطان هست و جولان می‌کند، برای خود اعوان و انصاری - از جن و انس - دارد و فرماندهی گروه باطل (شر، ظلمت، فسق و فجور) را عهده دار است. پس در هر زمان می‌توان جنود شیطان را شناسایی کرد و شرارت‌ها و جنایت‌های آنها را دید.

## چهره گروه باطل در عاشورا و عصر ظهور

### یک. گروه باطل در عصر عاشورا

کربلا شاهد حماسه و عرفان در یک طرف و جنایت و رذالت در طرف دیگر بود. در یک جبهه امام حسین علیه السلام و عده‌ای از صالحان و پاکان روزگار و ولایت‌مداران قرار داشتند و در جبهه دیگر، یزید و گروه نفاق و دنیاپرست و سلطه‌گر صف بسته بودند. باطل‌گرایی چون عمر بن سعد، ابن زیاد، شمر و ... در برابر حق‌طلبانی چون ابوالفضل عباس، علی اکبر، حبیب‌بن مظاهر و ... به مصاف برخاستند و بزرگ‌ترین جنایت تاریخ بشری را رقم زدند. چهره کریه و ننگین گروه باطل و شر را در عاشورا چنین می‌توان ترسیم کرد:

### ۱-۱. نفاق‌گرایی

یکی از ویژگی‌های بارز بنی‌امیه و ولایت‌ستیزان، نفاق و دورویی،

پذیرش مصلحتی و دروغین اسلام و شرک پنهانی و باطنی بود. این نفاق و خبث باطنی، منشأ بسیاری از رذالتها و کژی‌ها بود. به همین جهت درباره بنی‌امیه و بخصوص سپاه یزید آمده است: «آنان اسلام را نپذیرفتند؛ ولی در برابر آن تسلیم شدند و کفر خویش را پنهان داشتند و چون یاورانی یافتند، آن را آشکار ساختند».<sup>۱</sup>

### ۱-۲. دنیا‌گرایی و حرام‌خواری

زرسالاران و دنیا‌گرایان، از محورهای عمده در تشکیل سپاه باطل در نینوا بودند؛ یعنی، یکی از انگیزه‌ها و عوامل اصلی حرکت خصمانه آنها، مادی‌گرایی، دنیا‌دوستی و دلبستگی فراوان به پول و ثروت بود و این نیز ناشی از حرام‌خواری و دنائت نفس بود. مستندات تاریخی گواهی می‌دهد که افرادی چون ابن سعد، به خاطر رسیدن به حکومت ری، ابن زیاد جهت تثبیت موقعیتش در کوفه و بصره و کوفیان نیز برای حفظ اموال خود و دستیابی به غنایم جنگی، به دشمنی با پیشوای عادل برخاستند.

امام حسین علیه السلام به آنان فرمود: «شکم‌های شما از حرام پر شده است (ملئت بطونکم عن الحرام)».<sup>۲</sup>

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۳۱.

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸.

## ۳-۱. دین ستیزی و دین فروشی

گروه باطل در واقعه طف، با اینکه به اسم دین و یاری آیین الهی به مبارزه با امام حق برخاستند و خود را «سپاهیان خدا» می‌نامیدند؛ اما در واقع امر، دین ستیزانی بی‌پروا و دین‌فروشان فرومایه بودند که شریعت اسلام را ملعبه دست خود قرار داده و عمق کینه و دشمنی خود را با آیین اسلام و نبی مکرم و عترت معصوم او بروز دادند. آنان با انحراف در آموزه‌های دین و انواع بدعت‌ها و کفرورزی‌ها، کمر به نابودی اسلام بسته بودند و قیام امام حسین علیه السلام نیز برای نجات دین خدا از دست آنان بود.

در روایات آمده است: «آنان مال خدا (بیت المال) را دست به دست چرخانده و دین خدا را دستاویز فریب قرار دادند»<sup>۱</sup> و نیز: «آنان حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام ساخته اند».<sup>۲</sup>

## ۴-۱. فسادگری و ناپاکی

گروه باطل در عصر امام حسین علیه السلام در اوج پلیدی و فساد قرار داشتند و فسق و فجور آنها - به خصوص یزید - شهره آفاق بود؛ آن هم کسی که تکیه بر مسند خلافت پیامبر زده و داعیه‌دار رهبری مسلمانان بود. چنین شخصی تمامی حرمت‌های الهی را زیر پا

۱. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۴۸.

۲. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۶۰۵.



گذاشته و از شرب و خمر گرفته تا زنا و قمار را مرتکب می‌شد! درباره یزید و عمال وی آمده است: «آنان، همواره همراه شیطان هستند. فرمان خدا را فرو نهاده و فساد را آشکار ساخته و حدود الهی را تعطیل کرده اند». <sup>۱</sup> امام حسین علیه السلام فرمود: «من چگونه با یزید بیعت کنم؛ در حالی که یزید مردی تبه کار است و فسق و فجور را علنی کرده است...»!

#### ۱-۵. ظلم و ستمگری

یزید و سرکردگان شریر او و پیشینیان فاسق او (چون معاویه)، ظلم و ستم خود را بر مؤمنان و صالحان - به خصوص ولایت‌مداران - به اوج رسانده بودند و خون بی‌گناهان را بی‌امان بر زمین می‌ریختند. به همین جهت امام حسین علیه السلام علت قیام خود را، مبارزه با حاکم ستمکار وقت می‌دانست: «وقتی حاکمی ستمکار زمام امور جامعه را به دست گرفت و حلال خدا را حرام و حرام او را حلال کرد... باید با زبان و قلم و سلاح در برابر او بایستید».

#### ۱-۶. سلطه جویی و سلطنت مآبی

مهم‌ترین هدف بنی‌امیه از پذیرش اسلام، رسیدن به قدرت و تکیه

۱. همان، ص ۶۰۵

۲. الفتوح، ج ۵، ص ۱۴.

۳. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱.

زدن بر مسند حکمرانی بود. آنان در این راه دست به هر جنایت و خیانتی زدند و چهره کریه سلطه طلب خود را زیر نقاب اسلام ظاهری، پنهان کردند. حاکم نابکاری چون معاویه، سلطنت را در اسلام، بنیان گذاشت و انسان فرومایه‌ای چون یزید برای حفظ آن، حجت الهی و انسان‌های پاک را به شهادت رساند و ... !!

ابوسفیان به بنی‌امیه و سردمداران نفاق می‌گفت: «خلافت را چون توپ به یکدیگر پاس دهید، سوگند به آن که ابوسفیان بدان سوگند می‌خورد، نه بهشتی در کار است و نه دوزخی!»<sup>۱</sup>

#### ۱-۷. شیطان‌گرایی و حق‌ستیزی

جبهه ولایت‌ستیز عصر حسینی، نه تنها تابع دین خدا و مطیع دستورات رسول خدا نبودند؛ بلکه طوق بندگی شیطان را برگردن نهاده و با ولایت عظمای الهی دشمنی کردند. آنان از جنود ابلیس بوده و در تحقق اهداف او گام بر می‌داشتند. راه شیطان، راه فریب، فساد، ستم، شهوت و نفاق و شرک است؛ به همین جهت ابا عبدالله علیه السلام درباره آنان می‌فرمود: «آگاه باشید که اینان ملتزم فرمان شیطان شده و اطاعت یزدان را ترک کرده‌اند»<sup>۲</sup> و «شیطان براینان

۱. حماسه حسینی، ج ۳، ص ۲۱۹.

۲. مقتل الحسین مقرر، ص ۲۱۸؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۶۱۵.

مسلط شده و خدا را از یاد آنان برده است».<sup>۱</sup>

### ۱-۸. بدعت گذاری

بعد از رحلت نبی مکرم اسلام، به تدریج انحرافات و بدعت گذاری‌ها شکل گرفت و در زمان امام حسین علیه السلام به اوج خود رسید. گستره این بدعت گذاری دین و شریعت نیز را در بر می گرفت و به همین جهت آن حضرت احساس خطر کرده و در جهت مبارزه با این انحراف و ناراستی گروه باطل قیام فرمود. درباره آنان آمده است:

«همواره در این خیال هستند که هیچ حرامی را فرونگذارند؛ جز آنکه آن را حلال شمرند»<sup>۲</sup> و نیز: «حدود الهی را تعطیل کرده و حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام ساخته‌اند».<sup>۳</sup>

### ۱-۹. حرمت شکنی اهل بیت

بر اساس آموزه‌های متعالی اسلام، خاندان وحی، از ارجمندی و احترام خاصی برخوردارند و مقام و منزلت آنان، برتر و والاتر از همگان است. دوستی اهل بیت، اجر رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و اطاعت از آنها، مسؤولیت هر مسلمانی و پذیرش ولایت ایشان، تکمیل دین داری است. اما سوگمندان باید گفت که گروه باطل و افسادگر،

۱. موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۶۸۵

۲. نهج البلاغه، خطبه ۹۸.

۳. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۶۰۵

منزلت عترت نبی ﷺ را نادیده گرفته و حرمت آنها را شکستند؛ چنان که سالار شهیدان می فرمود:

«بنی امیه، حرمت ما را نادیده گرفتند؛ اموال ما را به یغما بردند و اینک قصد جانم را کرده اند...»<sup>۱</sup>

حضرت علی علیه السلام درباره معاویه و بنی امیه (گروه باطل) فرموده بود: «... والله لا يزالون حتى لا يدعوا لله محرماً الا استحلوه و لا عقداً الا حلوه و حتى لا يبقى بيت مدر و لا وبر الا دخله ظلمهم و نبأ به سوء رعيتهم و حتى يقوم الباكين يبكian: باك يبيكي لدينه و باك يبيكي لدنياه...»<sup>۲</sup>؛

«سوگند به خدا! بنی امیه همواره ستم می کنند تا اینکه هیچ حرام خدا را باقی نگذارند؛ مگر آنکه آن را حلال گردانند و عهد پیمانی را که می بندند، به جور می شکنند. هیچ خیمه و خانه ای وجود ندارد که ستمکاران بنی امیه در آن راه نیابند. در حکومت آنان دو دسته می گریند: دسته ای برای دین خود که آن را از دست داده اند و دسته ای برای دنیای خود که به آن نرسیده اند.»

آن حضرت در جای دیگر می فرماید: «...انما هم مطايا الخطيئات و زوامل الآثام...»<sup>۳</sup>؛ «آنان (امویان) مرکب های عصیان و نافرمانی و شتران بارکش گناهند...».

۱. مقتل الحسين مقرر، ص ۲۱۸.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۹۸، ص ۱۶۳؛ بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۵۴۵.

۳. همان، خطبه ۱۵۸، ص ۲۴؛ بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۵۴۶.

این تصویر ظلمانی و شرورانه با شدت و ضعف در همه زمان‌ها وجود داشته است؛ ولی در عصر قیام حسینی و پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام (در آخرالزمان)، شدید تر و رذیلانه تر بوده و خواهد بود؛ همان گونه که در محرم ۶۱ هجری، اوج جنایت و شرارت گروه باطل به نمایش درآمد.

براساس روایات آخرالزمانی، جهان آکنده از ظلم و ستم، فساد، نابرابری، جنگ و کشتار، بدعت و انحرافات گسترده خواهد بود و ابلیس از تمامی حربه‌های شیطنت و فساد انگیزی استفاده خواهد کرد. تصویر گروه باطل در عصر قبل از ظهور چنین خواهد بود:

### دو. گروه باطل در عصر ظهور

روایات مربوط به آخرالزمان، چهره کریه گروه باطل را در عصر ظهور چنین ترسیم می‌کند:

#### ۲- ۱. ظلم و ستمگری

یکی از ویژگی‌های بارز گروه باطل در دوران ظهور، جور و بیداد فراوان و حاکمیت جباران، مستکبران، کینه توزان و ستمگران است. آنان منشأ عداوت‌ها، خون‌ریزی‌ها و ظلم‌ها بوده و از بزرگ‌ترین دشمنان حضرت مهدی علیه السلام خواهند بود.

«سراسر زمین را ظلم و جور و دشمنی فرا می‌گیرد»<sup>۱</sup> و «...بعد از آنها (خلفا و امیران)، پادشاهان ستم پیشه‌ای خواهند آمد و آن گاه مردی از اهل بیت من خروج خواهد کرد».<sup>۲</sup>

## ۲-۲. دجل گری و ظهور دجال

از سردمداران گروه باطل و دشمنان منجی موعود، دجال (طاغوت پرتزویر و حيله‌گر) است. او مردم را به طغیان و فساد، خروج از ولایت الهی و فتنه و آشوب دعوت می‌کند و جریان دجل‌گری و الحاد را رهبری می‌کند. میان او و یارانش با لشکر قائم عجله جنگ واقع می‌شود و بالاخره به دست آن حضرت یا عیسی عجله کشته می‌شود.

«هیچ پیامبری نیست، جز اینکه امتش را از دجال دروغ‌گوی نابینا بر حذر داشته است»<sup>۳</sup>؛ «بیشتر اصحابش، فرزندان نامشروع و یاران طیلسان سبز (یهودیان) می‌باشند...»<sup>۴</sup> و «حضرت قائم، دجال را می‌کشد و او را در کناسه کوفه به دار می‌زند»<sup>۵</sup>.

۱. معجم احادیث الامام المهدي، ج ۱، ص ۸۸ و ص ۹۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۸۴: الملاحم والفتن، ص ۲۱.

۳. الزام الناصب، ص ۷۴.

۴. منتخب الاثر، ص ۴۲۸: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۴.

۵. يوم الخلاص، ج ۱۲، ص ۱۵۸.

## ۲-۳. کفر و گمراهی

مهم‌ترین دشمنان و کینه‌توزان با حق طلبان (پیامبران و امامان)، بی‌دینان، گمراه‌گران و کافران بوده‌اند. اینان در دوران قیام امام مهدی علیه السلام نیز در کنار دیگر گروه‌های باطل قرار گرفته و به مخالفت و خصومت با انقلاب حق طلبانه برخوانند خاست. مهم‌ترین ویژگی این جریان، الحاد، دین‌ستیزی (سکولاریسم) و دنیاگرایی است که با ریشه‌کنی آن به دست حضرت مهدی علیه السلام جهان به نورانیت و پاکی خواهد رسید.

«کفار بر نهرهای پنج‌گانه سیحون، جیحون، دجله، فرات و نیل مسلط می‌شوند»؛ «جو عمومی و حاکم، جو کفر و بی‌دینی است؛ به طوری که حتی برخی از مؤمنان را نیز متزلزل کرده و به کفر دعوت می‌کند» و «حکام ستمگر مردم مسلمان را به گمراهی می‌کشانند».

## ۲-۲. سفیانی‌گری و بی‌رحمی

یکی از جریان‌های بارز باطل در دوران ظهور، جریان سفیانی است. این گروه بسیار منحرف، ولایت‌ستیز، اهریمنی و فسادگر، دست در دست یهودیان و مسیحیان، به جنایت‌های فراوانی دست می‌زنند و فساد، بی‌رحمی و طغیان را به حد‌اعلای خود می‌رسانند. این جریان در دشمنی با امام زمان و صالحان و پاکان، جدیت داشته و در چند



مرحله از بین خواهد رفت.

«سفیانی از حق منحرف شود و از شاهراه دین خارج شود»؛  
 «سفیانی، سپاهی را به سوی مدینه می‌فرستد و فرمان می‌دهد که  
 هر کس از بنی‌هاشم در آنجا باشد، بکشند. [پس] مهدی علیه السلام ظهور  
 می‌کند» و «... سیل خون راه می‌اندازد... حلال‌ها را حرام و  
 حرام‌ها را حلال می‌سازند... فجایع بزرگ همراه با ذلت بزرگ روی  
 می‌دهد».<sup>۲</sup>

## ۲-۵. فتنه گری و کشتار

آخرالزمان، دوران فتنه‌ها و آشوب‌ها است که عمدتاً از سوی  
 زرسالاران، مستکبران و سلطه‌جویان به وجود می‌آید. اینها از  
 سردمداران گروه باطل و از دشمنان حق و صلح و عدالت هستند که  
 به دست امام زمان نابود خواهند شد.

«فتنه‌های متعددی حادث می‌شود که تا ظهور مهدی علیه السلام ادامه  
 دارد»<sup>۳</sup> و «اثر آخرین فتنه، در هر خانه‌ای ظاهر می‌شود».<sup>۴</sup>

۱. یوم الخلاص، ج ۲، ص ۱۰۸۳؛ منتخب الاثر، ص ۴۶۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۱؛ الملاحم و الفتن، ص ۴۶.

۳. معجم احادیث الامام مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۹۸ و ۸۱.

۴. همان، ج ۱، ص ۹۸ و ۸۱.

## ۲-۶. سلطه‌گری اشرار و مشرکان

حاکمیت و سلطه‌گری جریان شرک و شرارت، از ویژگی‌های دیگر گروه باطل در دوران قیام مهدوی است. مشرکان، اشرار و فاسقان، در برابر جبهه حق قرار گرفته و منشأ بسیاری از تباهی‌ها و منکرات خواهند بود. درباره آنها روایت شده است:

«ستم و تباهی فراوان و منکر آشکار می‌گردد و اشرار بر نیکان مسلط می‌شوند، فاسقان بر مردم حکومت می‌کنند و اشرار از ترس شرارت، مورد احترام می‌باشند»؛<sup>۱</sup> «مشرکان فرزندان امت اسلامی را به استخدام خود در می‌آورند»<sup>۲</sup> و «اوباش و فستاق رهبری مردم را بر عهده می‌گیرند و...»<sup>۳</sup>

## ۲-۷. نفاق و ناصبی‌گری

جریان نفاق و ولایت ستیز، از دشمنان سرسخت حق و حق‌طلبان بوده و دشمنی آنها با اهل بیت - به خصوص مهدی علیه السلام - آنها را از بارزترین گروه‌های باطل قرار داده است.

«هنگامی که قائم قیام می‌کند، گروهی از دین و ولایت خارج می‌شوند؛ در صورتی که پنداشته می‌شد آنان از پیروان حضرت

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۷۴ و ۳۹.

۳. همان، ص ۱۷۴ و ۳۹.

می‌باشند»؛ «هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام، همه ناصبیان و دشمنان اهل بیت را بر آن حضرت عرضه می‌کنند؛ اگر به اسلام (ولایت) اقرار کردند، آنان را رها می‌کنند؛ وگرنه به قتل می‌رسند یا آنان را به پرداخت جزیه، ملزم می‌کنند»<sup>۱</sup> و «چون حضرت قائم علیه السلام قیام کند، به کوفه می‌آید و در آنجا همه منافقان را به قتل می‌رساند و کاخ‌های آنان را ویران می‌کند...»<sup>۲</sup>

## ۲-۸. شیطان و فسادگری‌های او

مهم‌ترین عامل ظلمت جهان و شکل‌گیری و ساماندهی جبهه باطل، شیطان (ابلیس) است. او تمامی حرکت‌های حق ستیز را رهبری می‌کند و در زمان ظهور نیز تمامی اعوان و انصار خود را جهت مقابله با حضرت مهدی علیه السلام بسیج می‌کند. اما تومار عمر و فعالیت او، به دست حضرت برچیده می‌شود.

«... خداوند تا روز قیام قائم علیه السلام، به شیطان مهلت داده است. وقتی خداوند قائم علیه السلام را مبعوث می‌کند و [اجازه قیام می‌دهد]، حضرت به مسجد کوفه می‌رود و در آن هنگام، شیطان در حالی که با زانوان خود راه می‌رود، به آنجا می‌آید و می‌گوید: ای وای بر من از

۱. الغیبه طوسی، ص ۲۷۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۱۰۰.

۳. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

امروز...!»<sup>۱</sup> و «...باطن [مردم] خبیث و ناپاک و ظاهرشان زیبا باشد. همت مردم شکمشان و شرافت آنان کالای آنها است. زنانشان قبله و دینشان، در هم و دینار است. فاحشه‌گری و زشت کاری ظهور کند. بسیار دروغ می‌شنوند و بسیار حرام خوار می‌گردند. بر بدکاری متحد می‌شوند و بایکدیگر بر دروغ و کینه توزی دوستی می‌ورزند. سال‌های قبل از ظهور قائم، سال‌های خدعه و نیرنگ خواهد بود. شرّ و بدعت در آن بیشتر از گذشته است. زنان تظاهر می‌کنند و دروغ را حلال می‌دانند. شیطان با بدن‌های آنان مخلوط شده، در خون‌هایشان رسوخ کرده و آنها را به دروغ و گناه وسوسه می‌کند تا آنجا که بدکاری، فراگیر همه شهرها می‌شود. دل‌ها سخت و زمین پر از ستم و کشتار می‌گردد و...»<sup>۲</sup>

زراره می‌گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: «منادی از سوی آسمان [با نام حضرت قائم، بانگ خواهد زد. پرسیدم: خصوصی است یا عمومی؛ فرمود: عمومی است؛ هر قومی آن را به زبان خودشان می‌شنوند. عرض کردم: پس چه کسی با حضرت قائم مخالفت خواهد کرد؛ در حالی که نام او ندا می‌شود؟ فرمود: ابلیس، آنها را و نخواهد گذاشت تا اینکه [در آخر شب] ندا می‌کند و مردم

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۱؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۵۴.

۲. ر. ک: نگارنده، آینده جهان، صص ۳۱۴-۳۱۵؛ آثار الصادقین، ج ۲۹، ص ۴۸۳-۴۹۳.

را به شک می‌اندازد (لا یدعهم ابلیس حتی ینادی و یشکک الناس)'.  
 در روایتی نیز از آن حضرت آمده است: «صوت جبرئیل من السماء و صوت ابلیس من الارض؛ فاتبعوا الصوت الاول و ایاکم الاخیر ان تفتنوا به»؛  
 «صدای جبرئیل (هنگام ظهور) از آسمان است و صدای ابلیس از زمین؛ پس شما از صدای اول پیروی کنید و مبادا که از صدای اخیر به فتنه افتید».

## ۲-۹. دشمنی‌های عرب و اهل کتاب

از جریان‌های باطل در زمان ظهور و از مخالفان انقلاب جهانی مهدوی، اعراب، یهودیان و مسیحیان هستند. اینان نیز در جبهه باطل قرار می‌گیرند و به جهت در خطر افتادن منافع و خواسته‌های خود، به دشمنی با منجی موعود می‌پردازند.

«آن‌گاه که قائم ما قیام کند، بین او و عرب و قریش راهی جز شمشیر (و جنگ) نخواهد بود»؛ «هنگامی که علیه یهود، نصارا، صابئین، مادی‌گرایان و برگشتگان از اسلام و کافران در شرق و غرب کره زمین قیام می‌کند، اسلام را به آنان پیشنهاد می‌کند. هر کس از روی میل پذیرفت، دستور می‌دهد نماز بخواند و زکات دهد... [اما] هر کس مسلمان نشود، گردنش را می‌زند تا آنکه در شرق و غرب

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵؛ المحجبه فی منزل، ص ۱۷۶ بحار الانوار، ج ۵۲، ص

جهان، یک کافر بر جای نماند».<sup>۱</sup>

«یهودیانی که با دجال هستند، می‌گریزند و پنهان می‌شوند؛ ولی درخت‌ها و سنگ‌ها، فریاد بر می‌آورند: ای روح الله! این یهودی است. حضرت نیز آنان را می‌کشد و کسی را بر جای نمی‌گذارد»!

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴.

۲. مسند احمد، ج ۲، ص ۳۹۸.

## باطل ستیزی در عاشورا و عصر ظهور

یک. قیام حق طلبانه حسینی

امام حسین علیه السلام نه تنها خود از گروه حق و رهبر آنان بود؛ بلکه مهم‌ترین برنامه و ایده خود را حمایت از حق، حق محوری، نابودی باطل و احقاق حق می‌دانست. آن حضرت در موارد و مراحل مختلف، به این مطلب مهم اشاره می‌کرد که:

«الاترون ان الحق لا يعمل به و ان الباطل لا يتناهى عنه ليرغب المؤمن في لقاء الله حقاً حقاً»؛ «آیا نمی‌بینید به «حق» عمل نمی‌شود و از باطل پرهیز نمی‌کنند؛ پس سزاوار است که مؤمن برای ملاقات خدا مشتاق باشد».

به نظر امام حسین علیه السلام مهم‌ترین اختلاف او (و سایر امامان) با بنی‌امیه و یزید، بر مدار و محور «حق» - که همان خدا و توحید است

- می‌چرخید: «ماوینی‌امیه، بر محور (خدا) با هم نزاع کردیم، ما گفتیم: خداوند راست گفته؛ آنان گفتند خداوند دروغ گفته است!»  
به همین جهت شهادت در راه حق و حق خواهی را بزرگ‌ترین سعادت و نیک‌فرجامی می‌دانست و به آن افتخار می‌کرد: «ما اهون الموت علی سبیل نیل العز و احیاء الحق»؛ «چه آسان است مرگ در راه رسیدن به عزت و زنده کرن حق».

امام علیه السلام یکی از عوامل اصلی حرکت خود به کوفه را، زنده کردن نشانه‌های حق و از بین بردن بدعتها و پلیدی‌ها می‌دانست: «ان اهل الکوفة کتبوا الی یسألوننی ان اقدم علیهم، لما ارجو من احیاء معالم الحق و اماتة البدع»؛ «کوفیان به من نامه نوشته و از من خواسته‌اند که نزد آنان بروم؛ چرا که امیدوارم نشانه‌ها و معالم «حق» زنده گردد و بدعتها نابود بشود».

به همین جهت خطاب به بزرگان بصره فرمود:

«اما بعد فانی ادعوکم الی احیاء معالم الحق و اماتة البدع و ان تجیبوا تهتدوا سبیل الرشاد»؛ «... شما را برای احیای نشانه‌های حق و از بین بردن بدعتها به یاری می‌طلبم؛ اگر دعوتم را بپذیرید، به سرمنزل مقصود خواهید رسید».

۱. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۸۱.

۲. اخبار الطوال، ص ۲۴۶.

۱. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۵۷؛ مقتل الحسین، ص ۱۶۴.



امام حسین علیه السلام در زمان خویش با باطلی صریح و آشکار همچون حکومت یزید، روبه‌رو بود و تکلیف او مبارزه و جهاد با این حکومت ستمگر و فاسد و عملکردهای ناروا و باطل در جامعه بود. حتی آن حضرت در سال‌های آخر عمر معاویه، در جمع صدها تن از شخصیت‌های بزرگ اسلامی، در ترسیم دولت حق و دولت جور (باطل)، سخنرانی کرد و پس از تبیین خلافت برحق امیرالمومنین علیه السلام و حق امامت خویش، از حاضران خوابست در بازگشت از سفر، این حقایق را به گوش مردم رسانده و آنان را به «حق» فراخواند.<sup>۱</sup>

با مرگ معاویه، شرایط مناسب تری برای مبارزه و قیام علیه دولت «باطل» اموی، فراهم گردید. امام حسین علیه السلام در پاسخ به دعوت کوفیان، با فرستادن مسلم بن عقیل و پذیرش دعوت آنان (برای قیام علیه یزید)، این اقدام را مورد تأیید قرار داد و مسیر حق و حقیقت را مشخص ساخت و امامت را محور حق خواند: «فلعمری ما الامام الا العامل بالكتاب و الاخذ بالقسط و الدائن بالحق».<sup>۲</sup>

حتی قبل از خلافت یزید نیز، نسبت به کم رنگ شدن «حق» و از بین رفتن نشانه‌های آن، هشدار داده بود: «... فادعوهم الی ما

۱. ر. ک: القدير، ج ۱، ص ۱۹۸.

۲. الارشاد مفید، ص ۲۰۴.

تعلمون من حقنا فإني اتخوف ان يذرسَ هذا الامر و يذهب الحق و يُغلب ﴿و الله متم نوره و لو كره الكافرون﴾؛ «آنان را به آنچه از حق ما می‌دانید بخوانید. پس به درستی که من می‌ترسم این امر مندرس و محو گشته و حق مغلوب شده، از بین برود...».

### مؤلفه‌های حق طلبی

محورهای مهم حق و حق طلبی در نظر امام حسین علیه السلام عبارت بود:

۱. توحید و خدا محوری؛
۲. عزت و آزادگی در پرتو حق طلبی؛
۳. امامت و ولایت اهل بیت علیهم السلام؛
۴. احیای نشانه‌های راستین دین خدا (به عنوان معالم حق)؛
۵. از بین بردن بدعتها و موانع حق گرایی (مبارزه، با گروه باطل)؛
۶. تداوم سیره پیامبر صلى الله عليه وآله و امیرمومنان علیه السلام؛
۷. اصلاح جامعه فاسد و ...

به نظر امام حسین علیه السلام مهم‌ترین علت مشکلات و ناهنجاری‌های جوامع بشری، وجود حاکمان جائر و باطل در رأس حکومت بوده و نجات مردم از چنگال آنان وظیفه‌ای الهی است:

«... اللهم انك تعلم انه لم يكن ما كان منا تنافساً في سلطان و

۱. بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۱۸۲؛ موسوعة كلمات الامام الحسين، ص ۲۷۰؛ الاحتجاج، ص ۲۹۶.

لاالتماساً من فضول الحطام ولكن لئرى المعالم من دينك و نظهر الاصلاح فى بلادك و يأمن المظلومون من عبادك و يُعمل بفرائضك و سُنَّتِك و احكامك...»<sup>۱</sup> «پروردگارا! تو می‌دانی این حرکت ما نه به خاطر رقابت بر سر حکومت و قدرت و نه به منظور به دست آوردن مال دنیا است؛ بلکه به خاطر آن است که نشانه‌های دین تو را به مردم بنمایانم و اصلاحات را در کشور اسلامی اجرا کنم؛ تا بندگان ستمدیده‌ات از چنگال ظالمان در امان باشند و واجبات و احکام و سنت‌های تعطیل شده تو، دوباره اجرا گردد».

چنین بود که آن حضرت، به رویارویی تمام عیار و ایثارگریانه در برابر یزیدیان و فسادگران پرداخت و در نبردی نابرابر و دهشتناک، از حق دفاع کرد و همراه با گروهی اندک از صالحان و شایستگان، حماسه جاودانه عاشورا را رقم زد.

این مبارزه حق پویانه، درست در امتداد مبارزه گروه حق با باطل قرار داشت و توانست ضمن تداوم و بر پاداشت این قیام‌ها، معبر و گذرگاهی به عصر ظهور ایجاد کند و پل واسطی بین گذشته، حال و آینده باشد. در واقع ضمن ترسیم مسیر دقیق این مبارزات، زمینه‌ها و بسترهای لازم برای قیام جهانی مهدی موعود را فراهم سازد و امامت و رهبری را شایسته و بایسته دوازده معصوم از عترت نبی

۱. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۷۹: تحف العقول، ص ۲۳۷.

بشناساند: «نحن اهل البيت اولی بولاية هذا الامر علیکم من هؤلاء المدعین مالیس لهم»؛ «ما خاندان پیامبر، از اینان که ادعای دروغ دارند و با شما به ستم و دشمنی رفتار می کنند، به ولایت و رهبری برتریم».

سیل خون تو ز صد وادی نخبیر گذشت	بی تو ای شیرا چه در جنگل شمشیر گذشت
شعله زد زخم تو بر خیمه خورشید و غمت	نیزه ای گشت و ز قلب فلک پیر گذشت
ای کماندار هزار آهوی شوریده عشق	چون شد از دشت تنت قافله تیر گذشت
حجم طوفانی خون تو بنازم که چه زود	از سر کاخ بلند زر و تزویر گذشت
سفر سرخ تو خوش باد که در هر نفسش	کاروانی اگر از جاده زنجیر گذشت
روح معراجی ات از جاذبه قصه خاک	نام خورشیدی ات از مرز اساطیر گذشت

عاشورا، خط معیار دو جبهه حق و باطل در طول تاریخ و در هر جامعه ای است. عاشورا، تاریخ و جامعه را به قطب متضاد حق و باطل تقسیم می کند؛ گر چه تمام درگیری های میان حق و باطل، می تواند این دو را در طول تاریخ و در هر جامعه ای از هم جدا و مشخص سازد؛ اما خداوند از بین رخدادهای بسیار، به عاشورا چنین ویژگی عظیم و روشنی بخشیده است. موضع گیری در این دو جبهه، به دوستی یا بیزاری (تولا و تبرا) است و امام حسین علیه السلام حد فاصل و جدا کننده میان جبهه حق و باطل است.

دوستی او، دوستی با حق و حقیقت و دشمنی با او، نزدیکی به باطل و شرارت است. از آن رو که حضرت حسین علیه السلام وارث پیامبران و

رسولان و اولیا است، دعوت او در امتداد و دنباله دعوت انبیا است و یزید چون وارث طاغیان تاریخ و وارث طغیان گری و سرشت آنان است، از سرداران طاغوت و باطل و از خیل سپاه آنان به شمار می آید.<sup>۱</sup>

اگر از نظر ظاهری و نظامی بخواهیم نهضت حسین بن علی علیه السلام را ارزیابی کنیم، آن حضرت شکست خورد و به شهادت رسید و بنی امیه پیروز شدند که چنین پیروزی‌ها مقطعی و زود گذر است. اما اگر ماهیت قضیه را در نظر بگیریم، این رویارویی، مقابله‌ای اعتقادی و فکری بود؛ یعنی، حکومت یزید نماد جریان‌ی بود که می‌خواست فکر اسلامی را از بین ببرد و امام حسین علیه السلام برای احیای آن، با او جنگید. بدون شک آن حضرت توانست به مقصود برسد؛ زیرا همیشه با نام و یاد او است که با ظلم و ستمگران مبارزه می‌شود و حق و عدالت گری احیا می‌گردد... نکته قابل توجه در اینجا این است که براساس آیات و روایات، پیروزی نهضت‌های الهی، به جهت حق‌محوری آنها است و از آنجا که این نوع حرکت‌های انقلابی بر پایه نیروی حق و حق پرستی اند، پیروزانند. وجود خاصیت حق، جاودانگی است؛ نهضت‌های بر پایه حق نیز جاودانه‌اند و نهضت عاشورای حسینی، در رأس هرم این نهضت‌ها است.<sup>۲</sup>

۱. ر. ک: حکومت اسلامی، سال هشتم، ش اول.

۲. ر. ک: فلسفه و عوامل جاودانگی نهضت عاشورا، ص ۵۰.

امام خمینی علیه السلام گفته است:

«مگر نه آن است که دستور آموزنده «کلّ یوم عاشورا و کلّ ارض کربلا»، باید سرمشق امت اسلامی باشد؛ قیام همگانی در هر روز و هر سرزمین. عاشورا قیام عدالت خواهان با عددی قلیل و ایمان و عشقی بزرگ در مقابل سمتگرانی کاخ نشین و مستکبران غارتگر بود و دستور آن است که این برنامه، سرلوحه زندگی امت در هر روز و هر سرزمین باشد».<sup>۱</sup>

## دو. قیام حق طلبانه مهدوی

براساس آیات و روایات و ادله دیگر، کشمکش و مبارزه حق و باطل، نور و ظلمت، ایمان و کفر، خیر و شرّ و... همیشگی و پایدار نیست و سرانجام باید با پیروزی و غلبه نهایی گروه حق و حزب خدا و شکست و اضمحلال گروه باطل و حزب شیطان پایان یابد.

این پیروزی و غلبه کامل حق بر باطل، در عصر مهدی موعود، تحقق خواهد یافت و این اوج حرکت تاریخ و رسیدن به آخرین منزل مبارزه است. رسیدن به این منزل، نزدیک شدن به مرحله والا و متکامل تاریخ (عبودیت و قرب خدای متعال) و دوری از استکبار، افساد و ابلیس گرایی است.

براساس فلسفه نظری تاریخ (از دیدگاه اسلام)، با قیام و پیروزی امام

۱. صحیفه نور، ج ۹، ص ۵۷.

مهدی علیه السلام حق و ایمان، به طور کامل تحقق خواهد یافت و سپاه ظلمت و کفر، از بین خواهد رفت. در این عصر، تمامی نیروهای اهریمنی و شیطانی، فرجام ذلت باری یافته و قدرت و شوکت ظاهری و باطل آنها فرود خواهد پاشید. حربه‌های شیطنت و فسادگری ابلیس و زمینه‌های انحراف و استکبار انسان از بین خواهد رفت....

حضرت مهدی علیه السلام رهبری گروه حق را در دست می‌گیرد و با تمام توان، به جنگ نهایی با جبهه کفر و باطل می‌پردازد و در تحقق وعده الهی - مبنی بر حاکمیت عدالت، معنویت، امنیت، عقلانیت و دیانت - پیروز می‌شود. بدین ترتیب، تاریخ زندگی بشری نیز به شکوه‌مندترین فرجام خود می‌رسد.

وعده قطعی و حتمی خداوند مبنی بر پیروزی حزب الله و مؤمنان - که پیروان واقعی حق و حقیقت‌اند - تخلف نمی‌پذیرد و نورانیت و عبودیت سراسر جهان را فرا می‌گیرد. قیام مهدی موعود نیز، آخرین مرحله از مبارزات و تلاش‌های مستمر جنود رحمان برای نابودی جنود شیطان است؛ چنان که شهید مطهری گفته است:

«از آیات قرآن استفاده می‌شود که ظهور مهدی موعود، حلقه‌ای است از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. سهم بودن یک فرد، در این سعادت، موقوف به این است که آن فرد، عملاً در گروه اهل حق باشد. آیاتی که در روایات بدان‌ها استناد شده است، نشان می‌دهد که

مهدی علیه السلام مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است؛ مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است.<sup>۱</sup>

پیش از قیام آن حضرت، جهان شاهد تحرک گسترده و فعال دو گروه خیر و شر یا سعید و شقی خواهد بود: یکی حزب الله و در اوج ایمان و حق باوری و دیگری حزب شیطان و در نهایت کفر و باطل‌گرایی. این مسأله در مقیاس کوچک‌تر، در واقعه غم بار عاشورا تکرار شد: یک گروه سعید که در اوج ایمان، حق باوری، ولایت‌پذیری و ایثارگری بودند و یک گروه شقی که در حضيض ذلت، ظلمت، جنایت، فسادگری و ولایت‌ستیزی قرار داشتند.

نهضت جهانی امام مهدی علیه السلام نیز تداوم همین مبارزه است؛ منتها گروه «سعدا» و گروه «اشقیا» در عصر ظهور هر کدام، به نهایت کار خود می‌رسند؛ نه اینکه سعیدی در کار نباشد و فقط اشقیا به منتها درجه شقاوت برسند. «شقاوت» و «سعادت» که در کربلا مشاهده شد، در مقیاس کلی‌تر، جهانی‌تر و گسترده‌تر در عصر ظهور دیده خواهد شد و مخالفان و دشمنان حضرت مهدی علیه السلام نیز از طیف‌ها و گروه‌های مختلفی خواهند بود؛ چنان که نقل شده است: «... [امام مهدی علیه السلام] علیه یهود، نصارا، صابئین، مادی‌گرایان و برگشتگان از اسلام و کافران در شرق و غرب



کره زمین قیام می‌کند و اسلام را به آنان پیشنهاد می‌دهد...».<sup>۱</sup>

در روایات، بسیاری از آیات مربوط به حق و باطل و نصرت مؤمنان و... به امام مهدی علیه السلام تفسیر و تأویل شده است. جابر می‌گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه «**ليحق الحق و يبطل الباطل ولو كره المجرمون**» فرمود: «مراد این است که هنگام خروج حضرت قائم، حق آل محمد را تثبیت می‌کند و باطل را بر می‌اندازد».<sup>۲</sup>

غلبه کامل حق و نابودی باطل، بشارت و وعده‌ای صریح است که در قرآن آمده و هنوز محقق نشده است. این وعده الهی بالاخره باید تحقق یابد و آن هم براساس روایات فراوان، فقط در عصر ظهور خواهد بود.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «**قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقا**»، فرمود: «هنگامی که امام قائم قیام کند، دولت باطل برچیده می‌شود (اذا قام القائم، ذهب دولة الباطل)».<sup>۳</sup>

از امام هادی علیه السلام نقل شده است: «**يحق الله به الحق و يزهد الباطل و هو مهديكم المنتظر**»؛ «خداوند حق را به دست او استقرار می‌بخشد و پیروز می‌گرداند و باطل را نابود می‌کند. او مهدی منتظر شما است».

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴.

۲. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۶۸؛ اثبات الهداة، ج ۷، ص ۹۷.

۳. تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۲۱۲؛ منتخب الاثر، ص ۵۸۷، ح ۱۴۰۳.

۴. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۶۰.

در روایت دیگری آمده است: «... یمیت الله - عزوجل - به و باصحابه البدع و الباطل كما امات السفهه الحق حتى لا يرى اثر من الظلم»؛<sup>۱</sup> «خداوند به دست او و اصحابش بدعتها و [گروه] باطل را نابود می‌سازد؛ چنان که [قبلاً] سفیهان، حق را لگدمال کرده باشند تا اینکه از ستم نشانه‌ای نمی‌ماند» و نیز: «... فعندها يتألو صبح الحق و ینجلی ظلام الباطل...»؛<sup>۲</sup> «... در هنگام [ظهور او]، فجر دولت حق می‌دمد و تاریکی باطل از صحنه گیتی برچیده می‌شود».

امام باقر علیه السلام فرمود: «مقصود از «تهار» (در آیه «والنهار اذا تجلی»)، قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است؛ چون ظهور کند، باطل را محو نماید و از بین ببرد».<sup>۳</sup> در این عصر، نمودها و گروه‌های مختلف باطل (کفر، نفاق، شرک، فساد و ظلمت) از بین رفته و جهان از وجود تمامی یاران ابلیس پاک خواهد شد. امام صادق علیه السلام فرمود: «... [بعد از قیام مهدی]، تمام مشرکان در روی زمین محو می‌شوند»<sup>۴</sup> و «... صاحب الامر در آخر الزمان ظهور می‌کند و جباران و فراعنه را نابود می‌سازد و شرق و غرب عالم را مالک می‌شود»<sup>۵</sup> و

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۶۵.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۸.

۳. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۳۶؛ غایة المرام، ص ۷۵۷.

۴. تفسیر فرات کوفی، ص ۴۸۱؛ ینابیع المودة، ص ۴۲۳.

۵. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۳۰، ج ۱۲.

«... همانا نابودی پادشاهان ستمگر و ظالم، به دست قائم ما است».<sup>۱</sup>

در این دوران، دولت و صولت باطل فروپاشیده و دیگر مجالی برای قدرت نمایی و فسادگری نخواهد داشت؛ از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «هنگامی که قائم قیام کند، دوران باطل سپری خواهد شد»<sup>۲</sup> و امام علی علیه السلام فرمود: «ترس و رعب پیشاپیش او حرکت می‌کند. هیچ دشمنی با او برخورد نمی‌کند؛ مگر اینکه شکست می‌خورد».<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «اذا رأوا ما یوعدون» (در آیه «حتی اذا رأوا ما یوعدن اما العذاب و اما الساعة...») قیام قائم ما است و آن ساعتی است که پیروان باطل خواهند دید و عذاب خدا را به دست توانای قائم آل محمد صلی الله علیه و آله خواهند چشید که در پیشگاه امام زمان علیه السلام، چه جای بدی دارند و چقدر ناتوانند!»<sup>۴</sup>

در نهایت خود حضرت مهدی علیه السلام درباره غلبه حق و اضمحلال باطل می‌فرماید: «و اذا اذن الله لنا فی القول ظهر الحق و اضمحل الباطل...»؛ «هرگاه خداوند اجازه سخن گفتن به ما بدهد، حق آشکار شده و باطل نابود می‌گردد».<sup>۵</sup>

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۴، ج ۵۱؛ منتخب الاثر، ص ۱۸۲.

۲. تفسیر نور الثقلین؛ ج ۳، ص ۲۱۲، ج ۴۰۷.

۳. منتخب الاثر، ص ۶۳.

۴. غایة المرام، ص ۷۴.

۵. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۶.

جای آن است که شاهان ز تو شرمند شوند  
 گر به خاک قدمت سجده میسر گردد  
 بر سر خاک شهیدان اگر افتد گذرت  
 جمع خویان همه چون کوب و خورشید تویی  
 سلطنت را بگذارند و ترا بنده شوند  
 سر فرازان جهان، جمله سرافکنده شوند  
 کشته و مرده، همه از قدمت زنده شوند  
 تو برون آی که این جمله پراکنده شوند  
 تیره روزان همه با طالع فرخنده شوند  
 اگر این است هلالی، شرف پایه عشق  
 همه کس طالب این دولت پاینده شوند.

قیام و نهضت جهانی و حتمی حضرت مهدی علیه السلام آخرین مرحله از مبارزات حق و باطل است؛ چون که یکی از تکان دهنده‌ترین و سخت‌ترین آنها، مربوط به واقعه عاشورا بوده است. در این مرحله، دشمنان راه حق (ستمگران، مفسدان، قدرتمندان، جباران و طواغیت)، با نهایت قدرت و توان، به مقابله با آن حضرت بر می‌خیزند و از تمامی سلاح‌ها، تجهیزات، امکانات و توانایی‌های خود استفاده می‌کنند. در این جنگ نهایی، سپاه کفر و باطل، مغلوب و دولت‌های جور و ستم، نابود می‌شود.

این آخرین جنگی است که بشر شاهد آن خواهد بود و پس از پایان این حلقه و نزاع و رفع فساد و فتنه و ستم از جهان، مهدی علیه السلام دست به اقدامات اصلاحی و احیاگرایانه خواهد زد؛ به طوری که هیچ مانعی در برابر فعالیت‌های گسترده و جهانی او نخواهد بود. در واقع این آیه محقق خواهد شد که: «وقاتلوهم حتی لا تکون فتنه»<sup>۱</sup>. در این باره در فصل پایانی به تفصیل بحث خواهیم کرد.

۱. ر. ک: آینده جهان، ص ۱۷۹ و ۱۸۰.

## فصل ۲

### جوشی سرخ

(مبارزه با دشمنان حق)

## مبارزه با دشمنان حق

یکی از ابعاد قیام امام مهدی علیه السلام - علاوه بر جنبه‌های اصلاح‌گری، انسان‌سازی، عدالت‌گستری، کمال‌بخشی و احیاءگری - خون‌خواهی آن حضرت از دشمنان خدا، رسول خدا، اهل بیت علیهم السلام - به خصوص امام حسین علیه السلام - و تمامی مظلومان و پایان‌بخشیدن به حاکمیت دولت‌های غاصب، جائر و نامشروع است. در این فرض، پس از جنگ و انتقام از این دشمنان، زمین‌آکنده از عدل و داد می‌شود و دولت‌های ظالم و ستمگر از بین می‌روند و ....

مهم‌ترین بعد این قضیه، این است که امام مهدی علیه السلام انتقام‌گیرنده خون حضرت اباعبدالله حسین بن علی علیه السلام خواهد بود. این بشارت و وعده‌ای است که خداوند متعال در روز عاشورا به فرشتگان خود داده است و خبر غیبی است که پیشوایان معصوم علیهم السلام بر اساس آن، انتقام خون حسین علیه السلام را برعهده مهدی موعود دانسته‌اند؛ یعنی، هر چند در حماسه ماندگار کربلا، امام حسین علیه السلام و یاران اندکش به

ظاهر پیروز نشدند و با مظلومیت تمام، به شهادت رسیده و باقی ماندگان‌شان به اسارت در آمدند؛ اما این مظلومیت و غربت آنها برکات و آثار فراوانی داشت و موجب بقای اسلام شد. در عین حال خون‌های پاک آنان، پایمال نشده و دست انتقام الهی از آستین حضرت مهدی علیه السلام خارج خواهد شد.

روشن است که جبهه مقابل سالار شهیدان در جرگه گروه باطل بوده و هرکس در هر زمان، این فکر و روش را داشته باشد، از گروه باطل بوده و مقابله با آنان وظیفه تک تک حق طلبان می‌باشد.

براساس روایات مختلف، یکی از ابعاد انقلاب و جهاد حضرت ولی عصر علیه السلام، خونخواهی از دشمنان امام حسین علیه السلام است. البته معنا و گستره این انتقام خواهی در روایات مشخص شده است؛ یعنی، با توجه به احادیث، آن حضرت از کسانی که راضی به شهادت امام حسین علیه السلام بوده و به جنایت پدران خود افتخار کرده‌اند، انتقام خواهد گرفت. آن گاه با دشمنان خدا و رسول او و خاندان گرامی آن حضرت و دشمنان مظلومان و مستضعفان عالم - که در خط یزیدیان قرار دارند - چنین برخوردی خواهد داشت.

توجه به این نکته بایسته است که «انتقام»، تنها یک بعد رفتاری است (بعد قهر و خشم) و ابعاد رفتاری دیگر آن حضرت، سراسر مهر و لطف و نجات بخشی تمامی انسان‌ها و مستضعفان می‌باشد (بعد

لطف و رحمت).<sup>۱</sup>

پیش از ذکر روایات مربوطه و تبیین پیوند میان نهضت مهدوی علیه السلام با قیام حسینی علیه السلام، ذکر بعضی از جنایات و رذالت‌هایی که از طرف یزیدیان در نینوا روی داد، ضروری است.

### جنایات گروه باطل

عاشورا، صحنه بروز و ظهور «جنایت، رذالت، شیطنت و ظلمت» انسان‌های شرور و ستمگر و اوج طغیان گری، فساد و خونریزی گروه باطل بود؛ همان گونه که محل تجلی و ظهور «نورانیت، شجاعت، عبودیت و حقانیت» صالحان و نیکان عالم بوده است.

درباره این دژخیمان اموی و نفاق پیشگان کوفی نوشته‌اند: «آنان کسانی بودند که به پرستش هوا و هوس، پیروی از شهوات، دنبال کردن خوی ددمنشی و تعظیم در برابر فاسقی شراب خوار و کافری سگ‌باز و منافقی میمون پرست چون یزید، زندگی می‌گذراندند. آنان در مکتب بنی‌امیه، درس زندگی، غارت، بی‌رحمی، بی‌مهری، چپاول، ظلم، ستم، کینه و نفاق، منیت و خودپرستی آموخته بودند...».<sup>۲</sup>

عناوین بعضی از جنایات‌های آنان در فاجعه کربلا، عبارت بود از:

۱. برای مطالعه بیشتر این فرض ر. ک: نگارنده، *آینده جهان*، صص ۱۷۰-۱۸۶.

۲. ر. ک: *با کاروان نور*، ص ۱۵.



تحمیل جنگ نابرابر بر امام حسین علیه السلام، بستن آب بر روی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، شهادت جانسوز اطفال و کهن سالان، شهادت غمبار یگانه یادگار پیامبر صلی الله علیه و آله، مثله و قطعه قطعه کردن بدن‌ها، سنگباران سپاهیان نور؛ بریدن و به سر نیزه کردن سرها، رها گذاشتن بدن‌های پاک روی زمین گرم و داغ، تاختن اسب‌ها بر بدن‌های مطهر و شریف، غارت اموال و آتش زدن خیمه‌ها، به اسارت گرفتن اهل بیت علیهم السلام، عبور دادن مصیبت زدگان از کنار قتلگاه و....

یزید و عمّال خونریز وی، به این جنایات هولناک بسنده نکرده و در طی مدت کوتاهی بعد از واقعه عاشورا، فجایع دیگری به بار آوردند. یزید پس از شهادت امام حسین علیه السلام و سربریدن اطفال و یاران آن حضرت، در سال بعد، مدینه را برای لشکریانش مباح گردانید. هزار دختر یا بیشتر بی‌عصمت گردیده، هزار نفر کشته شدند که در میان آنان ۷۰۰ تن از مهاجر و انصار بودند.

در سال سوم، با منجنیق به کعبه حمله کرد و آنجا را به سنگ بست. او ابن زیاد را فرماندار کوفه نمود که عملیات پدرش زیاد را نسبت به شیعیان کوفه تکرار کند. وی افراد بی‌گناه را به زندان می‌انداخت، تبعید می‌کرد، می‌کشت، به دار می‌آویخت، دست و پا می‌برید و... امیر فاسق و ناپاک او نیز در واقعه کربلا، به عمر بن سعد نوشت: «حسین را محاصره کن، تا او و یارانش را بکشی و بدن‌های

آنان را قطعه قطعه نمایی؛ چون مستوجب کشته شدن هستند!... هنگامی که حسین را کشتی، اسب بر بدنش، بتازان، چون حسین مرد ستمکاری است!!»

از دستوراتی که یزید به شمر داده بود، ذبح اولاد حسین علیه السلام - از کوچک و بزرگ و شیرخوار و کهن سال - بود که دیگر از نسل علی علیه السلام کسی باقی نماند!!<sup>۱</sup>

حال آیا روزگار خون حسین علیه السلام را فراموش می‌کند؟ آیا آن خونی که در همه عصرها می‌جوشد و تازه است، فراموش می‌گردد؟! چنان که شیخ عبیدی (مفتی موصل) می‌گفت: کشته شدن حسین علیه السلام به ریشه اسلام برخورد نموده و فراموش نمی‌گردد!

جز حسین بن علی کیست که در راه خدا	آنچه را او به جهان هست میسر بدهد
پای در مدرسه حق و حقیقت چو نهد	درس آزادی و مردانگی و فرّ بدهد
سر به نی خفته و تن خفته به خون، جای دگر	دست ظالم شکنش، کیفر کافر بدهد
نهد آن گونه به میدان محبت پا را	که سر اندر سر آیین پیمبر بدهد
در ره حق کند آن گونه جهاد اکبر	که به کشتن پسر اصغر و اکبر بدهد
تا به پیشانی ظالم فکند لکه ننگ	اثر ضربه به رخساره دختر بدهد
پی اثبات حقیقت، پسر بیمارش	رود و داد سخن بر سر منبر بدهد
حق شود عاقبت کار به باطل پیروز	زور اگر پیشه کند، ظالم و گر زر بدهد

۱. ر. ک: محمد جواد مغنیه، *ثبته و زمامداران خودسر*، ص ۱۱۱ و ۱۱۲.

جا دارد این زلال همیشه جاری (خون حسینی)، طوفانی سهمگین شود و طومار عمر ظالمان و جباران را در هم پیچید و ریشه فساد و ستم را برکند. براساس روایات معتبر، جوشش خون حسین علیه السلام، در عصر ظهور مهدی موعود علیه السلام، به اوج خود رسیده و خاموش نخواهد شد؛ بلکه این خون مقدس، گریبانگیر همه ستمگران و شروران خواهد بود.

با توجه به این بیان «سر خونخواهی» امام مهدی علیه السلام نیز آشکار می‌شود و آن این است که: گروه باطل هر چند ممکن است مدتی جولان داشته و برای خود شوکت و قدرت ظاهری دست و پا کند؛ اما بالاخره نابود شده و از بین خواهد رفت و این تداوم راه حق و حقیقت در هر عصر و زمانی است.

خونخواهی و انتقام امام مهدی علیه السلام از دشمنان حسین علیه السلام و دشمنان دین حق در چند مؤلفه قابل بررسی است:

## ۲- ۱. انتقام خون حسین علیه السلام

در روایت مشهوری آمده است:

«القائم منا اذا قام طلب بئار الحسين»؛ «قائم ما وقتی قیام می‌کند،

خون حسین علیه السلام را طلب خواهد کرد».

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰، ح ۶۱؛ بحار الانوار، ح ۶۴، ص ۲۱۸، ح ۷.

امام صادق علیه السلام فرمود: «چون حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسید، فرشتگان الهی ضجه سردادند و گفتند: پروردگارا! با حسین چنین شد؛ در حالی که او برگزیده تو و فرزند پیامبر تو است؛ پس خداوند، نور قائم را به آنان نشان داد و فرمود: «بهذا القائم انتقم منهم»؛ «به وسیله این قائم، انتقام او را خواهم گرفت».<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً» فرمود: «مقصود از «و من قتل مظلوماً» حسین بن علی است که مظلوم کشته شده و ما اولیای او هستیم؛ قائم ما چون قیام می کند، در طلب انتقام خون او بر می آید... مقتول حسین علیه السلام و وصی او قائم علیه السلام است».<sup>۲</sup>

در حدیثی نیز آمده است: راوی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند متعال «من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل» پرسیدم؛ امام علیه السلام فرمود: «نزلت فی الحسین علیه السلام لوقتل اهل الارض به ماکان مسرفاً»؛ «[این آیه] درباره حسین علیه السلام نازل شده است. اگر [قائم ما] به خاطر آن حضرت، همه اهل زمین را بکشد، اسراف کار نخواهد بود».

۱. علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۰، ح ۱؛ کافی، ج ۱، ص ۴۶۵.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۳، ص ۲۹۰، ح ۶۷ بحار الانوار، ج ۶۴ ص ۲۲۸، ح ۷.

۳. روضة کافی، ص ۲۵۵؛ المجتبه فی منازل فی القائم، ص ۲۲۷.

آن حضرت در تفسیر آیه «اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا...»<sup>۱</sup> فرمود: «اهل سنت می گویند: این آیه درباره پیغمبر ﷺ نازل شد، هنگامی که کفار قریش آن حضرت را از مکه بیرون کردند؛ و حال آنکه او قائم علیه السلام است که چون خروج کند، برای حسین علیه السلام خونخواهی نماید (اذا خرج طلب بدم الحسین علیه السلام) و این است فرمایش او که: ما اولیای خون و طالبان دیه هستیم».<sup>۲</sup>

ابو حمزه ثمالی می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: ای فرزند رسول خدا! آیا شما همه قائم نیستید و حق را به پا نمی دارید؟ [در این صورت] چرا تنها ولی عصر (مهدی) را قائم می خوانند؟ فرمود:

«لما قتل جدی الحسین علیه السلام ضجت الملائكة بالبكاء و النحیب و قالوا الهنا و سیدنا! أتصفحُ عن قتل صفوتک و ابن صفوتک و خیرتک من خلقک؟... فأوحى الله اليهم قرؤا ملائکتی فو عزتی و جلالی لانتقمن منهم ولو بعد حین... ثم کشف لهم عن الائمة من ولد الحسین علیه السلام فسرت الملائكة بذلك و رأوا احدهم قائماً یصلی، فقال سبحانه: بهذا القائم انتقم منهم»<sup>۳</sup>؛

«چون جدم حسین علیه السلام کشته شد، فرشتگان صدا به گریه و ناله

۱. حج (۲۲)، آیه ۳۹.

۲. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۴.

۳. دلائل الامامة، ص ۲۳۹؛ بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۹۴.

بلند کرده، گفتند: خدایا! آیا کشندگان بهترین بندگانت و فرزند اشرف برگزیدگانت را به حال خود وا می‌گذاری؟ خداوند به آنان فرمود: ای فرشتگانم! آرام گیرید؛ به عزت و جلالم سوگند! از آنان انتقام خواهم گرفت؛ هر چند بعد از گذشت زمان‌ها باشد. آن گاه پرده از دیده‌های آنان کنار زد و امامان از فرزندان حسین علیهم‌السلام را یکی پس از دیگری به آنان نشان داد. فرشتگان از این منظره، مسرور و شادمان شدند و دیدند که یکی از آنان، ایستاده مشغول نماز است؛ خداوند فرمود: با این قائم (شخص ایستاده)، از آنها انتقام خواهم گرفت».

### فاجعه عظیم

روایات، بیانگر این نکته مهم و تاریخی است که مسأله شهادت حضرت حسین علیهم‌السلام، امری بسیار سنگین و فاجعه‌ای بزرگ بوده و مرتبط با همه زمان‌ها است. از آنجایی که گروه ظلمت و جنود شیطان، در عاشورا نور الهی را خاموش کرده و ولی او را به شهادت رساندند، تقاص این جنایت را نه تنها خود؛ بلکه باید همه تابعان آنها و باطل‌گرایان و دشمنان حق بپردازند. گویا همه اهریمنان و طاغوتیان تاریخ، در شهادت او نقش داشته‌اند و زمان بروز انتقام از آنان، در عصر ظهور فرزند صالح حسین علیهم‌السلام - امام مهدی علیه‌السلام - خواهد بود.

این «خونخواهی» به حدی بدیهی و مطابق سنت‌های الهی است که خود امام حسین علیه السلام در شب عاشورا، به یاران خود وعده داده به زودی فرزندش مهدی انتقام خون آنان را از ظالمان و ستمگران خواهد گرفت: «فابشروا بالجنة، فوالله انما نکث ماشاء الله تعالى بعد مايجرى علينا، ثم يخرجنا الله و اياکم حين يظهر قائمنا فينتقم من الظالمين و اناوانتم شاهدهم في السلاسل و الاغلال و انواع العذاب و النكال...»؛ «بشارت باد شما را به بهشت! به خدا قسم که بعد از آنچه بر ما جاری شود، مکث خواهیم کرد؛ آن قدر که خدای تعالی خواسته باشد. پس بیرون می‌آورد ما و شما را در آن هنگامی که قائم ما ظاهر شود؛ پس او از ظالمان انتقام خواهد کشید و ما و شما، آنان را در زنجیر و غل و گرفتار انواع عذاب‌ها و نعمت‌ها، مشاهده خواهیم کرد».

در روایت دیگری نیز فرموده بود: «يظهر الله قائمنا فينتقم من الظالمين»؛ «خداوند قائم ما را آشکار خواهد نمود و او از ظالمان انتقام خواهد گرفت».

در روایتی ذیل آیه ﴿و من عاقب بمثل ما عوقب به ثم بغى عليه لينصرنه الله﴾ آمده است: «... فلما قبض رسول الله بغى عليه ابن هند بن عتبة ابن ربيعة (یعنی معاویة بن ابی سفیان) بخروجه عن طاعة امير المؤمنين... و بقتل ابنه يزيد، الحسين، بغياً و عدواناً، ثم قال تعالى: لينصرنه الله؛ یعنی، بالقائم

المهدی من ولده»؛ «... پس از رحلت پیامبر اسلام، فرزند هند (معاویه...)، با سرپیچی و نافرمانی از امیرمؤمنان علیه السلام، علیه او طغیان کرد. آن گاه فرزند او، یزید، با کشتن حسین علیه السلام، دشمنی و طغیان گری خود را [به نهایت رساند]. پس خداوند می فرماید: «خداوند او را یاری می کند»؛ یعنی، به وسیله قائم از فرزندان او».

یاری امام مهدی علیه السلام نیز، همان مبارزه پیگیر و توفنده علیه دشمنان حق و ریشه کنی تبار اهریمنان و یزیدیان است.

## ۲-۲. انتقام خون حسین علیه السلام و وظیفه همگانی

از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «به تحقیق چهار هزار فرشته برای نصرت و یاری حسین علیه السلام، به زمین فرود آمدند. آنان هنگامی که نازل شدند، دیدند حسین علیه السلام کشته شده است! از این رو ژولیده و غبار آلود در نزد قبر آن حضرت، اقامت کردند و همچنان هستند تا اینکه قائم، قیام کند و آنان از یاوران و سپاه آن حضرت خواهند بود و شعارشان «یا لثارات الحسین» است».<sup>۱</sup>

جلوگیری از پایمال شدن خون حسین علیه السلام و خونخواهی از جنایتکاران و قاتلان، امری بایسته و تقدیر الهی است و همه مؤمنان

۱. منابع المودة، ص ۵۱؛ المهدی فی القرآن، ص ۷۸.

۲. امالی صدوق، مجلس ۲۷، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۵.



و حق طلبان عالم، باید به این وظیفه عمل کنند (هر چند از کسانی که خود در عاشورا حضور نداشته اند؛ ولی به این جنایت راضی بوده و به آن افتخار می کنند و یا ادامه دهندگان راه یزیدیان و ابن زیادها هستند!!)

با توجه به روایت یاد شده، برخی از فرشتگان الهی از هنگامه عاشورا تاکنون، منتظر ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام هستند تا همراه و هم پای او، علیه دشمنان حق قیام کرده و انتقام خون حسین علیه السلام را بگیرند. شیعیان واقعی آن حضرت نیز در بعضی از دعاها و زیارتها چنین خواسته‌ای دارند؛ چنان که در زیارت عاشورا و در تعزیت گفتن این روز، از خداوند می خواهند که آنان را جهت گرفتن انتقام خون حسین علیه السلام از یاران مهدی علیه السلام قرار دهد:

الف. «ان یرزقنی طلب تارک مع امام منصور من اهل بیت محمد صلى الله عليه وآله وسلم»<sup>۱</sup>.

ب. «اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسین علیه السلام وجعلنا وایاکم من الطالبین

بثاره مع ولیه الامام المهدی من آل محمد»<sup>۲</sup>؛ «خداوند اجر ما و شما را در

مصیبت حسین علیه السلام بزرگ گرداند و ما و شما را از کسانی قرار دهد

که به همراه ولی اش، امام مهدی علیه السلام از آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم طلب خون آن

حضرت کرده به خونخواهی او برخیزیم».

۱. زیارت عاشورا (مفاتیح الجنان).

۲. تعزیت عاشورا (مصباح المتعجد).

همه این مطالب، بیانگر آن است که یکی از ابعاد و وجوه انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام، خونخواهی از دشمنان و کشتندگان سالار شهیدان است.

### ۲-۳. فریاد انتقام خواهی مهدی علیه السلام و یارانش

یکی از انگاره‌های مورد توجه درباره قیام حسینی و انقلاب مهدوی، پیوندها و ارتباط‌های ناگسستنی و عجیب این دو قیام است؛ یعنی، این دو نهضت الهی، وجوه مشابهت همسانی فراوانی دارند و به عبارتی تکمیل کننده و پشتوانه همدیگر هستند. امام حسین علیه السلام بارها در حماسه عاشورا، یاد و نام امام مهدی علیه السلام را زنده کرده و فرجام تلخ دشمنان را در دست او دانسته بود.

امام مهدی علیه السلام نیز در موارد و مراحل مختلف قیام خود، پیگیر نهضت خونین عاشورا بوده و خود را ادامه دهنده و پیرو راستین آن معرفی می‌کند.

از آنجایی که این دو قیام حق طلبانه، علیه جنود شیطان و سپاهیان ظلمت و باطل است؛ حضرت مهدی علیه السلام حرکت خود را با اعلان برائت از دشمنان اهل بیت و اینکه او منتقم خون حسین است و... آغاز می‌کند.

بر اساس روایتی هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام قیام می‌کند،

خود را به عنوان منتقم خون جدش حسین بن علی علیه السلام معرفی می‌کند:

«الایا اهل العالم! انا الامام القائم؛ الایا اهل العالم! انا الصمصام المنتقم؛ الایا اهل العالم! ان جدی الحسین قتلوه عطشاناً...»؛ «آگاه باشید ای جهانیان! منم امام قائم؛ آگاه باشید ای اهل عالم منم شمشیر انتقام گیرنده؛ بیدار باشید ای اهل جهان که جدمن حسین را تشنه کام کشتند...».

شعار فریاد گونه یاران و سپاهیان حضرت مهدی علیه السلام، انتقام خواهی از امام حسین علیه السلام خواهد بود: «ان شعار اصحاب المهدی علیه السلام یالثارات الحسین علیه السلام»؛ «همانا شعار یاران مهدی علیه السلام، ای خونخواهان حسین است».

سلام بن مستنیر می‌گوید: امام باقر علیه السلام در [تفسیر و تأویل] آیه «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل انه کان منصوراً»<sup>۲</sup> فرمود:

«او حسین بن علی است که مظلوم کشته شد و ما اولیای او هستیم. قائم ما چون قیام کند، در طلب انتقام خون حسین علیه السلام برمی

۱. الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۸۲.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱، ب ۶۷.

۳. اسراء (۱۷)، آیه ۳۳.

آید. پس می‌کشد تا جایی که گفته شود: اسراف در قتل کرده است. «مقتول» حسین علیه السلام و ولی او «قائم علیه السلام» است. اسراف در قتل آن است که غیر قاتل او کشته شود. او «منصور» است؛ زیرا از دنیا نمی‌گذرد تا اینکه یاری شود به مردی از خاندان پیامبر خدا که زمین را آکنده از قسط و عدل کند؛ همچنان که از جور و ظلم پر شده است.<sup>۱</sup>

البته چنان که پیش تر گذشت، این انتقام و خونخواهی، ممکن است از قاتلان واقعی آن حضرت نباشد (چون همگی به شکل‌های فجیعی کشته شده و معذب گشتند و یا در رجعت از خود آنان نیز خونخواهی شود)؛ بلکه شامل ناپاکانی می‌شود که از شهادت امام حسین علیه السلام خشنود بوده و به این جنایت می‌بالند و یا خود تداوم بخش همان جنایت‌ها و فجایع علیه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و شیعیان و مظلومان عالم‌اند.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤالی در مورد انتقام از ذریه‌های کشندگان امام حسین علیه السلام فرمود: «ذراری قتلة الحسين یرضون بفعال آبائهم و یفتخرون بها و من رضی شیئاً کمن أتاه...»؛ «بازماندگان قاتلان امام حسین علیه السلام بر کردار پدران‌شان خوشحال‌اند و به آن افتخار

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰؛ اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۰۲؛ بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۵۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۳۹، ح ۲۱۱۸۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۲.

می‌کنند و هر کس از عملی راضی باشد، مانند آن است که آن را خود انجام داده است».

## ۲-۴. انتقام از تمامی دشمنان حق

نگارنده در پژوهش مفصلی که درباره «دولت مهدوی» انجام داده، ثابت کرده که ماهیت و ویژگی برجسته آن، کمال بخشی و برنامه‌ریزی فرهنگی و رفتارهای بسیار لطیف و مهرورزانه حضرت مهدی علیه السلام با عموم مردم جهان است.

مهم‌ترین برنامه آن حضرت در برابر مشکلات و موانع رشد و بالندگی انسان‌ها، برخورد فرهنگی و تربیتی است؛ نه نظامی و سیاسی. ایشان دولتی اخلاقی تأسیس می‌کند که مهم‌ترین رویکرد آن رشد فکری و اخلاقی مردم و رساندن آنان به سرمنزل مقصود (عبودیت و قرب خداوند متعال) است؛ یعنی، قبل از آنکه امام مهدی علیه السلام برخوردی قهرآمیز و انتقام جویانه داشته باشد؛ رفتاری پیامبرانه و حکیمانه دارد و هم از طریق وعظ و نصیحت و هم از طریق هدایت باطنی و کرامت مردم را به راه درست، دعوت خواهد کرد....

عموم مردم نیز از این نوع «هدایت‌گری» و «برخورد فرهنگی» کمال استقبال را خواهند داشت و رضایت و خشنودی واقعی خود را اعلام کرده، دعوت او را خواهند پذیرفت؛ اما در برابر همین برخورد

ملاطفت آمیز و حکیمانه، عده‌ای به کارشکنی و مخالفت برخوانند خاست؛ همان گونه که در برابر همهٔ پیامبران و داعیان راه حق، این دشمنی‌ها و مخالفت‌ها را داشته‌اند. اینان همان گروه باطل و سپاهیان شرک و شرّ هستند که به هیچ عنوان، دست از لجاجت و دشمنی خود بر نمی‌دارند و همواره درصدد فساد، ظلم، تبعیض و بهره‌کشی از انسان‌ها هستند.

کینه و خشونت آنان نسبت به پیامبران و رهبران حق، به جهت خطری است که منافع مادی و دنیوی آنان را تهدید می‌کند!! به همین جهت در طول تاریخ، همواره به جنگ و نزاع با گروه حق و حزب خدا پرداخته‌اند و نمونه فاجعه آمیز آن را در صحنهٔ عاشورا پدید آوردند.

امام مهدی علیه السلام برای رهایی بشر از چنگال این گروه ظلمانی و رفع تمامی موانع رشد و تعالی انسان‌ها، به مبارزهٔ سخت و گسترده علیه آنها می‌پردازد و طی جنگ‌های شدیدی، آنها را سرکوب و مغلوب می‌سازد. این گروه باطل، شامل کفرورزان به خداوند، افسادگران در جهان، شرک ورزان به ساحت حق تعالی، نفاق پیشگان، زرمداران مترف، مستکبران استضعاف‌گر، دشمنان سرسخت اهل بیت علیهم السلام، ستمگران عدالت‌گریز و... است.

صبحی دگر می آید ای شب زنده داران  
 از بیکران سبز اقیانوس غیبت  
 آید به گوش از آسمان: اینست مهدی  
 با تیغ آتش می درد آن وارث نور  
 از بیشه زار عطرهاى تازه آید  
 آهنگ میدان تا کند او، بازماند  
 آیینه آیین حق! ای صبح موعود  
 از قله های پرغبار روزگاران  
 می آید او تا ساحل چشم انتظاران  
 خیزد خروش از تشنگان؛ اینست باران!  
 در انتهای شب گلوی نابکاران  
 چون سرخ گل بر اسب رهوار بهاران  
 درگرد راهش مرکب چابک سواران  
 ماییم سیمای تو را، آیینه داران

براین اساس دایره انتقام و خون خواهی امام زمان علیه السلام، گسترده بوده و علاوه بر دشمنان اهل بیت علیهم السلام شامل دیگران نیز می گردد. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «فمهل الكافرين أمهلهم رويداً» فرمود: «[یعنی] ای محمد! کافران را مهلت بده، مهلت دادنی که اگر قائم قیام کند، از ستمگران و از جنایت کاران قریش، بنی امیه و هر قوم دیگر، انتقام خواهد گرفت (فینتقم من الجبارین و الطواغیت من قریش و بنی امیه و سائر الناس)».<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام درباره انتقام امام مهدی علیه السلام از دشمنان خدا و رسول او و پیامبران فرمود: «مالمن خالفنا فی دولتنا من نصیب ان الله قد احل لنا دمانهم عند قیام قائمنا، فالیوم محرم علینا و علیکم ذلک، فلا یغرتک احد اذا قام قائمنا انتقم لله و لرسوله و لنا اجمعین»؛ «برای مخالفان ما در دولت ما نصیبی نیست. خداوند به هنگام قیام قائم ما، خون آنان را

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۹، ح ۱۹؛ الزام الناصب، ص ۲۴۲.

بر ما حلال کرده است. هنگامی که قائم ما قیام کند، انتقام خدا و پیامبر و ما را خواهد گرفت.»

امام باقر علیه السلام نیز در تفسیر آیه **«لَمَنْ اَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ»** فرمود: «[این آیه در حق مهدی و یاران او است] هنگامی که قائم قیام کند، او و اصحابش از بنی‌امیه و تکذیب‌کنندگان و ناصبیان انتقام می‌گیرند.»<sup>۱</sup> امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند به وسیله او، اسلام را پس از ذلت به عزت می‌رساند و پس از افسردگی، زنده می‌سازد. جزیه را کنار گذاشته، با شمشیر به سوی خدا دعوت می‌کند. هر کس با او درافتد، زبون می‌شود... (فمن اَبى قتل و من نازعه خذل)»<sup>۲</sup>.

آن حضرت همچنین فرمود: «مهدی علیه السلام به واسطه خشم خدا بر بندگانش، خشمگین و غضبناک ظهور می‌کند و پیراهنی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ احد برتن داشت، می‌پوشد... شمشیر رسول اکرم (ذوالفقار) را در دست می‌گیرد. آن را برهنه کرده، بر دوش می‌گذارد و هشت ماه، دشمنان خدا را بی‌پروا می‌کشد»<sup>۳</sup>.

صدای سم سمند سپیده می‌آید      یلی که سینه ظلمت دریده می‌آید  
گرفته بیرق تابان عشق را بر دوش      کسی که دوش به دوش سپیده می‌آید

۱. تفسیر فرات کوفی، ص ۳۹۹، ج ۵۳۲؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۷۸.

۲. یوم الخلاص، ج ۲، ص ۵۱۴، ج ۶۶۹؛ الزام الناصب، ص ۱۷۹.

۳. الغیبة نعمانی، ص ۳۰۱، ج ۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۱.



طلوع برکه خورشید تابناک دل است  
 در آن کران که بود خون عاشقان جوشان  
 به پایداری آیین آسمانی ما  
 ستاره‌ای که از آفاق دیده می‌آید  
 شهید عشق سر از تن بریده می‌آید  
 گزیده‌ای که خدا برگزیده می‌آید

## فصل ۳

### راه روشن

(پیام‌ها و اهداف مشترک)

## پیام‌ها و اهداف

یکی از اساسی‌ترین ابعاد و وجوه حماسه عاشورا، درس‌ها، عبرت‌ها و پیام‌های جاودانه و فراگیر آن است. این آموزه‌ها و پیام‌ها، همواره حیات بخش، حرکت آفرین، تأثیرگذار و ماندگار بوده است. این قیام هر چند در مکان و زمان خاصی روی داد؛ ولی آثار و برکات آن، همیشگی و گسترده بوده و مرزهای زمانی و مکانی را در نوردیده است.

شعار «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا»، ارائه الگو و برنامه برای همه ملت‌ها و فرهنگ‌های حق طلب و عدالت خواه است. حماسه حسینی؛ یعنی، ذلت ناپذیری و عزت نفس؛ ظلم ستیزی و افشای ستم کاران؛ حق‌گرایی و دعوت به رهبری امامان؛ عدالت و برابری؛ آزادی و آزادگی؛ احیای دین و سنت‌های اسلامی؛ رسوا سازی باطل و مبارزه با بدعت؛ اقامه حق و عدل و امر به معروف و نهی از منکر؛ اصلاح جامعه و پیکار با مفاسد؛ ضرورت فداکاری و جهاد در راه

عقیده و مرام؛ بایستگی تشکیل حکومت دینی؛ روشن شدن مظلومیت اهل بیت علیهم السلام؛ شکست سلطه‌ها در برابر سلاح شهادت و مظلومیت؛ الهام‌بخشی به آزادگان و حق‌طلبان؛ موج‌آفرینی مثبت در تاریخ؛ ضرورت اصلاح جامعه فاسد و منحرف و...

نهضت اباعبدالله علیه السلام، نتایج و پیامدهای زیادی برای جامعه اسلامی فراهم آورد که عبارت است از:

۱. بر ملا ساختن جاهلی بودن حکومت وقت و برداشتن پرده از کار ظالمان و معرفی آنان به جوامع اسلامی؛
۲. پیدایش احساسات دینی علیه ظالمان و حاکمان جور و ستم؛
۳. احیای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه؛
۴. جلب عواطف مردم به سوی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم؛
۵. بیدار شدن وجدان تاریخ و الگو گرفتن قیام امام حسین علیه السلام در برابر ظالمان؛
۶. آگاهی مسلمانان نسبت به حقوقی که در برابر حاکمان دارند؛
۷. زنده شدن دوباره حقایق اسلامی و دستورات و تعالیم روشن آن؛
۸. درک درست از معنا و ارزش شهادت در راه خدا؛
۹. اعتقاد به برتر بودن مرگ با عزت از زندگی با ذلت و...

۱. ر. ک: مجله حکومت اسلامی، سال ۸، ش ۱، ص ۳۷۸؛ مجله اندیشه حوزه، سال ۸، ش ۵ (۱۳۸۲)، ص ۷۸.

با توجه به مؤلفه‌های یاد شده، روشن می‌شود که «واقعه طف» (کربلا)، سراسر پیام، عبرت، درس، اثر و نتیجه است و این نشانگر آن است که پیروز واقعی میدان نبرد اندیشه و اعتقاد راستین، حسین علیه السلام است؛ نه شمشیرها و نیزه‌های پوسیده و خونریز یزیدی. در واقع وقتی سخن از پیروزی و ظفرمندی گروه حق به میان می‌آید (و در قرآن به آن تصریح می‌شود)، صرفاً غلبه نظامی و مادی نیست؛ بلکه پیروزی اعتقادی، فکری و معنوی و چیرگی پیام و روح آن را نیز در بر می‌گیرد.

عالم از شور تو غرق هیجان است هنوز	نهضت مایه الهام جهان است هنوز
بهر ویرانی و نابودی بنیان ستم	خون جوشان تو چون سیل زمان است هنوز
در فداکاری مردانه‌ات ای رهبر عشق	چشم ایام به حسرت، نگران است هنوز
کربلای تو پیام‌آور خون است و خروش	مکتب راهنمای دگران است هنوز
تا قیامت ز قیامت تو قیامت برپاست	از قیامت تو پیام تو عیان است هنوز
همه ماه است محرم، همه جا کرب و بلاست	در جهان موج جهاد تو روان است هنوز
باغ خشکیده دین را تو زخون دادی آب	نه عجب گر که شکوفا و جوان است هنوز
تربت پاک تو کازادگی آموزد و عشق	سرمه دیده صاحب نظران است هنوز

البته در بسیاری از جنگ‌ها و نبردهای گروه حق و باطل، عموماً جبهه حق (پیامبران و خداپرستان) پیروز شده‌اند و خداوند نیز نصرت خود را شامل آنان کرده است. براساس شواهد قرآنی و تاریخی، پیامبرانی چون نوح، هود، لوط، صالح، موسی، ابراهیم، داود،

سلیمان، محمد ﷺ و... هم پیروز نظامی و ظاهری بوده‌اند و هم پیروز اعتقادی و معنوی.

این پیروزی‌ها در سایه نصرت و عنایت‌های الهی به دست آمده و این سنت او است که در میان آفریدگان جاری است و هرگز در سنت الهی دگرگونی راه ندارد. او می‌فرماید: «در حقیقت ما فرستادگان خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا قطعاً یاری می‌کنیم»<sup>۱</sup> و نیز: «حتماً من و فرستادگانم چیره خواهیم گشت؛ آری خداوند نیرومند و شکست ناپذیر است»<sup>۲</sup>.

بر این اساس است که گفته می‌شود:

«حسین علیه السلام برای زنده کردن انسانیت و بازگردانیدن کرامت لگد مال شده‌ی او قیام کرد و به همین سبب در صدد ستیز با یزید و نابود ساختن اندیشه‌ی او برآمد. حسین علیه السلام بار مسئولیت رسالت اسلام را بر دوش گرفت تا در طی روزگاران دراز، به داد او برسد و لذا با یزید - که می‌خواست کلمه‌ی خدا در زمین را خاموش کند - به ستیز برخاست و بدین ترتیب، ستیز و رویارویی میان دو عقیده و دو اندیشه بود؛ نه میان دو شخص. حضرت حسین علیه السلام، در بالا بردن دین اسلام، از شیوه جد و پدرش پیروی می‌کرد؛ در حالی که یزید در نابود ساختن

۱. غافر (۱۴۰)، آیه ۵۰.

۲. مجادله (۵۸)، آیه ۲۱.

این دین از شیوه پیشینیان خود، دنباله‌روی می‌نمود و به همین سبب، نبردی بی‌امان در کربلا در گرفت...»<sup>۱</sup>.

امام حسین علیه السلام و یزید در سرزمین کربلا، رویاروی هم قرار گرفته و با هم جنگیدند و هر چند در ظاهر غلبه و چیرگی از آن یزید و یزیدیان بود؛ اما در واقع و سرانجام شخصیت امام حسین علیه السلام پیروز شد و اندیشه و پیام خود را برای همه عصرها و ملت‌ها به یادگار نهاد و در این راه جان خود را نیز فدا کرد.

به همین جهت است که راه و آرمان او در نهضت مهدوی، هویدا شده و اندیشه و پیامش احیا خواهد گردید؛ یعنی، الگو و اسوه انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام، قیام خونین حسینی است و برنامه‌ها و اهداف آن در عصر ظهور تحقق خواهد یافت.

امام راحل علیه السلام می‌فرمود:

«واقعة عظیم عاشورا، از سال ۶۱ هجری، تا خرداد ۴۳ و از آن زمان تا قیام حضرت بقیة الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - در هر مقطعی انقلاب ساز است»<sup>۲</sup>.

سید قطب می‌نویسد:

«... حسین علیه السلام به گونه‌ای به شهادت می‌رسد که از یک

۱. محمد هادی معرفت، امام حسین پیروز میدان نبرد، مجله اندیشه حوزه، سال هشتم، ش پنجم، ص ۹۲.

۲. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۷۹.

سو بزرگ و افتخارآمیز است و از سوی دیگر، غمناک و دردآور؛ آیا این شهادت، پیروزی بود یا شکست؟ در ظاهر و با معیار کوچک، شکست بود؛ اما در حقیقت و با معیار بزرگ، پیروز محسوب می‌شود. چه [اینکه] هیچ شهیدی در زمین، همچون حسین علیه السلام نیست که سینه‌ها در عشق او بتپد، دل‌ها پریشان شود و از غیرت و فداکاری به جوش آید. شعیه و سنی و حتی غیر مسلمانان، همگی عاشق و دل‌باخته او هستند. چه بسیار شهیدی که اگر هزار سال زندگی می‌کرد، نمی‌توانست، عقیده و مکتب خود را به پیروزی برساند؛ در حالی که حسین علیه السلام با شهادت خویش، آن را به پیروزی رسانید...»<sup>۱</sup>.

به همین جهت است که پیام‌ها و اهداف او، در نهضت جهانی امام مهدی علیه السلام بازسازی و شکوفا شده و در عالم واقع، محقق می‌شود. پیش از بیان پیام‌های عاشورا و قیام مهدوی، توجه به یک نکته کلیدی، مهم و بایسته است و آن عبارت است از بستر سازی امام حسین علیه السلام برای قیام عاشورا و ایجاد آمادگی و حالت انتظار در میان شیعیان.

### بستر سازی و ایجاد آمادگی برای قیام جهانی

حضرت ابا عبدالله علیه السلام در صبح عاشورا - چند ساعت مانده به شهادت

۱. فی ظلال القرآن، ج ۷، ص ۱۸۹ و ۱۹۰.



یاران - در سخنرانی مهمتی، به آینده و تحولات آن می‌پردازد. ره آورد خون‌های اصحاب و یارانش را در کربلا تحلیل می‌کند و بشارت می‌دهد که:

«این خون‌ها هدر نمی‌رود؛ زنده و جاویدان می‌ماند. حرکته‌ها پدید می‌آورد و به ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌انجامد و به عدل جهانی و حکومت جهانی قرآن متصل می‌شود.

و ادامه می‌دهد: من و شما دوباره زنده می‌شویم؛ دوران رجعت و بازگشت دوباره امامان معصوم فرا می‌رسد و حکومت عدل جهانی مهدی را تداوم می‌بخشیم (فابشروا فوالله لئن قتلونا فاننا نرد علی نبینا ثم امکت ماشاءالله فاکون اول من تنشق الارض عنه...)»<sup>۱</sup>

امام حسین علیه السلام با طرح مباحث «ظهور مهدی موعود» و بازگشت امامان به دنیا در شب عاشورا، در صدد ایجاد زمینه‌های مناسب طرح این مباحث و ایجاد آمادگی لازم و... بر می‌آید. پس باید منتظران واقعی و ایثارگر و آماده شهادت، به فلسفه انتظار بیندیشند.

اگر پیروزی امام زمان علیه السلام بر دنیا، به صورت معجزه یا دخالت ولایت تکوینی یا جبری باشد، آمادگی نیرو لازم نیست. پس [ذکر] شرایط و ویژگی‌های منتظران نیز فایده‌ای نخواهد داشت!!

اما اگر ظهور جهانی امام زمان علیه السلام زمینه‌های لازم را می‌طلبند،

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸۱: الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۸۴۸ ج ۶۳

تحقق شرایط می‌خواهد و آمادگی جهانی و آمادگی ملت اسلام را لازم دارد و پس از اعلام ظهور در خانه خدا، احتیاج به سرباز و مردان جنگجو و کارآموده دارد و نیروهای فراوانی می‌خواهد تا مکه و مدینه را آزاد کنند و سپس عراق را فتح کند و با همه گردن‌کشان جهان بجنگد و... پس نیرو می‌خواهد. به شهادت طلبان خط‌شکن احتیاج دارد؛ تا با شهادت طلبی و شجاعت، همه مرزهای دشمنان جهانی را فتح کند و از هیچ چیز نهراسد. پس امکانات گسترده لازم دارد تا با امکانات نظامی دشمنان خود، مقابله کند.

پس باید آماده بود و خودسازی کرد و انواع تمرینات نظامی را گذراند و... آن گاه باید فریاد زد: «عجل علی ظهورک». بنابراین هر کسی نمی‌تواند ادعا کند که منتظر امام زمان علیه السلام است و آمادگی یاری کردن او را دارد!!

از این رو امام حسین، در لحظه‌های شهادت - در چند قدمی خط خون - فلسفه انتظار و بحث قیام را مطرح کرد و بشارت داد که آینده روشن است.<sup>۱</sup>

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، نهضت خونین حسین علیه السلام در امتداد و مسیر قیام‌ها و مبارزات پیامبران و تمامی حق‌پویان عالم قرار داشت (البته با مقیاس ظاهری و جغرافیایی محدودتر و کوچک

۱. ر.ک: محمد دشتی، پیام‌های عاشورا، ص ۱۲۸ و ۱۲۹.

تر؛ اما با دایره معنایی و اثرگذاری گسترده تر و فراتر از زمان‌ها و مکان‌ها).

در این مسیر، انقلاب‌ها و ستیزش‌های مختلفی (مانند انقلاب اسلامی ایران) روی داده و قیام‌ها و نهضت‌هایی به وجود می‌آید تا اینکه به قیام و انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام منتهی شود. بیشتر قیام‌های حق‌طلبانه در این دوران، متأثر و برانگیخته از حماسه جاویدان عاشورا بوده است و در واقع، جریان قیام کربلا به صورت یک حادثه، در درون تاریخ مدفون نگشت و دیری نپایید که به یک «حماسه بزرگ» تبدیل شد و به صورت یک قیام و انقلاب الگو بخش و تاریخ‌ساز درآمد و الهام بخش نهضت‌ها و تحولات و جنبش‌ها در تاریخ اسلام گردید.

تا ابد جلوه‌گه حق و حقیقت سرتوست	معنی مکتب تفویض، علی اکبر توست
ای حسینی که تویی مظهر آیات خدای	این صفت از پدر و جد تو در جوهر توست
درس آزادگی، عباس به عالم آموخت	زآنکه شدمست از آن باده که در ساغر توست
بابی انت و امی که تویی مکتب عشق	عشق را مظهر و آثار، علی اصغر توست
ای حسینی که به هر کوی، عزای تو به پاست	عاشقان را نظری در دم جان‌پرور توست

به یقین قیام امام مهدی علیه السلام نیز، ادامه نهضت عاشورا و برگرفته و ملهم از آن است. مهم‌ترین دلیل این برداشت، یکسانی و هماهنگی اهداف، پیام‌ها و برنامه‌های هر دو قیام است. این دو نهضت، علیه ظلم و ستم و فساد بر پا شده و اصلاح جامعه، احیای آموزه‌های

دینی، نجات مستضعفان و مظلومان، سرپیچی از بیعت جائران و مفسدان، رفع موانع رشد و تعالی انسان و جزء برنامه‌های اصلی آنها است. در اینجا به بعضی از مؤلفه‌های مشترک هر دو قیام اشاره می‌شود.

## یک. پیام‌ها و اهداف قیام حسینی

بر اساس روایات و شواهد تاریخی، می‌توان اهداف و برنامه‌های امام حسین علیه السلام در حماسه عاشورا را چنین شمارش کرد:

### ۱ - ۱. بایستگی قیام حق طلبانه علیه باطل‌گرایی

قیام امام حسین علیه السلام بر اساس حق و حق‌گرایی بنا شده و یکی از اهداف مهم آن، برپاداشت حق، غلبه نورانیت بر ظلمت، رفع شرارت و شیطننت و مبارزه با باطل (گروه کفر و ظلم و فساد) بوده است.

امام در طول این قیام فریاد برآورد که: «نمی‌بینید به حق عمل نمی‌گردد و از باطل روی گردانی نمی‌شود (الا ترون ان الحق لا يعمل به و ان الباطل لا یتناهی عنه)»<sup>۱</sup>

یعنی چون وضع جامعه چنین بوده و باطل در جولان است، من قیام کرده‌ام و اگر کسی از من حمایت کند، حق را یاری کرده است:

---

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱.

«فمن قبلنی بقبول الحق فالله اولی بالحق...»؛ «هر کس این را بپذیرد که حق است، راه خدا را پذیرفته است...». پیش تر در این باره بحث شده و به همین مقدار بسنده می‌شود.

## ۱ - ۲. عدالت گرایی و برپاداشت قسط

از برنامه‌ها و ایده‌های امام حسین علیه السلام در قیام کربلا، دعوت به عدالت و برابری انسان‌ها و شکستن سلطه تبعیض و بیداد و گسستن حصارها و بندهای بردگی از دست و پای مردم بود. امام حسین علیه السلام در نامه‌ای به مردم کوفه نوشت: «فلعمری ما الامام الا الحاکم بالکتاب، القائم بالقسط الدائن بدین الحق...»؛ «به جان خودم سوگند امام و پیشوا، تنها کسی است که در برابر کتاب خدا داوری کند و دادگر و عدالت‌گستر و متدین به دین حق باشد».

آن حضرت حرکت خویش را برای اقامه عدل و رفع ستم از مظلومان و ایمن یافتن بندگان خدا یاد کرد: «و یا من المظلومون من عبادک»؛ در زیارت نامه امام حسین علیه السلام می‌خوانیم: گواهی می‌دهیم که وی دعوتگر به سوی قسط و عدل و برپادارنده عدالت و ایجاد کننده امنیت برای ستمدیدگان بود: «اشهد انک قد امرت بالقسط و

۱. الارشاد مفید، ص ۲۰۴.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۷؛ تحف العقول، ص ۲۳۹.

العدل و دعوت الیهما»؛ «شهادت می‌دهم که تو به قسط و عدل دستور دادی و به دین دعوت کردی».

امام خمینی علیه السلام عدالت خواهی نهضت حسینی را چنین بیان می‌کند:

«شهادت [امام حسین] برای این بود که اقامه شود عدل الهی»<sup>۱</sup> و «سید الشهداء - سلام الله علیه - از همان روز اول که قیام کردند، برای این امر، انگیزه شان اقامه عدل بود. تمام زندگی اش را صرف این کرد که این حکومت، حکومت جور بسته شود و از بین برود»<sup>۲</sup>.

ایشان براساس همین عدالت خواهی، نهضت حسینی را به قیام مهدی و سایر انقلاب‌های حق طلبانه پیوند می‌زند:

«زندگی سیدالشهدا، زندگی حضرت صاحب الامر - سلام الله علیه - زندگی همه انبیاء از اول از آدم تا حالا، همه شان این معنا بوده است که در مقابل جور، حکومت عدل را می‌خواستند»<sup>۳</sup>.

۱. مفاتیح الجنان، ص ۴۳۹.

۲. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۴۵.

۳. همان، ص ۱۸۹ و ۱۹۰.

۴. همان، ص ۱۹۱.

۱-۳. مبارزه با حکومت فسق و جور (ستم ستیزی)

یکی از برنامه‌های اساسی امام حسین علیه السلام، مبارزه پیگیر و مداوم با ظلم و ستم حاکمان وقت و ریشه کنی جور و استکبار و خودکامگی از جوامع اسلامی بود.

آن حضرت در زمان معاویه نیز به ظلم و استبداد حکومت او اعتراض شدید داشت و این اعتراض را به دوران حکومت یزید - که در اوج استکبار و استبداد و خودکامگی قرار داشت - کشاند. مهم‌ترین مستند او دستور پیامبر اسلام بود که:

«من رای سلطاناً جائراً مستحلاً لحرم الله، ناکثاً لعهد الله مخالفاً لسنة رسول الله يعمل في عباد الله بالاثم و العدوان فلم يغير عليه بفعل و لا قول كان حقاً على الله ان يدخله مدخله و ان هؤلاء قد لزموا طاعة الشيطان...»؛ «اگر کسی حاکم ستمگری را ببیند که حلال خدا را حرام می‌کند، عهد و پیمان الهی را می‌شکند و با سنت رسول خدا مخالف است و با بندگان خدا به ستم و بیدادگری رفتار می‌کند، پس با گفتار و کردار در برابرش نایستد؛ برخداوند است که این فرد را نیز با همان حاکم ستمکار محشور کند... آیا نمی‌بینید که اینان اطاعت شیطان را، دستمایه خود کرده‌اند...».

آن حضرت اعتراض شدیدی به قرار گرفتن خلافت در دست فاسق و جائری چون یزید داشت (وعلى الاسلام السلام، اذ قد بليت الامة

۱. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۰۴؛ نفس المهموم، ص ۱۱۵؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱.



براع مثل یزید...<sup>۱</sup> و از اینکه در دوران چنین افرادی زندگی می‌کند، اظهار برائت می‌کرد (فائی لاری الموت الا سعادة و الحیاة مع الظالمین الأبرما)<sup>۲</sup>.

آن حضرت شگفتی و تعجب خود را از سلطه و چیرگی چنین ظالمانی بیان می‌دارد: «فیا عجبا! و مالی لاعجب و الارض من غاش غشوم و متصدق ظلوم و عامل علی المؤمنین بهم غیر رحیم»<sup>۳</sup>؛ «چرا در شگفت نباشم که زمین در تصرف مردی دغل و ستمکار و مالیات‌بگیری نابکار است؛ حاکمی است بر مؤمنان که نسبت به آنان مهربان نیست».

امام خمینی علیه السلام در این باره می‌گوید:

«امام مسلمین به ما آموخت که در حالی که ستمگر زمان بر مسلمین حکومت جائرانه می‌کند، در مقابل او اگر چه قوای شما ناهماهنگ باشد، به پاخیزید و استنکار کنید و اگر کیان اسلام را در خطر دیدید، فداکاری کنید و خون نثار نمایید»<sup>۴</sup>.

«امام حسین علیه السلام با عده کم، همه چیزش را فدای اسلام

۱. لهوف، ص ۲۰؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۶.

۲. تحف العقول، ص ۲۴۵؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۰۵؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۲.

۳. تحف العقول، ص ۲۳۷؛ بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۷۹.

۴. تبیان (عاشورا در کلام امام خمینی)، ص ۵۴.

کرد، مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد و «نه» گفت.<sup>۱</sup>  
 «سید الشهداء علیه السلام - سلام الله علیه - وقتی می بیند که یک  
 حاکم ظالمی، جائری در بین مردم دارد حکومت می کند؛  
 تصریح می کند حضرت که: اگر کسی ببیند حاکم جائری  
 در بین مردم حکومت می کند [و] ظلم دارد. به مردم  
 می کند؛ باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند؛ هر قدر که  
 می تواند با چند یا چندین نفر...»<sup>۲</sup> و «حضرت  
 سیدالشهدا - سلام الله علیه - به همه آموخت که در  
 مقابل ستم، در مقابل حکومت جائر، چه باید کرد.»<sup>۳</sup>

<p>بزرگ فسلفه نهضت حسین این است          حسین مظهر آزادی و آزادی است          نه ظلم کن به کسی، نی به زیر ظلم برو          بین که مقصد عالی نهضت او چیست          اگر چه داغ جوان تلخ کام کردش گفت          ز خاک مردم آزاده بوی خون آید</p>	<p>که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است          خوشا کسی که چنینش مرام و آیین است          که این مرام حسین است و منطق دین است          که درک آن سبب عز و جاه و تمکین است          که مرگ در راه حفظ شرف چه شیرین است          نشان شیعه و آثار پیروان این است</p>
--	--

#### ۱ - ۴. هدایت گری و نجات بخشی

امامت، هدایت و راهبری انسان به راه درست و حقیقی و دعوت به  
 رشد و سعادت و معنویت او است. یکی از محورهای برنامه های

۱. همان، ص ۵۶

۲. صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۱۸.

۳. همان، ج ۷، ص ۵۸.

بنیادین امام حسین علیه السلام - در طول حیات پربار خود - به خصوص در برپاداشت قیام کربلا - ارشاد و هدایت جنود شیطان و نجات آنان از ضلالت و جهالت بود. به همین جهت از هر فرصتی برای دعوت و آگاهی بخشی به آنان استفاده می کرد و آنان را به نیکی ها، فضایل اخلاقی، ایمان، معنویت و... دعوت می نمود.

آن حضرت ریشه ضلالت و انحراف مردم را در اطاعت و فرمانبری از حاکم فاسق و گمراه گر می دانست؛ به همین جهت بیشتر تبلیغات خود را متوجه یزید ساخته بود: «امامان و رهبران مردم، دو دسته اند: امام هدایت گر که به هدایت دعوت می کند و امام ضلالت گر که به ضلالت و گمراهی دعوت می نماید. هر کس، از اولی اطاعت کند، به بهشت راه می یابد و هر کس، دومی را اجابت نماید، داخل جهنم می شود».<sup>۱</sup>

امام حسین علیه السلام خطاب به سپاه خصم فرمود:

«انا ادعوكم الى كتاب الله و سنة نبيه فان السنة قداميتت و ان البدعة قد اجيبت و ان تسمعوا قولي و تطيعوا امري اهدكم سبيل الرشاد»؛

«من شما را به پیروی از کتاب خدا و راه و روش پیامبر فرا می خوانم؛ زیرا هم اکنون سنت پیامبر از میان رفته و بدعتها و

۱. موسوعة كلمات الامام الحسين علیه السلام ص ۳۳۷.

۲. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۳۵۷؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۹؛ مشیر الاحزان، ص ۲۷.

احکام ناروا زنده شده است. پس اگر به این پیام من گوش فرا دهید و آن را بپذیرید، شما را به راه سعادت رهبری خواهم کرد.»

در برابر همه و سر و صدای آنان - که می‌خواستند ندای هدایت‌گرایانه امام به گوششان نخورد - فرمود: «ویلکم ما علیکم ان تنصتوا الی فتسمعوا قولی و انما ادعوکم الی سبیل الرشاد»؛ «وای بر شما! چرا ساکت نمی‌شوید تا سخنانم را خوب بشنوید، من شما را به سوی رشد و سعادت دعوت می‌کنم.»

در بخشی از «زیارت اربعین» درباره آن امام شهید می‌گوییم: «...و بذلَ مُهْجَتَهُ فیک لَیْسْتَنْقِذَ عِبَادَکَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حیرة الضلالة»؛ «...او خون قلبش را در راه تو داد تا بندگان را از جهالت‌ها و سرگستگی در وادی گمراهی‌ها برهاند.»

اگر مردم به این دعوت پیامبرانه و معناگرایانه امام پاسخ مثبت می‌دادند؛ جامعه به اوج رشد و بالندگی معنوی و اخلاقی خود می‌رسید و موانع و مشکلات رشد و تکامل انسان برداشته می‌شد؛ اما گروه باطل، نور خدا را خاموش کردند و مردم را از فیوضات و برکات فراوان او بی‌بهره ساختند!!

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸

۲. تهنید، ج ۶ ص ۵۹ و ۱۱۳؛ بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۰۹.

## ۱ - ۵. اصلاح گری و تحول گرایی مثبت

یکی از اهداف و برنامه‌های بنیادین امام حسین علیه السلام، ایجاد اصلاحات اساسی در جامعه و دگرگون کردن رفتارها، پندارها و گفتارهای نادرست و انحرافی بود. اسلام اموی، آموزه‌های و حیانی را تحریف کرده و برداشت‌ها و سلايق شخصی را جایگزین آن ساخته بود. سطوح مختلف جامعه، دچار خمودگی، نفاق، دنیازدگی، فساد و انحراف شده بود؛ به همین جهت اصلاح جامعه در ابعاد مختلف آن، ضروری می‌نمود و مهم‌ترین پیام و شعار امام حسین علیه السلام نیز این بود که: «انی لم اخرج اشراً و لا بطراً و لا مفسداً و لا ظالماً و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی ارید ان امر بالمعروف و أنهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی و ابی علی بن ابی طالب»؛ «من از روی هوس، سرکشی، تبه کاری و ستمگری قیام نکردم؛ تنها به انگیزه اصلاح در امت جدّم برخاستم. می‌خواهم به نیکی‌ها فرمان دهم و از بدی‌ها باز دارم و روش جدّ خود و پدرم علی بن ابی طالب را دنبال کنم».

براساس این روایت، اصلاحات امام حسین علیه السلام مربوط به مردم و جامعه است (الاصلاح فی امة جدی)، نه در دین و شریعت. در واقع این حاکمان و مردم بودند که نیاز به دگرگونی و تحول در رفتار و گفتار داشتند و امام می‌خواست این انقلاب درونی را شعله ور سازد.

امام علیه السلام با این گفتار خود، هدف نهضت را دقیقاً مشخص ساخت (نجات امت از گمراهی و فساد) و تهمتهای دیگر (افسادگری، سلطنت طلبی و...) را از خود زدود.

اصلاح گری - در مفهوم اسلامی آن - عبارت است از: «زدودن پایه‌ها و نشانه‌های ستم و عبودیت غیر خدا و گسترش عدالت حقیقی، بر مبنای حقوق واقعی انسان، در پرتو وحی الهی و عقل بشری»<sup>۱</sup>.

آن حضرت در بیان زیبایی فرمود: «اللهم انک تعلم انه لم یکن ماکان منا تنافساً فی سلطان و لا التماساً من فضول الحطام لکن لنری المعالم من دینک و نظهر الاصلاح فی بلادک و یأمن المظلومون من عبادک و یعمل بفرائضک و سنتک و احکامک...»<sup>۲</sup>؛ «بارالها! تو به یقین می‌دانی آنچه از ما سرزده است، برای سلطه طلبی و کسب قدرت و دست یازیدن به متاع دنیوی نبوده است؛ بلکه قیام ما برای ارائه نشانه‌های دین تو و پدید آوردن اصلاح در شهرهای تو بوده است و برای اینکه بندگان مظلوم و ستم‌دیده تو احساس امنیت و آرامش کنند و به فریضه‌ها و سنت‌ها و احکام تو عمل شود».

زمانی که بنی‌امیه، به پیروی از شیطان تن داده، اطاعت از خدای رحمان را رها نموده، و آشکارا فساد کرده و به حدود الهی عمل

۱. حکومت اسلامی، سال هفتم، ش ۴، ص ۱۹۵.

۲. تحف العقول، ص ۲۳۷؛ بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۷۹.

نمی‌کنند؛ آیا کسی جز امام حسین علیه السلام شایستگی و وظیفه اصلاح و تغییر را دارد؟ آن هم اصلاح و دگرگونی‌های اساسی و بنیادین (انقلاب فکری و اخلاقی)؟! شهید مطهری بیان امام حسین علیه السلام در رابطه با اصلاح گری خود را چنین تصویر می‌کند: «من مثل خیلی [از] افراد نیستم که قیام و انقلابم به خاطر این باشد که خودم به نوایی رسیده باشم؛ برای اینکه مال (و ثروتی تصاحب کنم)؛ برای اینکه به ملکی رسیده باشم! این را مردم دنیا از امروز بدانند (این نامه را در مدینه نوشت)، قیام من، قیام مُصلِحانه است. من مصلح در امت جدم هستم. قصدم امر به معروف و نهی از منکر است. قصدم این است سیره رسول خدا را زنده کنم؛ روش علی مرتضی را زنده کنم. سیره پیغمبر مرد[اه]، روش علی مرتضی مرد[اه]، می‌خواهم این سیره را و این روش را زنده کنم».<sup>۲</sup>

#### ۱ - ۶. احیای آموزه‌های دینی

یکی از علت‌ها و انگیزه‌های مهم نهضت عاشورا، حفظ دین اسلام، احیای آموزه‌های متعالی آن و بدعت ستیزی و تحریف زدایی از چهره غبار گرفته آن بود. زنده کردن آموزه‌ها و تعالیمی چون امر به معروف، نهی از منکر، ایثارگری در راه دین، پرهیز از منکرات و حرام

۱. ر. ک: *وقعة الطف*، ص ۱۷ (ابی مخنف).

۲. *مجموعه آثار* (شهید مطهری)، ج ۱۷، ص ۱۸۸.

خواری، لزوم اطاعت از قرآن و عترت، آزادگی و جوانمردی، عمل به تکلیف، شهادت طلبی در راه خدا، دوری از دنیا گرایی و... وجهه همت سالار شهیدان بود. در واقع عاشورای حسینی، برنامه‌ای احیاگرایانه نسبت به دین و جلوه‌های گوناگون آن بود، تا در سایه بذل خون و نثار جان، دین برپا شود و سیره پیامبر اسلام، سرمشق عملی مسلمانان گردد و عزت دین خدا، به جامعه بازگردد.<sup>۱</sup>

در مطالعه سخنان امام حسین علیه السلام، تکیه فراوانی روی احیای دین، اجرای حدود الهی، احیای سنت، مبارزه با بدعت و فساد و دعوت به حکم خدا و قرآن دیده می‌شود. جامعه در آن عصر با حاکمیت گروه باطل و بحران تزلزل ارزش‌های انسانی مواجه بود. ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی جامعه اسلامی پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به دلایل متعددی دچار افت و انحراف گشته بود.

تحریف باورهای دینی و بازگشت به ارزش‌های جاهلی، فراموشی سیره پیامبر صلی الله علیه و آله، برتری روحیه قومی و عصبیت بر هنجارهای دینی عصر پیامبر صلی الله علیه و آله (که نشأت گرفته از تعالیم مقدس اسلام بود)، تبدیل اشرافیت معنوی به اشرافیت مادی و ثروت اندوزی، گرایش به تجمل و کم رنگ شدن روحیه عالی اسلامی (به ویژه در عصر عثمان و از آن پس)، برتری حربه ارباب و تزویر بر عامل حق طلبی و ظلم

۱. ر.ک: پیام‌های عاشورا، ص ۲۷۳.



ستیزی در روحیه جامعه اسلامی (بالاخص مردم کوفه)، بی‌عدالتی و فساد رهبران سیاسی و برخی موارد دیگر، از جمله مسائل دردناک و آسیب‌های عمده اجتماعی بود که امام حسین علیه السلام با آنها مواجه شد.<sup>۱</sup> چنان که گذشت، امام حسین علیه السلام در نامه‌ای خطاب به اهل بصره نوشت: «من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش فرا می‌خوانم. سنت مرده و بدعت زنده شده است (و ان السنة قد اميتت و ان البدعة قد احييت)... اگر سخنم را بشنوید و از فرمانم پیروی کنید، شما را به راه ارشاد (دین)، هدایت می‌کنم».<sup>۲</sup>

و می‌فرمود: «... من سزاوارترم که برای یاری دین خدا برخیزم و برای عزت بخشیدن به دین او و جهاد در راه او [تلاش کنم] تا آنکه کلمه الله برتر باشد».<sup>۳</sup>

آن حضرت علت دعوت مردم کوفه را، احیای نشانه‌های حق (دین حق) و از بین بردن بدعت‌ها، بیان کرد: «ان اهل الكوفة كتبوا الي يسألونني ان اقدم عليهم لما ارجو من احياء معالم الحق و اماتة البدع»؛<sup>۴</sup> «کوفیان به من نامه نوشته و از من خواسته‌اند که نزد آنان بروم؛ چرا که امیدوارم معالم و نشانه‌های حق زنده گردد و بدعت‌ها بمیرد».

۱. ر. ک: حکومت اسلامی، سال هشتم، شماره ۳، ص ۴۱۷.

۲. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۳۵۷؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۹.

۳. تذکرة الخواص ابن جوزی، ص ۲۷.

۴. اخبار الطوال، ص ۲۴۶.

مهم‌ترین دستور و خواست امام حسین علیه السلام از اصحاب و یاران باوفایش در روزی عاشورا، حمایت از دین الهی بود؛ چنان که فرمود: «اینک این درهای گشوده بهشت و نهرهای جاری و پیوسته آن و میوه‌ها و قصرهای بهشتی است و این هم پیامبر خدا و شهیدان که در رکاب او به خون غلتیدند. اینک پدر و مادرم نیز چشم به راه شمايند و مشتاق دیدارتان! پس از دین خدا حمایت کنید و از حرم رسول الهی، دفاع نمایید (... فحاموا عن دین الله و ذبوا عن حرم رسول الله)»<sup>۱</sup>.

این شعار جاودانه امام حسین علیه السلام است که در طول قرون و اعصار برتارک تاریخ می‌درخشد و فریاد بر می‌آورد: «لو کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیاسیوف خذینی»؛ «اگر دین محمد صلی الله علیه و آله جز با قتل من احیا و زنده نمی‌شود؛ پس ای شمشیرها! مرا در برگیرید».

#### ۱-۷. تشکیل حکومت و اعمال ولایت سیاسی

یکی از پیام‌ها و عبرت‌های مهم «عاشورا»، این است که برای رفع ریشه‌های ظلم و ستم از جامعه، زدودن رذایل اخلاقی و کژتابی‌های فکری و رفتاری، نجات مستضعفان و مظلومان از چنگ مستکبران و مفسدان، از بین بردن طاغوتیان و جباران (گروه باطل) و ترویج آموزه‌های متعالی شریعت، «یک راه اساسی و تکلیف دینی وجود

۱. موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۴۴۵.

دارد» و آن «تأسیس نظام سیاسی دینی و به دست گرفتن حکومت به وسیله صالحان و شایستگان» است؛ یعنی، «حکومت دینی» مهم‌ترین وسیله و ابزار تحقق آرمان‌های والای شریعت و ارشاد و هدایت مردم و رفع کاستی‌ها و ناراستی‌ها است.

به همین جهت آن حضرت به دعوت کوفیان پاسخ مثبت داد و عازم آن دیار شد تا بتواند خلافت غصب شده را برگرداند و ولایت سیاسی خود را ظاهر کند.

هدف و انگیزه او از قیام خونین عاشورا، رسیدن به حکومت نبود؛ بلکه به دست گرفتن دولت، تنها وسیله‌ای برای رسیدن به دیگر اهداف والا و متعالی بود.

حضرت ابا عبدالله علیه السلام در برخورد با سپاه حرّ، به آنان فرمود: «ایها الناس! فانکم ان تتقوالله و تعرفوا الحق لأهله؛ یکن ارضی لله عنکم و نحن اهل بیت محمد اولی بولایة هذا الامر علیکم من هؤلاء المذعین مالیس لهم و السائرین فیکم بالجور و العدوان؛ فان ابیتم الا الکراهة لنا و الجهل بحقنا و کان رأیکم الآن غیرما اتتنی به کتبکم و قدمت علیّ به رسلکم، انصرفت عنکم»؛ «ای مردم! اگر تقوای الهی پیشه کنید و حق را برای اهل آن بشناسید؛ برای کسب خشنودی الهی بهتر است. ما خاندان پیامبر، سزاوارتر به ولایت بر شما از این مدعیان به ناحق و غاصبیم. همان‌ها که به ستم و تجاوز بر شما حکم می‌رانند و اگر اراده کرده

اید که از ما کراحت داشته باشید و حق ما را نادیده گیرید و اکنون نظر شما از آمدن به سوی شما جز آن چیزی است که در نامه هایتان نوشته‌اند و فرستادگان شما ابراز داشته‌اند، منصرف شده و باز می‌گردم».

حضرت حسین علیه السلام برای به دست آوردن حکومت، اقداماتی انجام داد؛ از جمله خودداری از بیعت با یزید، هجرت از مکه به مدینه، علنی کردن مخالفت و دعوت مردم به تبعیت از خود، اجابت دعوت کوفیان و حرکت به سوی کوفه. در آخرین مرحله نیز که با پیمان شکنی کوفیان و سخت گیری سپاهیان عبیدالله مواجه شد و بین مرگ عزیزانه یا تسلیم ذلیلانه مخیر گشت، مرگ عزتمند و شجاعانه را برگزید و تا آخرین قطره خون از کرامت ایمان خود دفاع کرد: <sup>۱</sup>

«الا ان الدعی بن الدعی قد رکز بین اثنتین بین السلة و الذلة هیهات منا الذلة یأبی الله ذلک لنا و رسوله و المؤمنون و حجور طابت و طهرت و انوف حمیة و نفوس ابیة من ان نؤثر طاعة اللئام علی مصارع الکرام»؛

«آگاه باشید! این پسر خوانده، پسر پسر خوانده، مرا بر دو راهی شمشیر (مرگ) و ذلت قرار داده است و هیهات که ما به زیر بار ذلت

۱. ر. ک: حکومت اسلامی، سال هفتم، شماره ۳، ص ۴۷۱.

۲. لهوف، ص ۹۷؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۹؛ مشیر الاحزان، ص ۵۴.

رویم؛ زیرا خداوند و پیامبرش و مؤمنان، از اینکه ما ذلت را بپذیریم، ابا دارند و دامن‌های پاک مادران و افراد با غیرت و اشخاص سرافراز روانمی‌دارند که اطاعت افراد پست و لئیم (مانند امویان) را برقتلگاه نیک‌منشان مقدم بداریم».

با توجه به این پیام‌ها و برنامه‌ها، روشن می‌شود که قیام امام حسین علیه السلام انقلابی جاودانه، تأثیرگذار و پیروز بود؛ هر چند آن حضرت همراه با عده کمی از نیکان روزگار، در برابر جبهه پر نیروی کفر و باطل قرار گرفت و به ظاهر نتوانست دشمن را شکست دهد و خود شربت شهادت نوشید؛ اما این درس و پیام را به همه جهانیان داد که: خون بر شمشیر، حق بر باطل، نور بر ظلمت، خیر بر شر، ایمان بر کفر و نفاق، صلاح بر فساد و حزب الله بر جنود شیطان پیروز و غالب است. اما این شعارها و اهداف باید روزی به طور کامل تحقق یابد و راه ناتمام امام حسین علیه السلام به پایان برسد و این نیز تنها در سایه‌ها نهضت جهانی امام مهدی علیه السلام تحقق خواهد یافت.

## دو. پیام‌ها و اهداف قیام مهدوی

بامروری به بعضی از اهداف و برنامه‌های حضرت مهدی علیه السلام درمی‌یابیم که بیشتر آنها در تداوم و تکمیل نهضت حسینی علیه السلام است.

۱-۲. حق‌گرایی و محو تمامی جلوه‌های باطل

یکی از محورهای مشترک قیام حسینی و مهدوی، مبارزه با باطل (جنود شیطان و ظلمت) و محو تمامی جلوه‌های و نمادهای باطل (کفر، شرک، نفاق، فساد، جنایت، خون‌ریزی، شرارت و...) است. حضرت مهدی علیه السلام در این راستا نهضتی گسترده، قاطع و حق‌طلبانه را رهبری می‌کند و در مدتی کوتاه بر همه کفر و گمراهی چیره می‌شود و سپاهیان شیطان را نابود می‌کند.

امام کاظم علیه السلام فرمود: «...الثانی عشرنا یسهلُ اللهُ له کل عسیر...»

ببیر به کل جبار عنید و یهک علی یده کل شیطان مرید»؛ «خداوند برای دوازدهمین [امام] از خاندان ما، هر دشواری را آسان می‌سازد... به دست او هر جبار سرسختی نابود می‌شود و هر شیطان سرکشی هلاک می‌گردد».

امام هادی علیه السلام می‌فرماید: «یحق الله به الحق و یزهق الباطل و هو مهدیکم المنتظر»؛ «خداوند به دست او حق را استوار و پیروز و باطل را نابود می‌کند و او مهدی منتظر شما است».

امام باقر علیه السلام درباره آیه «الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلاة...» فرمود: «این برای آل محمد و مهدی و اصحاب او است، خداوند متعال مشرق‌ها و مغرب‌های زمین را به تصرف آنها درآورده و دین را آشکار می‌سازد. خداوند به وسیله او و یارانش بدعت‌ها و باطل را از بین می‌برد؛ همچنان که سفیهان، حق را میرانده باشند (یمیت الله عزوجل به و باصحابه البدع و الباطل کما امات السفهة الحق)؛ تا جایی که اثری از ظلم دیده نشود و امر به معروف و نهی از منکر خواهند نمود».<sup>۳</sup>

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۹؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۰، ج ۳.

۲. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۶۰؛ بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۰۹.

۳. تاویل الآیات الظاهرة؛ ص ۳۴۳؛ المحجة فی ما نزل فی القائم الحجة، ص ۲۵۴.

«يظهر الله الحق بهم و يخمد الباطل بأسيا فهم...»؛ «خداوند حق را به دست آنان ظاهر می‌کند و باطل را با شمشیرهایشان نابود می‌سازد».

امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید: «...إذا قام القائم ذهب دولة الباطل»؛ «هنگامی که قائم قیام کند، هر دولت باطلی از بین می‌رود»<sup>۱</sup> و «...القائم منا اهل البيت اذا قام غلبت دولته الباطل»<sup>۲</sup>؛ «قائم ما اهل بیت، هرگاه به پاخیزد، دولت او بر باطل غالب می‌شود».

این برنامه، همان ایده و آرمان حسینی است که به دست امام زمان علیه السلام به طور کامل محقق خواهد شد و او از لحاظ ظاهری و معنوی پیروز و غالب خواهد بود. در تفسیر علی بن ابراهیم در رابطه با آیه «نصر من الله و فتح قريب» آمده است: «...يعنى فى الدنيا، فتح القائم»<sup>۳</sup>؛ «یعنی در دنیا با فتح و پیروزی حضرت قائم».

در نهایت در روایتی آمده است: «ينذهب الشر و يبقى الخير»<sup>۴</sup>؛ «در عصر مهدی، شر از جهان رخت بر می‌بندد و تنها خیر باقی می‌ماند».

۱. امالی طوسی، ص ۳۵۲: كشف الغمة، ج ۱، ص ۳۹۹.

۲. تفسیر قمی ج ۲، ص ۴۲۵: المحجة فى ما نزل، ص ۴۲۹.

۳. کافی، ج ۸، ص ۲۸۷، ص ۲۰۹.

۴. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۶۶.

۵. منتخب الاثر، ص ۴۷۲: الزام الناصب، ص ۲۲۸.



## ۲-۲. عدالت گستری و برپاداشت قسط

قیام امام مهدی علیه السلام، نه تنها نهضتی برای گسترش عدل و داد و قسط است؛ بلکه او خود مظهر عدالت و دادگری است (هو العدل المنتظر و هو الامام العادل). «عدالت» تنها با ظهور و وجود امام مهدی علیه السلام معنا و بروز پیدا می‌کند و این آرمان همیشگی و ماندگار تمامی پیامبران و یکتا پرستان و همه مردم، به دست حسینی او، محقق می‌شود. آری امام حسین علیه السلام برای برپاداشت «عدالت» قیام کرد و فرزندش مهدی علیه السلام، عدالت را در تمام ابعاد آن - عدالت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی - عملی خواهد ساخت.

این ندای جاودانه رسول رحمت است که فرمود: «المهدی... یملاً الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً»؛ «مهدی زمین را آکنده از عدل و قسط می‌کند؛ همان گونه که با جور و ستم پر شده باشد». حضرت علی علیه السلام درباره سیره مهدوی می‌فرماید: «سیرته بالعدل و حکمه الحق»؛ «راه و روش او به عدالت و حکم و فرمان او حق است».

امام صادق علیه السلام فرمود: «... يقوم القائم بالحق و العدل»؛ «قائم علیه السلام، به حق و عدالت قیام می‌کند» و نیز «... القائد العادل الحافظ لما استودع

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۳۸؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۴۹.

۲. بحار الانوار، ج ۴، ص ۲۲۳.

يملأها عدلاً و قسطاً كما ملأها الفجار جوراً و ظلماً»<sup>۱</sup>؛ «او رهبری عادل، حافظ و امانت دار آنچه به او سپرده شده است. پس او زمین را پر از عدالت و قسط می‌کند، همچنان که فاجران آن را مالمال از ظلم و بیداد کرده‌اند»<sup>۲</sup>.

از رسول گرامی اسلام نقل شده است: «فيملاً الارض قسطاً و عدلاً حتى تمنى الاحياء الاموات تعيش في ذلك...»<sup>۳</sup>؛ «مهدی علیه السلام، چنان عدالتی در جامعه بر پا می‌کند که زندگان آرزو می‌کنند کاش مردگانشان زنده بوده و از عدالت او بهره مند می‌شدند» و نیز، «قسم بالسويه و عدل بالرعية»؛ «مال را به طور مساوی تقسیم می‌کند و عدالت را در میان رعیت اجرا می‌کند».

### ۲-۳. ظلم ستیزی و نابودی حکومت‌های فسق و جور

امام حسین به پاخاست، چون ظلم و فسادگری حکومت بی‌نهایت و رنج و اندوه مردم، افزون شده بود. امام مهدی علیه السلام نیز به پا خواهد خاست؛ چون ظلم، فساد، تباهی و فسق و فجور حکومت‌ها و گروه‌های تأثیرگذار جامعه، از حد و نهایت خود گذشته و بشر در گردابی از بیدادگری‌ها، تبعیض‌ها، انحرافات و... غرق می‌شود. نجات

۱. همان، ج ۵۳، ص ۲۴۴.

۲. همان، ص ۲۶۹.

۳. اثبات الهداة، ج ۳۰، ص ۶۳۹.

بشر، در گرو رفع موانع و بن بست‌ها است و این با نابودی اشکال مختلف فسق و فجور جور و امکان پذیر است. امیرمؤمنان می‌فرماید: «... ليعزلن عنكم امراء الجور و ليظهرن الارض من كل غاش...»؛<sup>۱</sup> «به طور حتم او [مهدی] فرمان روایان ظالم و جائر را برکنار می‌کند و زمین را از گمراه‌کنندگان و خدعه‌کاران پاک می‌گرداند».

رسول خدا ﷺ فرمود: «فیظهر علی کل جنار و ابن جنار و یظهر من العدل ما یتمنی له الاحیاء امواتهم...»؛<sup>۲</sup> «بر هر ستمگر و فرزند ستمگری چیره می‌شود و عدالتی را گسترش می‌دهد که زندگان آرزو می‌کنند مردگان زنده شوند و این عدالت را ببینند...».

همچنین آمده است: «اذا قام حکم بالعدل و ارتفع فی آیامه الجور و امنت به السبل...»؛<sup>۳</sup> «چون قیام کند، به عدالت داوری می‌کند و در زمان او جور و ستم ریشه کن می‌شود و راه‌ها امن می‌گردد» و نیز: «یظهر الله به الارض من کل جور و یقدسها من کل ظلم»؛<sup>۴</sup> «خداوند به وسیله مهدی، زمین را از هر جور و تجاوزی پاک و از هر ستمی خالی می‌کند».

و در روایتی از قول خداوند متعال نقل شده است: «لیظهر الأرض

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

۲. العرف الوردی، ج ۲، ص ۶۱/ البرهان، ص ۱۱۷.

۳. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۴؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۵.

۴. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۱؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۴.

من اعدائی و اورثها اولیائی»؛ «زمین را از دشمنان من پاک و میراث دوستانم می‌کند».

## ۲-۴. هدایت‌گری و ارشاد بشر

یکی از وجوه ممتاز و برتر عصر ظهور هدایت و ارشاد کامل بشر به سوی راه درست و مستقیم الهی (توحید و اسلام و ایمان) است؛ همان گونه که امام حسین علیه السلام نیز در صدد تحقق آن بود (اهدیکم الی سبیل الرشاد). امام زمان علیه السلام از شیوه‌ها و راه‌های مختلف به هدایت و راهنمایی بشر می‌پردازد و ضمن ارائه راه نور و ایمان، بر بصیرت، عقلانیت و معنویت انسان می‌افزاید. هدایت‌گری امام علیه السلام، ادامه راه پیامبران الهی و امامان معصوم و شامل تمامی انسان‌های روی زمین - چه نیک و چه بد - است.

در واقع نجات و سعادت بشر و رهنمونی او به قله کمال و تعالی (عبودیت و یکتاپرستی)، به دست او محقق خواهد شد. در روایتی آمده است: «یشیر بالتقی و يعمل بالهدی...»؛ «[مهدی] باتقوا گام می‌سپارد و براساس هدایت رفتار می‌کند...».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «یقیم الناس علی ملتی و شریعتی و

۱. امالی صدوق، ص ۶۳۲ ج ۴؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۶۵۲۴

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۹، ح ۱۵۸.

یدعوهم الی کتاب ربی»؛ «مردم را به دین و آیین من وادار می‌کند و به قرآن دعوتشان می‌نماید».

در روایتی آمده است: «یملأ الارض عدلاً و قسطاً و نوراً و برهاناً یدین له عرض البلاد و طولها لایبقی کافر الاًمن و لاطالح الاصلح»؛ «[مه‌دی]، زمین را از عدل و داد و برهان و دانش و نور (هدایت) آکنده می‌سازد تا آنجا که سراسر گیتی به وی ایمان آورده و کافران مسلمان می‌شوند و فاسقان صالح می‌گردند».

«یدعو الناس الی کتاب الله و سنة نبیه و الولاية لعلی بن ابی طالب...»؛<sup>۱</sup> «او مردم را به سوی کتاب خدا، سنت پیامبر ﷺ و ولایت علی بن ابی طالب دعوت می‌کند».

«هنگامی که [قائم] خروج می‌کند، اسلام را بر یهود، مسیحیان، صابئین، بی‌دینان، مرتدان و کافران در شرق و غرب زمین عرضه می‌دارد. پس اگر کسی با علاقه اسلام آورد، او را به نماز و زکات و آنچه در اسلام هست و خداوند آن را واجب کرده، امر می‌کند... اما اگر مسلمان نشد، گردن او را می‌زند تا اینکه در دنیا کسی نباشد که خدا را به وحدانیت شناسد».<sup>۲</sup>

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۱۱، ج ۶: اثبات الهداة، ج ۷، ص ۵۲.

۲. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۹۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۱، ج ۶.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۷، ج ۴۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۲.

۴. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰، ج ۹۰.

حضرت علی علیه السلام نیز فرموده است: «يعطف الهوى على الهدى اذا عطفوا الهدى على الهوى و يعطف الراى على القرآن اذا عطفوا القرآن على الراى...»؛ «او خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند؛ هنگامی که مردم، هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند و در حالی که به نام تفسیر، نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند، او نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد».

چه خوب بود که از تو زمانه پر می‌شد	و جای خالی تو، شادمانه پر می‌شد
شمیم زلف تو، در هر کرانه می‌پیچید	فضای تنگ دل از بیکرانه پر می‌شد
نشان کلبه ما را کسی نمی‌دانست	و از شمیم حضور تو خانه پر می‌شد
تو چون نسیم از اینجا عبور می‌کردی	نهال خاطره‌ها از جوانه پر می‌شد
ملال کنج قفس را زیاد می‌بردیم	زعتر سنبل و گل، آشیانه پر می‌شد

## ۲-۵. اصلاح‌گری و تربیت انسان‌ها

همان گونه که عدالت مهدوی، دارای ابعاد و زوایای مختلفی است (عدالت سیاسی، عدالت توزیعی، عدالت قضایی و دادگری، عدالت اخلاقی و...)؛ اصلاح‌گری امام مهدی علیه السلام نیز دارای ابعاد و جوه گوناگونی است و در واقع در برگیرنده اصلاح‌گری‌های حسینی است. اصلاح جامعه مفسد، اصلاح اخلاق و رفتارهای ناپسند، اصلاح قوانین و مقررات ناسالم، اصلاح برداشت‌های نادرست از دین، اصلاح

سیستم و ساختار معیوب سیاسی - اجتماعی، اصلاح رابطه‌های مردم (با خدا، با خود، با دیگران و با طبیعت) و... از جمله برنامه‌ها و اقدامات سازنده و مصلحانه امام عصر علیه السلام است.

تا زمانی که اصلاحات بنیادین در جامعه صورت نگیرد و در مردم انقلاب اخلاقی و رفتاری و دگرگونی‌های فکری و روحی اتفاق نیفتد؛ هیچ ناهنجاری و فساد از بین نخواهد رفت و هیچ موعظه و ارشادی فایده بخش نخواهد بود. به همین جهت امام زمان علیه السلام ابتدا به رشد فکری و اخلاقی و تربیت نفوس می‌پردازد و جامعه و روان‌های مرده را زنده می‌کند؛ آن گاه است که این جامعه زنده و تربیت شده، خود به سمت نیکی‌ها، فضایل، عدالت، تقوا و... حرکت می‌کند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «اذا قام قائمنا وضع یدہ علی رؤوس العباد فجمع به عقولہم و اکمل به اخلاقہم»؛ «هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان را می‌گذارد و عقول آنها را متمرکز ساخته و اخلاقشان را به کمال می‌رساند».

در روایتی آمده است: «... یصلح امة بعد فسادها»؛ «این امت را پس از آنکه تباه و فاسد شده اند، اصلاح می‌کند».

۱. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۱: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲. کشف الغمہ، ج ۲، ص ۴۷۳.

در تفسیر آیه «ان الله يحيى الارض بعد موتها» آمده است: «... یعنی يصلح الارض بقائم آل محمد ﷺ (بعد موتها) یعنی من بعد جور اهل هلكتها (مملکتها)...»؛ «یعنی زمین را به قائم آل محمد اصلاح می‌فرماید» پس از مردن آن؛ یعنی، پس از جور و ستم اهل مملکت آن...».

در کتاب‌های روایی اهل سنت نیز آمده است: «یصلح الله تعالى به کل ما افسد قبله»؛ «خداوند [به وسیله مهدی]، تمامی چیزهایی که پیش‌تر فاسد شده اند، اصلاح می‌کند».

امام باقر علیّه السلام در تفسیر آیه «یحيى الارض بعد موتها» فرمود: «یحيى الله عزوجل بالقائم علیّه السلام [الارض] (بعد موتها) بكفر اهلها...»؛ «خداوند زمین را به دست قائم زنده و احیا می‌کند، بعد از آنکه با کفر ساکنانش مرده باشد».

در روایت زیبایی نیز آمده است: «و اعملوا انکم ان اتبعتم طالع المشرق سلک بکم منهاج الرسول ﷺ فتداوitem من العمى و الصم و البکم...»؛ «... بدانید اگر شما از منجی شرقی پیروی کنید؛ او شما را به راه و روش پیامبر راهنمایی می‌کند و از کوری و کری و گنگی

۱. کتاب الغیبه، ص ۱۱۰؛ المحجة فی منازل، ص ۳۷۷.

۲. البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، ص ۱۳۲.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۶۸؛ تاویل الآيات الظاهرة، ص ۶۳۸.

۴. کافی، ج ۸، ص ۶۶؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۳، ج ۲۴.



نجات می‌دهد».

#### ۲-۶. احیاءگری و زنده کردن آموزه‌های الهی و دینی

در طول سال‌ها و قرن‌هایی که از طلوع پر فروغ اسلام ناب محمدی ﷺ می‌گذرد، همواره شاهد هجوم بدعت‌ها، شبهات، انحرافات، برداشت‌های شخصی، تفسیرهای ناروا، بی‌توجهی‌ها و غفلت‌ها نسبت به آموزه‌های متعالی و ماندگار آن بوده ایم. در طی این مدت، احیاءگران و مصلحان الهی کوشیده‌اند تا سیمای واقعی اسلام را به مردم نشان دهند و گرد و غبار بدعت‌ها و انحرافات را از آن بزدایند؛ مهم‌ترین حرکت احیاءگرایانه و اصلاح طلبانه، حماسه خونین عاشورا است که تأثیرات شگرفی بر جامعه اسلامی گذاشت و تداوم آن نیز در قیام جهانی مهدی ﷺ جلوه گر خواهد شد.

بر این اساس امام مهدی ﷺ بزرگ‌ترین احیاءگر آموزه‌های دینی و مبلغ تعالیم راستین دین الهی خواهد بود. این احیاءگری به حدی خواهد بود که بسیاری از گفتارها و برنامه‌های آن حضرت، نو و جدید به نظر خواهد آمد.

در روایتی آمده است: «اذ اقام القائم ﷺ جاء بامر جدید کما دعا رسول الله ﷺ، فی بدو الاسلام الی امر جدید»؛ «هنگامی که قائم قیام

می کند امری جدید می آورد؛ چنان که رسول خدا ﷺ در آغاز اسلام به امری جدید دعوت کرد.»

امیر مؤمنان علی علیه السلام درباره آن حضرت می فرماید: «فیریکم کیف عدل السیره و یحیی میت الکتاب و السنّة»؛ «روش عادلانه در حکومت حق را به شما می نمایاند و کتاب خدا و سنت پیامبر را زنده می کند.»

«لوقد قام قائمنا... استأنف بکم تعلیم القرآن و شرایع الدین و الاحکام و الفرائض كما انزله الله علی محمد ﷺ...»؛ «وقتی قائم ما قیام کند و سخنگوی ما سخن بگوید، قرآن و احکام دین را، همان گونه که بر پیامبر ﷺ نازل شده است، از نو به شما می آموزد» و نیز: «یصنع كما صنع رسول الله ﷺ یهدم ما کان قبله كما هدم رسول الله ﷺ امر الجاهلیة و یستأنف الإسلام جدیداً»؛ «[آمهدی] بر طبق شیوه رسول خدا رفتار می کند و آنچه از نشانه های گذشته باشد، از میان می برد؛ همان گونه که پیامبر ﷺ نشانه های جاهلیت را از بین برد. پس از ریشه کن ساختن بدعتها، اسلام را از نو پیاده و اجرا می کند.»

«لا یتروک بدعة الا ازالها و لاسنة الا اقامها»؛ «هیچ بدعتی نیست،

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۰؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۴۷، ج ۵۲.

۳. الغیبة نعمانی، ص ۲۳۰، ج ۱۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۴۵۲، ج ۱۰۸.

۴. وسائل الشیعه ج ۲۵؛ ص ۴۳۶؛ ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۵.

مگر آنکه مهدی آن را [از پیکر اسلام] خواهد زدود و سنتی نیست،  
جز اینکه آن را بر پا خواهد داشت».

گر بیایی عالمی را واله و شیدا کنی	گریبایی عقده‌های سرد دل را وا کنی
گر بیایی آتشی در خرمن غم‌ها زنی	مکتب دیرین عشق و صلح را احیا کنی
گر بیایی، آفتاب مهر ما، طالع شود	ارمغان سبز عدل و داد را اعطا کنی
گر بیایی کو مه ظلم و ستم ویران شود	قلب درد آلود هستی را طرب افزا کنی
گر بیایی گنج حق را با تو پیدا می‌کنیم	گوهر صلح و صفا را زینت دنیا کنی
گر بیایی رنگ ظلمت از جهان زایل شود	سربه‌سر دشت و دمن را مهبط خضرا کنی
گر بیایی جویبار لطف حق جاری شود	آیه‌های سبز قرآن را زنو معنا کنی

## ۲-۷. تشکیل حکومت دینی

تشکیل حکومت جهانی اسلام و توجه ویژه به بعد سیاسی اسلام، از  
محورهای مهم قیام حضرت مهدی علیه السلام است.

حکومت و دولت آن حضرت، فراگیر و جهانی خواهد بود و قدرت و  
سلطه او، از شرق تا غرب دنیا را فرا خواهد گرفت. دولت و نظام  
سیاسی مهدوی، بهترین، کامل‌ترین، مردمی‌ترین و تأثیرگذارترین  
دولت‌ها، پس از نابودی و پایان اجل تمامی دولت‌های عالم خواهد  
بود. در این حکومت جهانی، اصحاب و یاران نزدیک و مؤمن حضرت،  
به عنوان حاکمان و والیان کشورها و بلاد مختلف برگزیده و منصوب  
خواهند شد. این حکومت، مهم‌ترین ابزار و وسیله عدالت‌گستری، ظلم  
ستیزی، حق‌طلبی و تأمین توسعه و پیشرفت جوامع خواهد بود.

در روایتی آمده است: «یبلغ سلطانه المشرق و المغرب»؛ «سلطه و برتری او شرق و غرب [جهان] را در برمی گیرد» و نیز: «دولتنا فی آخر الدهر تظهر»؛ «دولت ما، در آخر الزمان ظاهر می شود».

«ان دولتنا آخر الدول ولم یبق اهل بیت لهم دولة الا ملکوا قبلنا لئلا یقولوا - اذا رأوا سیرتنا - اذا ملکنا سرنا مثل سیرة هؤلاء...»؛ «دولت ما (دولت مهدی)، آخرین دولت‌ها است؛ هیچ خاندانی نیست که حکومتی برای آن مقدر باشد، جز اینکه پیش از مهدی علیه السلام به حکومت می‌رسد تا هنگامی که ما به قدرت رسیدیم، به کسی نگویند: اگر ما نیز به قدرت می‌رسیدیم، این چنین رفتار می‌کردیم».

«...المهدی و اصحابه یملکهم الله مشارق الارض و مغاربها»؛ «خداوند مهدی و اصحابش را حاکمان شرق و غرب زمین قرار می‌دهد» و نیز: «اذا قام القائم، ذهب دولة الباطل»؛ «زمانی که قائم قیام کند، هر دولت باطلی از بین می‌رود».

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز نقل شده است: «لولم یبق من الدنيا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یملک رجل من اهل بیتی...»؛ «اگر از دنیا

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۰ و ت ۳۳۰؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۱، ج ۱۲.

۲. امالی صدوق، ص ۶۸۹، ج ۳؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۳، ج ۳.

۳. کتاب الغیبه (طوسی)، ص ۶۷۳، ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۴.

۴. کافی، ج ۸، ص ۲۷۸.

۵. دلائل الامامة، ص ۲۵۰؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۳.

جز یک روز باقی نباشد، خداوند آن روز را به قدری طولانی می‌کند که مردی از اهل بیت من، فرمانروای [جهان] می‌شود».

امیرمؤمنان می‌فرماید: «يظهر صاحب الراية المحمدية و الدولة الاحمدية...»<sup>۱</sup>؛ «صاحب رایت محمدی و بنیان گذار دولت احمدی ظهور می‌کند».

پس از استقرار و تثبیت دولت، امام مهدی علیه السلام حاکمان و والیان جهان را با دستورات مهمی به سراسر جهان اعزام می‌کند و به آنان دستور عدالت و احسان می‌دهد: «يفرق المهدي اصحابه في جميع البلدان و يأمرهم بالعدل و الاحسان و يجعلهم حكاماً في الاقاليم و يأمرهم بعمران المڈن».<sup>۲</sup>

با توجه به این تحلیل سیاسی - دینی، روشن می‌شود که هر دو قیام وجوه و ابعاد مشترک فراوانی دارند و در واقع هر دو دارای اهداف، برنامه‌ها و خواست‌های همسانی هستند که بعضی از آنها در قیام عاشورا محقق شد؛ ولی همه آنها به طور کامل در عصر ظهور و در پرتو نهضت جهانی مهدوی تحقق خواهد یافت.

حق خواهی و باطل ستیزی، عدالت خواهی و برپاداشت قسط، نابودی حکومت‌های فسق و جور و ستم، هدایت گری و نجات‌بخشی،

۱. منتخب الاثر، ص ۲۱۰.

۲. يوم الخلاص، ج ۲، ص ۶۵.

اصلاح‌گری و تحول‌گرایی مثبت، احیای آموزه‌های متعالی دین و در نهایت تشکیل حکومت و تحقق ولایت سیاسی امامان، بعضی از این وجوه مشترک است.

قیام امام حسین علیه السلام، نقش ویژه و تأثیرگذاری در ارائه این اهداف و برنامه‌ها به صورت پیام‌ها و عبرت‌های جاودانه و جهانی داشته و تحقق کامل آنها نیز به دست حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود.

### جاودانگی حق

در پایان این تحلیل، نقش و تأثیرگذاری قیام عبدالله علیه السلام را با توجه به آیه‌ای از قرآن بیان می‌کنیم.

قرآن کریم، حق و باطل را مانند آب جاری و کف آن می‌داند که کف‌ها (باطل) از بین خواهد رفت و آبی که برای مردم پر فایده است (حق) باقی می‌ماند: «كذلك يضرب الله الحقَّ و الباطل فاما الزَّبدُ فيذهبُ جُفَاءً و اما ما ينفع الناس فيمكثُ في الارض...»؛<sup>۱</sup> «خداوند برای حق و باطل چنین مثل می‌زند؛ اما کف به کناری افتد و نابود شود و آنچه برای مردم سودمند است (حق) در زمین پایدار بماند...».

بر اساس این آیه، کف‌های بلند آرزو و میان‌تهی، کنار می‌روند و آبی که برای مردم مفید و سودمند است، در زمین می‌ماند؛ یعنی،

۱. رعد (۱۳)، آیه ۱۷.

حق همیشه مفید و سودمند است، همچون آب زلال که مایه حیات است. باطل بی‌فایده و بیهوده است؛ ولی حق همیشه باید بجوشد و بخروشد تا باطل را از خود دور سازد. نه کف‌های روی آب هرگز کسی را سیراب می‌کنند و درختی را می‌رویاند و نه کف‌هایی که در کوره‌های ذوب فلزات ظاهر می‌شوند! می‌توان از آنها زینتی و یا وسیله‌ای برای زندگی ساخت. اگر هم مصرفی داشته باشند، مصارف بسیار پست و بی‌ارزشند که به حساب نمی‌آیند (همانند مصرف کردن خاشاک برای سوزاندن).

باطل همواره مستکبر، بالا نشین، پر سروصدا، پرغوغا؛ ولی تو خالی و بی‌محتوا است. اما حق متواضع، اهل عمل، پر محتوا و سنگین وزن است. حق همیشه متکی به نفس است و بهره و سود فراوانی برای همگان دارد (مانند آب و فلزات خالص). به همین ترتیب انسان‌ها، گروه‌ها، مکتب‌ها و برنامه‌ها به همان اندازه که مفید و سودمندند، حق بقا و حیات دارند. مَثَلِ انسان مؤمن و حق جو و عقاید خالصش، مانند آبی است که حیات حیوانات و گیاهان و جوامع به آن بستگی دارد و مانند طلا و نقره و... است که در زندگی این جهان مورد استفاده مردم هستند؛ اما مثال انسان کافر و باطل‌گرا و ستیزه جو، مانند کفی است که دیر یا زود، حباب‌های آن

می‌ترکد و از برابر چهره آب و دیگر مواد خالص، محو می‌شود و بدین ترتیب آنچه هویدا می‌گردد و دوام می‌پذیرد، آب، طلا، نقره و... است. کفر نیز مانند مواد چرکین و سیه‌فامی است که بر روی فلزات ذوب شده ظاهر می‌گردد و ایمان نیز همچون فلز ذوب شده خالص و پر فایده است.

زندگی و قیام اباعبدالله نیز دارای برکات و آثار فراوانی است و حیات و بالندگی جهان اسلام - به خصوص شیعه - مدیون خون پاک آن بزرگوار است... بر این اساس حضرت حسین علیه السلام در پی پیروزی آنی نبوده است و به خوبی به عدم دستیابی به پیروزی آنی آگاه بوده است... وضع جامعه اسلامی در آن روزگار، دست یازیدن به یک عمل حماسی و شهادت طلبانه را می‌طلبید که روح انقلابی در آن جامعه را شعله ور سازد و در بردارنده والاترین مراتب فداکاری و از خودگذشتگی در راه اصیلی باشد که راهنما و چراغ راه تمام انقلابیون گردد؛ حتی آن گاه که دشواری راه برای آنها جلوه می‌نماید و احتمال پیروزی به نظر آنها کاملاً مردود می‌نماید و نشانه‌های شکست نمایان می‌شود، از هدف دست برندارند. جامعه اسلامی در روزگار امام حسین علیه السلام بیمار بود و به اندک مالی و سخت‌گیری، زیادی شکنجه و ترس، خرید و فروش می‌شود. امکان ندارد که انسانیت و کرامت این چنین جامعه، به آن بازگردد و از بیهودگی



و حقارت وجودی اش آگاه شود. چنین جامعه‌ای را تنها یک عمل انقلابی با والاترین نشانه‌های فداکاری کرامت و دفاع از اصول و مرگ در راه آن، می‌تواند روح انقلاب و خفته آن را بیدار کند... تنها کاری که حضرت می‌توانست انجام دهد، این بود که با عملش، اعماق این چنین جامعه‌ای را بلرزاند و الگویی برتر ارائه نماید که در وجدان افراد آن، به خون و آتش سرشته شده است. بعضی از دستاوردهای این قیام را می‌توان در حوزه‌های زیر جست و جو کرد:

فاجعه کربلا در وجدان اسلامی مردم آن روزگار نفوذ کرد و جامعه اسلامی به طور کلی و جدی تحت تاثیر آن قرار گرفت. این امر باعث شد تا در روح انقلابی خفته، حرارت تازه‌ای بدهد و در وجدان افسرده آنان جنبشی بیفکند که آن را زنده سازد و روحی در جان و روان بدمد تا آن را به دفاع از کرامت انسانی اش وادارد.

۱. در همه شکستن چهارچوب دینی دروغین که امویان و دار و دسته‌های شان به وسیله آن قدرت شان را اداره می‌کردند؛ همچنین رسوایی روح بی‌دینی جاهلی که حکومت بنی‌امیه را جهت می‌داد.
۲. برانگیختن احساس گناه در جان و روان تک تک افراد؛ احساسی که به نقد فرد از خویشتن خویش تبدیل می‌شود و موضع او در برابر زندگی و جامعه بر آن مبتنی است.

۳. آفرینش فضیلت‌های تازه‌ای برای شخص و گشودن چشمان

این انسان بر جهان روشن و با شکوه،

۴. ایجاد روح انقلابی در انسان مسلمان، به خاطر پایه ریزی

جامعه بر قوانین و قواعد تازه، و بازگشت اعتبار انسانی به آن.

## فصل ۴

### عرفان و حماسه

(تجلیات حق و حق‌باوری در عاشورا و عصر ظهور)

## جلوه‌های عرفان و حماسه

«نهضت عاشورا» محل ظهور و بروز حماسه و عرفان، سیاست و اخلاق، دین و حکمت، عقل و عشق و تجلی گاه تمامی فضیلت‌ها و نیکی‌ها در برابر شرارت‌ها و رذیلت‌ها است؛ چنان که عصر ظهور نیز جلوه‌گاه خوبی‌ها، زیبایی‌ها و فضیلت‌ها خواهد بود. حضرت حسین علیه السلام، مظهر و حقیقت عزت، غیرت، آزاد مردی، شجاعت، ظلم‌ستیزی، اقتدار، مقاومت، استواری، ایثارگری، شهادت و... بود و همه اینها را در کربلا به خوبی آشکار ساخت. این جلوه‌ها و مظاهر، نشانگر همراهی و حمایت امام علیه السلام از حق و حق خواهی و مبارزه و جهاد علیه باطل و طغیان‌گری است. این حقایق و تجلیات، بیانگر این است که قیام کربلا، دارای ابعاد و وجوه مختلفی است و در تحلیل همه جانبه و کامل آن، باید به همه این زوایا و مظاهر توجه کرد. پس همان طور که مباحث گوناگون سیاسی، تاریخی، فلسفی و... درباره این نهضت مطرح است، مفاهیم والای عرفانی، اخلاقی و

باطنی نیز درباره آن قابل طرح است. حماسه عاشورا، دارای اسرار و باطن‌هایی است که حقیقت همه آنها به یک چیز بر می‌گردد و آن عبارت است: «از قیام انسان کامل علیه تمامی بدی‌ها، شرارت‌ها و باطل‌ها و تلاش و کوشش برای زدودن موانع و چالش‌هایی که در مقابل کمال خواهی و تعالی انسان‌ها قرار دارد».

به عبارت روشن‌تر، هر چه که در کربلا و از ناحیه جبهه حق مشاهده شد، زیبا و خدایی بود (ما رایت الا جمیلاً). همه آنها گوشه‌ای از جلوات و مظاهر رحمت و غضب، عطوفت و قهاریت، شفقت و شدت و رحمانیت و جباریت الهی است. «رحمت و شفقت» به بندگان صالح و گرفتاران در دام ظلم و ستم و فساد و «شدت و غضب» علیه جنود شیطان و سردمداران کفر و شر و باطل. پس در تحلیل و بررسی واقعه عاشورا - به خصوص نقش آن در مصاف نهایی حق و باطل - به همه این ابعاد و وجوه باید توجه کرد.

به نوشته یکی از پژوهشگران:

«...تکیه روی جنبه سیاسی کربلا، نباید توجه ما را به این رخداد، به عنوان یک پدیده کاملاً برتر، یک امر جاودانه، یک امر تقدیر شده و تعریف شده از سوی باری تعالی، کم رنگ کند. کربلا یک نهضت زمینی صرف نیست؛ بخشی از وحی مجسم شده و قرآن عینیت یافته است. همان طور که نظریه امامت در شیعه، صرفاً

مشمول بر جنبه سیاسی نیست، قیام عاشورا نیز تنها یک حرکت سیاسی نیست»<sup>۱</sup>.

قیام عاشورا هم مظهر اتم و اکمل عرفان و اخلاق است و هم جلوه‌گاه کم نظیر حماسه و پایمردی و سیاست. این دو چنان در هم عجین شده‌اند که جنگ و عبادت در کنار هم قرار گرفته و «جهاد اصغر» و «جهاد اکبر»، به طور کامل بروز یافته است.

کربلای حسینی، جلوه‌گاه مکارم اخلاق و ارزش‌های معنوی است که بیش از هر چیز دیگر، جلوه غلبه نفس انسان‌ها بر پلیدی‌ها و پستی‌ها است؛ یعنی، غلبه نفس انسانی بر دشمن درونی و خواهش‌های نفسانی و شکست ناپذیری در مقابل وسوسه‌های شیطانی.

می‌دانیم مظاهر مادی و دل‌بستگی دنیوی، هواهای نفسانی، خوف و طمع‌های بشری و کرامت انسانی، بر سر راه عزت، مانع ایجاد می‌کنند. اگر کسی در این میدان (جهاد اکبر) پیروز شد و مقهور عوامل مادی نگردد، در عرصه جهاد اصغر، هرگز مغلوب دشمنان نمی‌شود؛ زیرا عزت نفس اینها، بر تمام پستی‌ها چیره گشته است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید:

«بعد دیگر نهضت حسین بن علی علیه السلام تجسم معنویت و

۱. تأملی در نهضت عاشورا، ص ۲۵۳.

اخلاق است... در این نهضت، یک عرصه دیگری هم برای مبارزه وجود دارد و آن نفس انسان‌ها چون درون و باطن انسان‌ها است، آنجایی که ضعف‌ها و طمع‌های بشری، حقارت‌ها، شهوت‌ها و هواهای نفسانی در وجود انسان، او را از برداشتن گام‌های بلند باز می‌دارد؛ آنجا هم یک صحنه جنگ است، آن هم جنگی بسیار دشوارتر.<sup>۱</sup>

سالار شهیدان حسین بن علی علیه السلام، همانند قرآن کریم در چهره‌های گوناگونی برای مردم جهان درخشید: برای عارفان در چهره «دعای عرفه»، برای زمامداران حامی قسط و عدل و حامی مستضعفان و محرومان، در سیمای «نهضت و قیام علیه طغیان‌گری امویان»، برای پرهیزگاران و زاهدان در چهره «تارک دنیا» و برای دیگران در چهره‌های دیگر و....

او کسی است که توانست مضمون بلند دعای عرفه را - که اوج عرفان در آن موج می‌زند - در کنار حادثه خونبار کربلا جمع کند؛ حادثه‌ای که سرشار از پایدردی، حماسه، ایثار و... است. پس دو نوع جلوه‌گری و یا دو چهره را می‌توانیم، در نهضت و شخصیت اباعبدالله ببینیم:

۱. مجموعه مقالات همایش امام حسین، ج ۱۳ (عزت حسینی)، ص ۲۰۲ (به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴ فروردین ۸۱).

۱. چهره‌ای که به هیچ وجه حاضر به تسلیم، خضوع و رضا در برابر هیچ ظالم و باطلی نیست و با آنکه تمام قدرت‌های آن روز، بر ضد کاروان او بسیج شده بودند و با آنکه می‌دانست سفر به عراق، به شهادت او و اصحابش منتهی می‌شود و بعد از شهادت او، خاندان گرامی اش به اسارت می‌روند و... در عین حال آن خطبه‌های حماسی بین راه کربلا را خواند و در آن خطبه‌ها، همراه اظهار تبری از بیگانگان (سردمداران نفاق و فساد و ستم)، فرمان قیام و دستور مبارزه را صادر کرد و فرمود: من قیام کرده‌ام تا راه جدّ و پدرم را بپیمایم. گر چه در مدت نزدیک به یک ربع قرن زمامداری اموی و مروانی، مردم را به سیره دیگر انس و عادت داده بودند؛ اما من فقط به سیره جد و پدرم عمل می‌کنم.<sup>۱</sup> براین اساس نه تنها خود او؛ بلکه هیچ یک از اصحاب و اهل بیت او نیز حاضر نشدند حکومت جائرانه امویان را تأیید کنند.

۲. چهره‌ای دیگر که گویا جز انعطاف و مناجات چیزی ندارد و دعای عرفه را انشا می‌کند. این اوج عرفان او است که به برادرش ابوالفضل فرمود: شب عاشورا را مهلت بگیر، خدا می‌داند که من نماز، مناجات، تلاوت قرآن، دعای فراوان و استغفار را دوست دارم (فهو



يعلم انى كنت قد احبب الصلاة له و تلاوة كتابه و كثرة الدعاء و الاستغفار)'.  
 نه تنها سالار شهیدان؛ بلکه همه یاران با وفای او نیز چنین بودند:  
 «لهم دوی کدوی النحل»؛<sup>۱</sup> آن گروه مثل زنبورهای عسل، زمزمه عبادت  
 و نیایش داشتند.<sup>۲</sup>

### ظهور حق و باطل در کربلا

بعد دیگر حماسه عاشورا، مربوط به تجلیات و رونمایی دو جبهه حق و باطل است. امام حسین علیه السلام با حماسه و عرفان خود، صحنه‌ای زیبا از حق خواهی، خداگرایی و انسانیت را نشان داد؛ اما سپاهیان خصم با جنایت و کوردلی خود، تصویر بسیار کریه‌ی از باطل‌گرایی، ابلیس محوری، شرارت و ظلمت ارائه دادند و تومار حیات خود را لگه دارتر ساختند.

از نظر شهید مطهری رحمته الله حادثه عاشورا و تاریخچه کربلا دو صفحه دارد: یک صفحه سفید و نورانی و یک صفحه تاریک و ظلمانی که هر دو صفحه اش بی نظیر است و یا کم نظیر... قهرمان اصفحه سفید و نورانی، حسین علیه السلام است. در آن صفحه... حماسه است، افتخار و نورانیت است؛ تجلی حقیقت و انسانیت است؛ تجلی حق پرستی است.

۱. همان، ص ۳۹۲.

۲. همان، ج ۴۴، ص ۳۹۴.

۳. ر. ک: عبدالله جوادی آملی، حماسه و عرفان، ص ۲۲۹ و ۲۳۰.

آن صفحه را که نگاه می‌کنیم، می‌گوییم: بشریت حق دارد به خود ببالد... اما صفحه سیاه و تاریکش، از آن نظر سیاه و تاریک است که در آن فقط جنایت بی‌نظیر و یا کم‌نظیر می‌بینیم. حدود ۲۱ نوع پستی و لثامت در این جنایت بود. خیال هم نمی‌کنم در دنیا چنین جنایتی دیده بشود که تا این اندازه تنوع داشته باشد...!

برای زدودن این صفحه سیاه از کتاب بزرگ تاریخ و انسانیت، نیاز به مبارزه‌ای فراگیر و جهادی شکوهمند هست و به همین جهت، صفات و ویژگی‌هایی از اباعبدالله در روز عاشورا ظهور کرد که هر یک مثال زدنی و برای یک مبارزه بزرگ و نبرد تاریخی علیه شرور و پلیدی‌ها بایسته بود؛ از جمله شجاعت بدنی، قوت قلب و شجاعت روحی، ایمان کامل به خدا و پیغمبر و اسلام، صبر و تحمل عجیب، رضا و تسلیم،<sup>۱</sup> بزرگواری و آزاد مردی، فداکاری وفاداری، عزت و استقامت و... یکی از نویسندگان معروف (عباس محمود عقّاد) می‌نویسد:

«در روز عاشورا، مثل این بود که یک نوع مسابقه میان خصلت‌های حسینی برقرار شده بود؛ یعنی، فضایل حسینی هر کدام، با دیگری مسابقه می‌داد. صبر حسین می‌خواست از سایر صفاتش جلو بیفتد. اخلاص حسین

۱. ر. ک: حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۲۱.

۲. ر. ک: همان، ج ۳، ص ۱۶۲.

می خواست از همهٔ اینها پیشی بگیرد. شجاعت حسین  
می خواست گوی سبقت را از صفات دیگر او برآید  
و...»<sup>۱</sup>

در تحلیل این جلوه‌ها و مظاهر حماسی - عرفانی، توجه به چند نکته  
بایسته است:

۱. هر کدام از این مظاهر عظاما، به نحو اتم و اکمل در سراسر  
زندگی امام حسین علیه السلام - به خصوص در نهضت عاشورا - هویدا و  
متجلی گردید.

۲. بعضی از این ویژگی‌ها و جلوه‌ها، زمینه ساز و حرکت آفرین  
بوده و چون با شخصیت آن حضرت عجین شده بود، آن حضرت را  
به سمت قیام و مبارزه علیه پلیدی‌ها و ظلمت‌ها، سوق می‌داد. از این  
مظاهر و تجلیات بارز، می‌توان به سه مورد خاص اشاره کرد:

الف. حریت و آزادگی،

ب. غیرت دینی،

ج. ظلم ستیزی و عدالت طلبی.

با وجود این سه ویژگی است که خدا باوران و حق طلبان،  
می‌توانند با قدرت و شجاعت تمام در برابر گروه باطل و فسادگر قرار  
گرفته و تا سرحد پیروزی ظاهری یا شهادت، با آنان مبارزه کنند.

۳. وجود نورانی حضرت اباعبدالله علیه السلام در حماسه جاودانه کربلا، مظهر و مجلای ویژگی‌ها و رفتارهای برجسته و شگفت‌انگیزی بود که آنها را در عرصه نبرد با جنود شیطان به ظهور و بروز رساند؛ از جمله:

الف. خداباوری و عرفان والا،

ب. عزت و افتخار،

ج. شجاعت و پایداری،

د. ایثارگری و شهادت طلبی.

وجود این چهار مؤلفه نیز در قیام و انقلاب مؤثر و گسترده علیه شرّ و ظلمت و فساد، بایسته است و هر شخص و گروهی در نبرد با مفسدان و ستمگران و در صحنه عمل، باید آنها را به ظهور برساند و به یقین تمام آنها به صورت گسترده و کامل‌تر در عصر ظهور محقق خواهد شد.

۴. در تحلیل حاضر، بیشترین تکیه و محور مباحث، مربوط به شخصیت حضرت اباعبدالله علیه السلام است. این به معنای بی‌توجهی به سایر دلیران و شجاعان حاضر در صحنه عاشورا نیست؛ بلکه امام علیه السلام به عنوان مظهر اتم و اکمل حریت، غیرت و عزت مورد توجه بوده است.

۵. تجلیات و مظاهر عرفانی - حماسی عاشورا، از مرزها، قرن‌ها و

تاریخ گذشته و امتداد یافته است تا اینکه بار دیگر به طور کامل در عصر ظهور پدیدار گردد. در واقع قیام امام مهدی علیه السلام علیه جباران و طاغوت‌ها و مفسدان، صحنه‌ای دیگر از بروز و ظهور غیرت دینی، حریت و آزادگی، ظلم ستیزی و عدالت طلبی است.

آن حضرت در مصاف نهایی حق و باطل و با الگوگیری از حماسه عاشورا، حماسه‌ای دیگر خواهد آفرید و در آنجا عزت و افتخار، شجاعت و استواری و عرفان و خداباوری را به منصف ظهور رسانده، ریشه باطل را برخواهد کند.

## یک. مظاهر و تجلیات حسینی

### ۱-۱. حرّ و آزامرد

یکی از ویژگی‌ها و اوصاف برجسته امام حسین علیه السلام - که در طول حیات گران قدرش، جلوه‌گر بود - حرّیت، آزاد مردی و آزادگی آن حضرت است. این روحیه باعث شده بود که امام علیه السلام، به هیچ وجه زیر بار زور و ستم نرود و با جبّاران و جائرانی چون معاویه و یزید، سازش نکند. او آزاد مرد و صاحب کرامت و بزرگی بود که با قاطعیت در جواب برادرش محمد حنفیه فرمود: «یا اخی! والله لولم یکن فی الدنیا ملجأ و لاماوی لقا بایعت یزید بن معاویه»؛ «ای برادرا! به خدا اگر در تمام این دنیای پهناور، پناهگاه و قرارگاهی نداشته باشم، هرگز با یزید پسر معاویه بیعت نخواهم کرد».

امام حسین علیه السلام را به درستی سرور و سالار آزادگان (سیدالاباء)

جهان می‌گویند. آزادگی، شأنی از مراتب عالی انسانی و کمالات روحی است که جز با عظمت روح، مجاهدت نفسانی و گسستن از تعلقات دنیوی، به دست نمی‌آید.

امام حسین علیه السلام، حقیقت آزادگی را در حماسه کربلا، به تمام معنا تفسیر کرد. او انسانی است که در همه تاریخ و برای همه نسل‌ها، الگوی آزادگی است؛ چرا که در هیچ حال، به خواری و زبونی تن نداد. آزادگی، برتر از آزادی است و در واقع نوعی حریت انسانی از قید و بندهای ذلت آور و حقارت بار است.

این منطق و شعار سرور آزادگان حسین بن علی علیه السلام و یاران آزاده او است که: «بهای آزادگی را باید پرداخت، اما تن به ذلت و پستی نباید داد». به همین جهت در کربلا به سپاهیان خصم خطاب کرد و فرمود: «و یحکم یا شیعة آل ابی سفیان! ان لم یکن لکم دین و کنتم لاتخافون المعاد، فکونوا احراراً فی دنیاکم...»؛ «وای بر شما ای یاران آل ابوسفیان اگر دین ندارید و از آخرت نمی‌ترسید؛ لااقل در دنیا آزاد مرد باشید».

علائلی می‌نویسد:

«حسین، شخصی است که چون از هر سوی کوه وجودش، فراز شوی، به ستیغ بزرگی رسی؛ تا آنجا که

او را مرکز برخورد بزرگواری‌ها با یکدیگر و مجمع یکتایی‌ها می‌یابی؛ زیرا بی‌گمان هر کس از سرچشمه عظمت نبوی و فضیلت فاطمی فراجوشید، نمونه بی‌همتای عظمت و عزت انسان خواهد شد و از آیات بیّنات به شمار خواهد رفت. یاد او، یاد یک شخص نیست؛ یاد انسانیت جاویدان است!<sup>۱</sup>

امام خود به خوبی این شخصیت و ویژگی برترش را بیان کرده است؛ آنجا که فرمود: «لیس شأنی شأن من یخاف الموت... لست اخاف الموت همتی لأعلى من ان احمل لصحتم خوفاً من الموت و هل تقدرون علی اکثر من قتلی؟ مرحباً بالقتل فی سبیل الله ولکنکم لاتقدرون علی هدم مجدی و محو عزتی و شرفی...»<sup>۲</sup>؛

«...شأن و شخصیت من برتر از آن است که از مرگ بترسم... من از مرگ نمی‌ترسم و بلند همت‌تر از آنم که از ترس مردن، ذلت را برخویشتن برگزینم. مگر شما جز کشتن من کار دیگری می‌توانید انجام دهید؟ آفرین بر مرگ در راه خدا که با مرگ در راه او، نمی‌توانید مجد و عزت و شرف مرا نابود سازید...».

یکی از مسلمانان علاقه مند به امام حسین (طرم‌اح)، حضرت اباعبدالله را چنین توصیف می‌کرد: «آقایی و کرامت در سرشت و نژاد

۱. برترین هدف در برترین نهاد، ص ۱۱۸.

۲. اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۵۸۱.



او است. آقا و آزاد مرد است و دارای سعه صدر که خداوند او را برای انجام بهترین امور به اینجا رسانده است...»!

مسلم بن عقیل - این پیام رسان نهضت حسینی - بزرگ‌ترین افتخار خود را حریت و آزادگی می‌دانست: «اقسمت لا اقتل الا حرا و ان رأیت الموت شیئا نکرا»؛ «سوگند خورده‌ام که جز با آزادگی کشته نشوم؛ هر چند مرگ را چیز ناخوشایندی می‌بینم».

## ۱-۲. صاحب غیرت دینی

امام حسین علیه السلام، مظهر و مجلای غیرت دینی و حمایت و یاری شریعت است. او نه تنها «ثارا لله»؛ بلکه «غیره الله» نیز بود و وقتی خطر انحراف و تباهی در دین و امت را مشاهده کرد، با تمام توان به پاخاست و غیرت دینی خود را به طور کامل، به ظهور رساند.

غیرت آن است که آدمی، دین، عرض، ناموس و اولاد خود را نگه‌داری کند. برای محافظت و نگاهبانی هر یک، طریقه‌ای هست که صاحب عزت و حمیت از آن تجاوز نمی‌کند. غیرت دینی نیز تلاشی در نگاهبانی دین از آفت و حمیت و حفظ از بدعت و کوشش در ترویج آن است.<sup>۲</sup>

۱. تاریخ طبری، ج ۷، ص ۲۹۹۵.

۲. لهوف، ص ۵۵؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۵۲؛ ارشاد مفید، ج ۲، ص ۵۸.

۳. ر. ک: جامع السعادات، ج ۱، ص ۲۶۴؛ معراج السعاده، ص ۲۶۵.

بی شک یکی از رموز موفقیت و سربلندی امام حسین علیه السلام و یکی از مظاهر حق خواهی و باطل ستیزی آن حضرت، «غیرت دینی» و پاسداری از مرزهای شریعت بود؛ چنان که درباره حکمت قیام خود فرمود: «...کارها بدین جا کشیده است که می بینید، دنیا تغییر یافته و به زشتی گراییده است. نیکی های دنیا به عقب می رود و همچنان با شتاب رو به زوال است. از نیکی ها چیزی باقی نمانده، جز ته مانده هایی مانند ته مانده آبشخورها. پستی های زندگی، همانند چراگاه زیان بخش و بیمار کننده است. آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل نهی نمی گردد؟! پس سزاوار است که در چنین وضعی انسان با ایمان، مرگ و ملاقات با خدا را آرزو کند. آری من مرگ را جز سعادت و خوشبختی نمی بینم...»!

همچنین فرمود: «انا اولی من قام بنصرة دین الله و اعزاز شرعه و الجهاد فی سبيله لتکون کلمة الله هی العلیا»؛ «...من سزاوارترین کس هستم که به نصرت دین خدا برخیزم و شریعت مقدس او را عزیز بدارم و در راه او جهاد کنم تا «کلمة الله»؛ برترین حاکم شود».

پس قیام امام حسین علیه السلام، به یقین در جهت شعله ور ساختن غیرت دینی و احیای امر به معروف و نهی از منکر بود. عمل به این

۱. لهوف، ۹۶، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۲۹۹۴.

۲. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۹۴؛ موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام ص ۳۳۶.

دو فریضه، در جهت حفظ آموزه‌های دینی و جلوگیری از بدعت و انحراف بایسته است و آن حضرت از ابتدای حرکت خود، می‌فرمود: «اللهم انی احب المعروف و اکره المنکر»؛ «خداوندا! من دوستدار و خواهان معروف و نهی از منکر هستم» و «انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی ارید ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر»؛<sup>۱</sup> «فقط برای اصلاح امت جدم قیام کردم؛ می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم».

### ۱-۳. ستم ناپذیر و باطل ستیز

از ویژگی‌های بارز ابا عبدالله علیه السلام، حق‌گرایی، ظلم ستیزی و ستم‌ناپذیری بی‌نظیر او است. او نه تنها قهرمان سازش ناپذیر در برابر ستم، قلدری، شقاوت و استبداد بود؛ بلکه بنیان‌گذار این شیوه آزادمنشانه است و تمامی آزادی خواهان، ستم ستیزان و مبارزان راه عدالت، باید به آن قهرمان حریت و رهایی تاسی جویند؛ چنان که آن حضرت حتی زندگی با ظالمان و در عصر ستمگران را ملالت آور می‌دانست و سعادت را در شهادت می‌دید: «انی لا اری الموت الا سعادة و الحیاة مع الظالمین الا برما»؛<sup>۲</sup> «مرگ با عزت سعادت است و زندگی

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۸.

۲. همان، ص ۳۲۹.

۳. تحف العقول، ص ۲۴۵؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۲.

در کنار ظالمان و ستمگران، ملالت آور او غیر قابل تحمل است.»  
حضرت از همان آغاز قیام، روحیه حق‌گرایی و باطل‌ستیزی خود  
را آشکار ساخت؛ چنان که در مدینه، وقتی از طرف حاکم آنجا،  
مسأله بیعت با یزید مطرح گردید، فرمود: «مثلی لایبایع مثله»؛<sup>۱</sup> «مثل  
من، با [شخصی] مثل یزید بیعت نمی‌کند»؛ یعنی، از همان شروع،  
عدم سازش حق با باطل را مطرح کرد.

در برابر مروان بن حکم نیز با قاطعیت فرمود: «انا لله و انا اليه  
راجعون و على الاسلام السلام اذابليت الأمة براء مثل یزید. یامروان!  
اترشدنی لیبعة یزید و یزید رجل فاسق؟ لقد قلت شططاً من القول و زلاً و  
لالومک فانک اللعین الذی لعنک رسول الله و انت فی صلب ابنک الحکم بن  
العاص و من لعنه رسول الله فلا ینکر منه ان یدعو بیعة یزید. الیک عنی یا  
عدو الله فاتا اهل بیت رسول الله ﷺ الحق فینا ینطق علی السنتنا»؛<sup>۲</sup>

«اگر امت اسلامی، به سرپرستی کسی مثل یزید مبتلا شود، با  
اسلام باید وداع کرد. ای مروان! مرا ارشاد و راهنمایی به بیعت با یزید  
می‌کنی، در حالی که او مرد فاسقی است؟! پراکنده‌گویی کردی و  
حرف نامربوطی زدی و من به خاطر این کلام، سرزنشت نمی‌کنم؛  
چون تو همان ملعونی که هنوز در صلب پدرت (حکم بن عاص) بودی  
و پیامبر خدا، تو را لعنت کرد، و کسی که مورد لعن رسول خدا ﷺ

۱. لهوف، ص ۲۲؛ مشیرالاحزان، ص ۲۴.

۲. مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۵؛ موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۲۸۵.

قرار گرفت، از او بعید نیست که به بیعت با یزید فرا بخواند!! از من دور شوای دشمن خدا! مرا با تو سخنی نیست؛ چون من از اهل بیت رسول الله هستم. حق در میان ما است و از زبان ما جاری می‌شود...».

آن حضرت از جولان و میدان داری باطل و ستمگری، ناراحت و خشمگین بود و در برابر حق ناپذیری مردم می‌فرمود: «الاترون ان الحق لا يعمل به و ان الباطل لا یتناهی عنه»؛<sup>۱</sup> «هان! مگر نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل جلوگیری نمی‌گردد».

امام حسین علیه السلام زندگی تحت فشار و ستم دیگران را ذلت بار می‌خواند و می‌فرمود: «من از مرگ، باکی ندارم. مرگ، راحت‌ترین راه برای رسیدن به عزت است. مرگ در راه عزت، زندگی جاودانه است و زندگی ذلت بار، مرگ بی‌حیات است. مرا از مرگ می‌ترسانید؟ چه گمان باطلی! همتم بالاتر از این است که از ترس مرگ، ظلم را تحمل کنم.

بیش از این (یک بار) نمی‌توانید مرا بکشید. مرحبا به مرگ در راه خدا؛ ولی شما با کشتنم، نمی‌توانید شکوه و عزت و شرف مرا از بین ببرید، چه هراسی از مرگ؟»<sup>۲</sup>

آن حضرت نه تنها خود هیچ ظلم و ستمی را نمی‌پذیرفت و زیر

۱. لهوف، ص ۷۹: المناقب، ج ۴، ص ۶۸

۲. ر. ک: اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۸۱

بار هیچ زور اجباری نمی‌رفت؛ دیگران را نیز به این امر دعوت می‌کرد و آنان را از پذیرفتن حاکمیت ستمگران و جائران بر حذر می‌داشت؛ چنان که خطاب به مردم فرمود:

شيواترين حماسه تاريخ آفريد	نازم حسين را که چو در خون خود تپيد
تاہی برد به نهضت آن خسرو شهيد	ديدی دقيق بايد و فکری دقيق تر
در پيش عزم و همت وی آسمان خميد	قامت چو زير بار زرو زور خم نکرد
هر لاله و گلی که به طرف چمن دميد	برگی بود زد فتر خونين کربلا
با خون سرخ خویش، سیه کاری يزید	از دامن سپيد شريعت زدود و شست
ان العطش که از دل پرسوز می شنيد	بد تشنه عدالت و آزادی بشر
گردد زروی معرفت و عقل مستفيد	خوش بخت ملتی که از این نهضت بزرگ

«فان لم تنصرونا و تنصفونا قوی الظلمة علیکم و عملوا فی اطفاء نور نبیکم و حسبنا الله و علیه توکلنا و الیه انبنا و الیه المصیر»؛ «هان ای مردم! اگر شما ما را یاری ندهید و از در انصاف با ما در نیایید؛ این حاکمان جائر و ستمکار بر شما چیره می‌گردند و قوای خود را علیه شما به کار می‌بندند و در خاموش نمودن نور پیغمبرتان می‌کوشند. خدا برای ما کافی است و بر او توکل می‌کنیم و به سوی او باز می‌گردیم و به سوی او است همه بازگشت‌ها».

ماربین آلمانی می‌نویسد:

«حسین بن علی نوه حضرت محمد ﷺ تنها کسی است

که در چهارده قرن پیش، در برابر حکومت جور و ظلم قد علم کرد. حسین شجاعت را از پدر خود به ارث برد و موضوعی که نمی‌توان نادیده گرفت، این است که حسین علیه السلام اول شخص سیاست مداری بود که تا به امروز احدی چنین سیاست مؤثری انتخاب نکرده است. این سرباز رشید اسلام، نشان داد که ظلم و پیداد و ستمگری پایدار نیست و بنای ستم، هر چند ظاهراً عظیم و استوار باشد، در برابر حق و حقیقت، چون پرکاهی بر باد خواهد رفت، و می‌توان ادعا کرد که تا به امروز، تاریخ بشریت نظیر چنین شخص مآل اندیش و فداکار به خود ندیده و نخواهد دید.<sup>۱</sup>

امام خمینی دربارهٔ شعار «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» می‌گوید:

«محتوای این جمله این است که ارض کربلا، در روز عاشورا، چه نقشی را بازی کرد. همه زمین‌ها باید این طور باشد... همه روزه باید ملت ما این معنا را داشته باشد که امروز روز عاشورا است و ما باید مقابل ظلم بایستیم و همین جا هم کربلا است و باید نقش کربلا را ما پیاده کنیم.»<sup>۲</sup>

۱. فرهنگ عاشورا، ص ۲۸۱.

۲. صحیفه نور، ج ۹، ص ۲۰۲.

## ۱-۴. عارف و خدا محور

قیام امام حسین علیه السلام، انقلابی خدایی و در جهت تحقق دستورات الهی و «عبودیت» او در جهان و برای جلب رضایت و خشنودی حق بود. سالار شهیدان، به زیبایی هر چه تمام، حماسه را با عرفان درآمیخت و خدا باوری و خدا محوری را، با جهاد در راه او تکمیل کرد. این نشان می‌دهد که قیام علیه باطل، باید با محوریت، رضایت و دستور خدا همراه باشد و از توکل به او و استعانت از او غفلت نشود.

آن حضرت در آغاز قیام خود، در جوار جدش چنین دعا کرد: «...بحق هذا القبر و من فيه الا اخترت من امری ما هو لک رضی و لرسولک رضی و للمؤمنین رضی»؛<sup>۱</sup> «...به احترام این قبر و کسی که در آن هست، از تو درخواست می‌کنم که راهی را در پیش روی من بگذاری که مورد رضا و خشنودی تو و نیز مورد رضای پیامبر و مؤمنان باشد».

امام علیه السلام سختی‌ها و دشواری‌های مبارزه را آسان می‌دید و می‌گفت: «هَوْنٌ عَلَيَّ مَا نَزَلَ بِي أَنَّهُ بَعِينُ اللَّهِ»؛<sup>۲</sup> «تحمّل آنچه بر من می‌گذرد آسان است؛ چون در محضر الهی است». آن حضرت چنان در وجود باری تعالی غرق شده بود که به غیر از خدا هیچ نمی‌دید و

۱. مقتل خورازمی، ج ۱، ص ۱۸۶؛ احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۶۰۰؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۸.

۲. لهوف، ص ۱۱۵؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۶.



جز خواسته او، چیزی نمی خواست: «قد شاء الله عزوجل ان يراني مقتولا مذبوها ظلماً و عدواناً...»؛ «خدا دوست دارد مرا کشته ظلم و عداوت ببیند...».

در عصر عاشورا هنگامی که از اسب بر زمین افتاد و مورد تهاجم قرار گرفت، عرض کرد: «صبرا علی قضائک یا رب لا اله سواک یا غیاث المستغیثین مالی رب سواک و لامعبود غیرک صبراً علی حکمک یا غیاث من لاغیاث له...»؛ «بر قضای تو صبر می کنم ای پروردگاری که غیر تو الهی نیست. ای پناه پناه جویان؛ غیر از تو پروردگار و معبودی برایم نیست. ای پناه بی پناهان! بر حکم تو صبر می کنم...».

همه چیز برای اباعبدالله علیه السلام زیبا و خیر بود (چه پیروزی ظاهری و چه مرگ و شهادت)؛ زیرا او عامل به وظیفه و سالک الی الله بود: «ارجو ان یکون خیراً ما اراد الله بنا قتلنا ام ظفرنا»؛<sup>۲</sup> «امیدوارم آنچه خدا برای ما اراده فرموده به خیر باشد، چه کشته شویم؛ چه پیروز گردیم».

امام خمینی علیه السلام نیز در این رابطه می فرماید:

«اینکه حضرت ابی عبدالله نهضت کرد و قیام کرد - با عدد کم و در مقابل این - برای اینکه گفتند: تکلیف من

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۱.

۲. مقتل مقرر، ص ۲۸۳.

۱. صحیفه نور، ج ۴، ص ۶.

این است که استنکار کنم. نهی از منکر کنم، ما که بالاتر از سید الشهداء نیستیم. آن وظیفه اش را عمل کرد و کشته هم شد.<sup>۱</sup>

اینها نشان از تجلی و ظهور «عشق پر فروغ» ابا عبدالله علیه السلام و یاران گرامی اش دارد؛ عشق به محبوب و معبود و ایمان به تمامی دستورات و خواست‌های او. امیرمؤمنان، یک ربع قرن قبل از حادثه عاشورا، هنگام عبور از کربلا، خطاب به همراهانش فرمود: اینجا قتلگاه شهیدان عاشق است (مصارع عشاق شهداء). طبق این بیان، همه کسانی که در صحنه کارزار کربلا، در جبهه توحید پیکار می‌کردند و شمشیر ایمان و عرفان بر فرق عصیان و طغیان می‌کوبیدند، عاشق خداوند بودند و امام حسین علیه السلام سردار سپاه عشق بود که درس عشق و عاشقی به پروردگار را به لشکر خود می‌آموخت و آیندگان نیز درس عاشقی را در مکتب آنها فراگرفتند.

امام حسین علیه السلام هنگام حرکت به طرف کربلا، جان‌های شریف را برای نثار و مال‌های نفیس را برای ایثار جمع کرد و وقتی که به کربلا رسید، دامن خود را از همه آنها تکان داد و هر چه داشت، خالصانه فدای رضای محبوب کرد و در پایان کار، سرخویش را

۱. موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۳۶۲.

سخاوت‌مندانه در طبق اخلاص نهاد و تقدیم محبوب و معشوق نمود.<sup>۱</sup>  
 گرچه روزی تلخ‌تر از روز عاشورا نبود  
 عشق می‌فرمود: «باید رفت»، می‌رفتند و هیچ  
 آنچه ما دیدیم جز پیشامدی زیبا نبود  
 بیمشان از تیرهای تلخ بی‌پروا نبود  
 خیمه‌ها از مرد خالی می‌شد اما همچنان  
 اهل بیت عشق از مردانگی تنها نبود  
 آفتاب ظهر عاشورا به تلخی می‌گریست  
 کودکان تشنه لب بودند و کس سقا نبود  
 آسمان می‌سوخت از داغی که بر دل داشت، اما  
 کودکی آتش به دامان می‌شد و بابا نبود

### ۱-۵. صاحب عزت و افتخار

امام حسین علیه السلام، به یقین مظهر اسم عزیز خدا و تجلی واقعی و کامل  
 عزت، سربلندی و افتخار است. نهضت حسینی، حماسه‌ای بی‌نظیر و  
 میدان بروز و ظهور کامل «عزت» است و جای جای آن، گویای این  
 حقیقت است که همه شرافت آدمی، به عزت او است و کسی حق  
 ندارد جز در برابر خدا، خود را ذلیل کند و زیر بار ظلم و ستم باطل  
 برود.

در واقع «روح جریان عاشورا» عزت‌مندی است و ثمرات آن  
 شجاعت، ایثار، شهامت و... است. «عزت حسینی»؛ یعنی، عزت  
 انسانیت؛ زیرا سالار شهیدان، قهرمان تفسیر‌کننده حیات توأم با  
 عزت و شرافت انسان است.

حقیقتاً همه ارزش‌ها و آرمان‌های الهی زندگی انسان، مدیون آن

عزیز و عزیزان عاشورایی و سایر عاشورائیان است. امام حسین علیه السلام، راست قامت‌ترین مدافع حیات طیب انسانی، در مرتفع‌ترین قلعه فداکاری در راه حق و حقیقت و آزادی و عزت انسانی قرار دارد. او تابلوی انسانیت و سرچشمه عزت و کانون کرامت و افتخار انسانی است. او «اسوه» و الگوی پویندگان حرکت تکاملی انسان و امام حقیقت جویان مسیر عزت و کرامت انسان است.

حسین بن علی علیه السلام مظهر اتم اسم شریف «العزیز» است، اگر چه همه امامان هدایت، مظاهر اتم اسمای حسناى الهی‌اند؛ ولی هر یک از آنها مظهري خاص از اسمی مخصوص‌اند و در آن اسم جلوه دارند؛ وجود مبارک اباعبدالله علیه السلام، آیت و مظهر تام «اسم العزیز» است.<sup>۱</sup>

اگر حسین بن علی علیه السلام مظهر «اسم العزیز» است، مکتب حسینی، تبلور عزت خداوندی است و اگر این مکتب، کانون عزت است، به راهیان کوی حسینی، درس عزت و افتخار می‌آموزد و بهترین نشانه پیروان این مکتب و کانون، عزت مندی است.

«عزت»؛ یعنی شکست ناپذیری، صلابت نفس، نفوذ ناپذیری، رفعت و سربلندی، شدت و نیرومندی، کرامت و بزرگواری، امتناع و نایابی. از نظر علامه طباطبایی، قدر مشترک همه این معناها صلابت

۱. ر. ک: تبیین عزت حسینی، (مجموعه مقالات همایش امام حسین علیه السلام)، ج ۳، ص ۲۰۵ و ۲۰۶.

است. <sup>۱</sup> عزت حالتی است که نمی‌گذارد انسان، شکست بخورد و مغلوب واقع شود (العزة حالة مانعة، للانسان من ان يغلب).<sup>۲</sup> عزیز آن انسان نفوذ ناپذیری است که مقهور شرایط زمان و مکان نمی‌شود؛ بلکه جامعه و شرایط زمانی و مکانی را، مقهور خویش می‌سازد....

عزت مندی ابا عبدالله علیه السلام؛ یعنی، عدم سازش با باطل، بیعت و همراهی نکردن با باطل، افشای چهره کریه باطل و مبارزه و جهاد با باطل؛ چنان که علایلی می‌گوید: «سنگ بنای ارزش‌ها و اوصاف عالی [ زیر بار ذلت نرفتن و سازش ناپذیری با باطل است. »<sup>۳</sup>

دودمان ناپاک بنی‌امیه، می‌خواستند ذلت بیعت با خویش را بر حسین بن علی علیه السلام تحمیل کنند؛ ولی روح بلند آن حضرت و یارانش، این ذلت و فرومایگی را تحمل نکرد و فریاد برآورد که:

«... لا والله لا اعطيكم بيدي اعطاء الذليل و لا اقر اقرار البعيد و لا افر فرار العبيد»؛ «من هرگز دست ذلت به شما نمی‌دهم؛ مانند بردگان اقرار به سرپرستی شما نمی‌کنم و مانند بندگان فرار نمی‌کنم».

۱. المیزان، ج ۶ ص ۲۲.

۲. مفردات راغب.

۳. برترین هدف در برترین نهاد، ص ۱۲۸.

۴. مقتل الحسين علیه السلام عبدالرزاق، ص ۲۸۰؛ ارشاد مفید، ج ۲، ص ۹۷ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۱.

و نیز فرمود: «لا اعطى الدنيا من نفسى ابدا»؛ «هرگز تن به پستی نخواهم داد و زیر بار ذلت نخواهم رفت». سید الشهداء علیه السلام همان کسی است که می فرمود: «موت فى عز خیر من حیاة فى ذل»؛ «مردن در راه عزت و با عزت، بهتر از زندگی با ذلت است».

در روز عاشورا، هنگام رویارویی دو سپاه، در برابر صفوف دشمن قرار گرفت و فرمود: «الا و ان الذعی ابن الدعی قد رکز بین اثنتین بین السلة و الذلة و هیهات منا الذلة یأبى الله ذلک لنا و رسوله و المؤمنون و حجور طابت و طهرت و أنوف حمیة و نفوس ابیة من ان نؤثر طاعة اللئام علی مصارع الکرام»؛ «آگاه باشید که این فرومایه فرزند فرومایه، مرا میان دو راهی شمشیر و ذلت قراردادده و هیهات که ما، زیر بار ذلت رویم؛ زیرا خداوند و پیامبرش و مؤمنان از اینکه ما زیر بار ذلت برویم، ابا دارند و دامن های پاک مادران و انسان های پاکدامن و مغزهای با غیرت و نفوس با شرافت، روا نمی دارند که اطاعت افراد لثیم و پست را، بر قتلگاه انسان های کریم و نیک منشان مقدم داریم».

ابن ابی الحدید معتزلی درباره امام حسین علیه السلام می نویسد: «سرور کسانی که زیر بار ذلت نرفته اند (سید اهل الالباء) کسی که به مردم، مردانگی و غیرت و مرگ زیر سایه شمشیر را آموخت و چنین مرگ

۱. لهوف، ص ۲۶.

۲. لمعات الحسین، ص ۵۲؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۱؛ مناقب، ج ۴، ص ۶۸.

۳. لهوف، ص ۹۷؛ مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۷؛ امیر الاحزان، ص ۵۴.

را بر پستی و ذلت ترجیح داد؛ ابو عبدالله حسین بن علی علیه السلام است که به او و یارانش امان داده شد؛ اما از آنجا که نمی خواست تن به ذلت دهد و نیز بیم آن داشت که ابن زیاد اگر هم او را نکشد، به نوعی خوار و ذلیلش سازد، مرگ را بر چنین زندگی ترجیح داد.<sup>۱</sup>

به بیان ابونصر نباته:

الحسین الذی رأى الموت فى العز حیاة والعیش فى الذل قتلاً

حسین، همان کسی است که مرگ با عزت را زندگی می دید و زندگی با ذلت را، مرگ و کشته شدن می یافت.<sup>۲</sup>

شهید مطهری می نویسد:

«چه در وقتی که امام در مدینه بود و چه در مکه و چه در بین راه و چه در کربلا، آنها از امام فقط یک امتیاز می خواستند و اگر آن یک امتیاز را امام به آنها می داد، نه تنها کاری به کارش نداشتند، انعام ها هم می کردند؛ اما امام هم همه آن رنج ها را تحمل کرد، تن به شهادت خود و کسانی داد که همان یک امتیاز را ندهد و آن امتیاز فروختن رأی و عقیده (بیعت با یزید) بود. اگر امام یک رأی غیر وجدانی و غیر مشروع می داد، شهید نمی شد؛ لذا شهید شد که راه و عقیده خودش را

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۲۴۹ و ۲۵۰.

۲. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۶۸.

ن فروخته باشد».<sup>۱</sup>

حضرت آیت الله خامنه‌ای درباره امام حسین علیه السلام فرمود:  
 «حسین بن علی، مظهر عزت راستین و نمودار کامل  
 افتخار حقیقی است».<sup>۲</sup>

این نهایت عزت و سربلندی است که به قول علامه جعفری:  
 «امام حسین علیه السلام نه تنها محمد بن حنفیه؛ بلکه هیچ کس  
 را برای حرکتی که در پیش داشت، مجبور نفرمود».<sup>۳</sup>

#### ۱-۶. صاحب شجاعت و پایداری

«شجاعت»، یک ارزش والای انسانی است و در وجود گرامی حضرت حسین علیه السلام به گونه‌ای تجلی یافت که به راستی راز و رمز جاودانه شجاعت و شهامت برای عصرها و نسل‌ها شد. برای مبارزه در مقابل گروه باطل (ظلم و فساد و نفاق)، باید شجاع و با شهامت بود و از این جرثومه‌های تباهی و جنود شیطانی، ترس و خوف به خود راه داد. شهامت و دلاوری در زندگی او، به صورتی جلوه‌گر شد که در زندگی هیچ قهرمانی از قهرمانان، ظهور نکرد و برای او به گونه‌ای پیش آمد که برای کسی حتی پدر گران قدرش - که خداوندگار

۱. حماسه حسینی، ج ۳، ص ۷۱.

۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴ فروردین ۸۱، ش ۶۵۹۵.

۳. امام حسین شهید فرهنگ بشر و انسانیت، ص ۱۲۱.



شهامت‌ها و شجاعت‌ها بود - آن شرایط استثنایی پیش نیامد.  
طبق روایات «حسین علیه السلام شجاعت نیای بزرگش را به ارث برده بود»؛ به همین جهت شهامت و شجاعتی در روز عاشورا از او تبلور یافت که به حق سمبل و نمونه شد.

این بدان معنا نیست که از پدر گران مایه اش علی علیه السلام شجاع تر بود؛ بلکه برای تجلی شجاعت او، شرایطی فراهم شد که برای پدرش نه اتفاق افتاد و نه برای دیگر قهرمانان و شجاعان پرآوازه روزگار. حرّ در برخورد با امام حسین علیه السلام و انجام مأموریت خویش، آن حضرت را تهدید به جنگ کرد؛ امام بر آشفت و فرمود: «فبالموت تخوفنی و هل یعدو بکم الخطب ان تقتلوننی؟»<sup>۱</sup> «مرا به مرگ تهدید می‌کنید؟ و آیا غیر از کشتن من کار دیگری از دستتان برمی آید».

و در ادامه خواند:

سأ مضی و ما بالموت عار علی الفتی اذا ما نوى حقاً و جاهد مسلماً<sup>۲</sup>  
من به سوی مرگ می‌روم که مرگ برای جوانمرد ننگ نیست. آن  
گاه که اعتقاد به اسلام داشته، هدف او حق باشد.  
پیش از آن نیز، در برابر تهدیدات مروان فرموده بود: «یا ابن

۱. فضایل و سیره امام حسین، ص ۲۳۲ و ۲۰۲.

۲. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۸۱ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۷.

۳. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۷؛ انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۷۱.

الزرقاء تقتلنی انت الذی کذبت و ائمت»؛<sup>۱</sup> «ای فرزند بدکاره! آیا تو مرا می‌کشی! دروغ گفتی و گناه کردی».

امام حسین علیه السلام، هم در صحنه سیاست و اجتماع و هم در صحنه جنگ و رزم، دلیرمرد و دلاوری بی‌نظیر بود. در مجلس ولید (حاکم مدینه)، با قدرت و شجاعت به تهدیدهای مروان پاسخ گفت و از تهدید به مرگ نهراسید و ثابت کرد که در هیچ حالی نباید از طاغوت و طاغوتیان ترسید.

او در میدان نبرد، سلحشوری بی‌نظیر بود؛ چنان که در موردش نوشته‌اند: همواره می‌جنگید تا تعداد زیادی از دشمن کشته می‌شدند و عده‌ای مجروح می‌گشتند.

عمر بن سعد (فرمانده سپاه دشمن)، به لشکریان خود گفت: وای بر شما! می‌دانید با چه کسی می‌جنگید... این فرزند جنگاور عرب است؟

از همه طرف به او حمله کنید. در این حال چهارهزار نفر به طرف حضرت تیراندازی کردند...<sup>۲</sup>

عبدالله بن عمار در مورد شجاعت و دلیرمردی امام حسین علیه السلام می‌گوید:  
«من هرگز محاصره شده‌ای را شجاع تر و استوارتر از او

۱. روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۷۱.

۲. موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۳-۵.

ندیدم؛ با اینکه فرزندان، یاران و مردان خاندان او در یک پیکار نابرابر به شهادت رسیده بودند، خود همچنان شهادت مندانه با قوت قلب و ثبات قدم در برابر امواج جاهلیت ایستاده بود. به تنهایی به ده‌ها هزار تن نیروی دشمن، یورش قهرمانانه می‌برد و آنان از برابرش بسان ملخ‌های پراکنده و از هم گسیخته<sup>۱</sup> فرار می‌کردند.

یورش قهرمانانه یک پیکارگر بر ده‌ها هزار نفر، از قوت قلب، سرچشمه می‌گیرد و از شجاعت وصف ناپذیر حکایت می‌کند که فراتر از صولتی است که هزیمت و پراکندگی ملخ‌وار دشمن زبون را باعث می‌شود.<sup>۲</sup>

آن حضرت شجاعت را، با شهامت، مقاومت، پایداری و استقامت همراه کرده و همراهان خود را نیز به این امر سوق داده بود. امام حسین علیه السلام آزادمردی بود که تا آخرین قطره، خون خود را فدای راه حق کرد، فرزندان و اهل بیت خود را در راه حق داد و یاران صدیق و دوست داشتنی خویش را به مذبح برد.

او راضی بود که در راه حق، خانواده اش (زنان و کودکانش)، اسیر شوند؛ چرا که دین خدا، یاری می‌طلبید و این خون‌ها اسلام را زنده

۱. رک: بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۵۰؛ تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۵۲.

۲. ویژگی‌های امام حسین علیه السلام، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.

می‌کرد، یعنی، خداوند دوست داشت، آنها را این گونه ببینند.<sup>۱</sup>  
 امام حسین علیه السلام یاران خود را چنین مخاطب قرار می‌داد: «ایها  
 الناس، فمن كان منكم يصبر على حد السيف و طعن الاسنة فليقم معنا و الا  
 فينصرف عنا»؛<sup>۲</sup> «ای مردم! هر یک از شما که می‌تواند بر تیزی  
 شمشیر و ضربات نیزه‌ها پایداری کند، با ما همراه شود و گرنه از ما  
 جدا گردد».

امام در دعوت یاران خود به شهادت طلبی می‌فرمود: «قوموا ايها  
 الكرام الى الموت الذي لا بد منه...»؛<sup>۳</sup> «برخیزید ای بزرگ منش‌ها!  
 برخیزید به سوی مرگ که چاره‌ای از آن نیست...» و نیز: «ان الله  
 تعالى اذن في قتلکم وقتلى في هذا اليوم فعليکم بالصبر و القتال... صبراً يا  
 بني الكرام...»؛<sup>۴</sup> «خداوند متعال چنین مقدر کرده و اجازه داده که  
 همه ما امروز [در راه معشوق] کشته شویم. بنابراین پایداری باشید و  
 با دشمن بجنگید... ای بزرگ زادگان، صبور و مقاوم باشید».

همچنین فرمود: «والله لارجو ان يكون خيراً ما اراد الله بنا قتلنا ام  
 ظفرنا»؛<sup>۵</sup> «به خدا سوگند! ایمان دارم که هر آنچه خداوند برای ما

۱. ر. ک: موسوعة کلمات الامام الحسين، ص ۳۲۹.

۲. ينابيع المودة، ص ۴۰۶.

۳. سخنان حسين بن علي عليه السلام، ص ۲۷۰.

۴. همان، ص ۲۲۶؛ اثبات الوصية، ص ۱۳۲.

۵. موسوعة کلمات الامام الحسين، ص ۳۶۲.

اراده کند، خیر است؛ مرگ باشد یا پیروزی».

محمد علی جناح، مؤسس پاکستان، می گوید:

«هیچ نمونه‌ای از شجاعت، بهتر از آنکه امام حسین علیه السلام از لحاظ فداکاری و تهوّر نشان داد، در عالم پیدا نمی‌شود. به عقیده من تمام مسلمانان باید از سرمشق این شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربانی کرد، پیروی نمایند».<sup>۱</sup>

یکی از نویسندگان و مورخان آمریکایی (واشنگتن ایروینگ) می‌نویسد:

«برای امام حسین علیه السلام ممکن بود که زندگی خود را با تسلیم شدن به اراده یزید نجات بخشد؛ لیکن مسئولیت پیشوا و نهضت بخش اسلام، اجازه نمی‌داد که او یزید را به عنوان خلیفه به رسمیت بشناسد؛ لذا به زودی خود را برای قبول هر فشار و ناراحتی، به منظور رها ساختن اسلام از چنگال بنی‌امیه، آماده ساخت».<sup>۲</sup>

### ۷-۱. شهادت طلب و ایثارگر

امام حسین علیه السلام و یاران پاکبازش، شهیدان راه خدا و ایثارگران و جان نثاران راه حق و حقیقت‌اند. «شهادت» در روز عاشورا ظهور و

۱. مجله نوردانش، شماره ۳، ص ۹۶؛ فرهنگ عاشورا، ص ۲۷۹.

۲. فرهنگ عاشورا، ص ۲۸۰.

جلوهای ویژه یافت و صلابت و اقتدار گروه حق را نشان داد. اگر انسانی با فرهنگ شهادت آشنا شود و با شهادت طلبی در راه حاکمیت ارزش‌های الهی گام بردارد؛ دیگر هرگز نمی‌ترسد، تهدید نمی‌شود و در مقابل دشمن جرار، شکست نمی‌خورد. هرگز تن به ذلت نمی‌دهد، برده کسی نمی‌گردد؛ بلکه آزاد شده، آزادانه زندگی می‌کند. هر کس بخواهد بر دشمن غلبه کند و خصم را رسوا و ریشه‌کن سازد، باید با شهادت طلبی وارد میدان مبارزه شود که برای پیروزی، راهی جز شهادت طلبی باقی نمانده است.

آن حضرت در سخنرانی افشاگرانه خود در مکه فرمود: هر کس می‌خواهد در راه ما شهید شود، صبحگاهان با ما حرکت کند. در موارد فراوان آشکارا می‌فرمود: «کائی باوصالی تتقطعها عسلان الفلوات بین النواویس و کربلاء»؛ «گویا می‌بینم که گرگان بنی‌امیه، پیکر مرا در اطراف فرات دریده اند».

امام آگاهانه و عاشقانه در راهی گام نهاد که می‌دانست نتیجه‌ای جز شهادت و کشته شدن ندارد؛ اما برای یاری جبهه حق، احیای آرمان‌های دینی، حفظ اسلام و ریشه‌کنی ظلم و ستم، آن را ضروری و مهم می‌دانست.

سید بن طاووس می‌نویسد: وقتی که محمد بن حنفیه از امام

پرسید: چرا با این عجله از مکه خارج می‌شوی، آن حضرت فرمود:  
 «اتانی رسول الله بعد ما فارقتک فقال: یا حسین! أخرج فان الله قد شاء ان  
 یراک قتیلاً»<sup>۱</sup> «ای حسین! خارج شو، همانا خداوند می‌خواهد تو را  
 کشته شده ببیند».

و نیز فرمود: «من کان باذلاً فینا مهجته و موطناً علی لقاء الله نفسه  
 فلیرحل معنا فانی راحل مصباحاً ان شاء الله»<sup>۲</sup> «هر کس می‌خواهد در راه  
 ما و با ما، جانش را نثار کند و خود را برای لقای الهی آماده کرده با  
 ما بیاید که من سپیده دم حرکت می‌کنم».

این ندای جاودانه امام حسین علیه السلام است که مرگ در راه خدا راه  
 سعادت و نیک نامی دانسته، آن را با آغوش باز می‌پذیرد «...إنی لا  
 اری الموت الاسعاده و الحیة مع الظالمین الا برما»<sup>۳</sup> «...من مرگ را جز  
 سعادت و خوشبختی و زندگی با ستمکاران را جز اسارت و بدبختی  
 نمی‌بینم».

یکی از رجزهای امام در روز عاشورا این بود:

الموت اولی من رکوب العار و العار اولی من دخول النار<sup>۴</sup>

مرگ بهتر از ننگ و عار است و ننگ، بهتر از داخل شدن در

۱. لهوف، ص ۶۳؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۴.

۲. لهوف، ص ۶۰؛ مشیر الاحزان، ص ۴۱.

۳. المناقب، ج ۴، ص ۶۸؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۲.

۴. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵۰؛ المناقب، ج ۴، ص ۱۱۰.

آتش است. از دیدگاه امام حسین علیه السلام مرگ برای احیای حق و شهادت در راه حق طلبی، رسیدن به عزت و سرافرازی است: «ما اھون الموت علی سبیل نیل العز و احیاء الحق»؛ «مرگ در راه عزت و سربلندی و احیای حق، چه قدر آسان و دل پذیر است».

امام حسین علیه السلام به فرستاده ابن زیاد - که او را دعوت به بیعت کرده بود - فرمود: «لا اجیب ابن زیاد بذلک ابدأ فهل هو الا الموت مرحباً به»؛ «هیچ وقت پاسخ [مثبتی] به ابن زیاد نخواهم داد؛ آیا نتیجه آن چیزی جز مرگ است؛ پسر مرحبا به مرگ».

در اینجا امام حسین علیه السلام به مرگ «مرحبا» و «به به» می گوید؛ یعنی، استقبال عاشقانه از شهادت در راه خدا؛ چنان که در ملاقات با حرّ نیز فرمود: «مرحبا بالقتل فی سبیل الله».<sup>۲</sup>

به همین جهت در دعایش می گفت: «... امیدوارم که در برابر خواری شما، خداوند کرامت شهادت به من عطا کند و از راهی که گمان نمی برید، انتقام مرا از شما بگیرد»؛ و نیز می فرمود:

«ای خدای من! ای بزرگ من! دوست دارم که هفتاد هزار بار در راه اطاعت و محبت تو کشته شوم و زنده گردم؛ به خصوص آن گاه

۱. موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۳۶۰.

۲. موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۳۸۲.

۳. همان، ص ۳۶۰.

۴. فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۳۰۶.



که کشته شدن من، عامل پیروزی دین تو و زنده شدن فرمان تو و محفوظ ماندن شریعت تو باشد...»!

هلال بن نافع می گوید:

«من در نزدیکی امام حسین علیه السلام ایستاده بودم که او جان می داد. سوگند به خدا که من در تمام مدت عمرم، هیچ کشته‌ای ندیدم که تمام پیکرش به خون خود آغشته باشد و چون حسین علیه السلام صورتش نیکو و چهره اش نورانی باشد. به خدا سوگند لمعات نور چهره او، مرا از تفکر در کشتن او باز می داشت!»<sup>۱</sup>

امام حسین علیه السلام در آن حالت‌های سخت، چشمان خود را به آسمان بلند نموده، در دعا به درگاه حضرت حدیث عرض کرد: «صبراً علی قضائک یا رب لا اله سواک یا غیاث المستغیثین»<sup>۲</sup>؛ «شکیبا هستم بر تقدیرت و بر فرمان جاری توای پروردگار من! معبودی جز تو نیستای پناه پناه آورندگان!»

وقتی امام حسین علیه السلام را با تیر زدند، کف دست خود را از خون خویش پر کرد و بر سرو روی خویش ریخت و فرمود: [می خواهم]

۱. همان، ص ۲۷۰.

۲. مقتل مقرر، ص ۳۲۹ و ۳۳۰؛ لمعات الحسین، ص ۹۲.

۳. مقتل مقرر، ص ۳۳۱؛ اسرار الشهادة، ص ۴۲۳.

خدا را این گونه آغشته به خون ملاقات کنم».<sup>۱</sup>

همه اصحاب و یاران حضرت نیز مانند آن بزرگوار عاشقانه و آگاهانه به استقبال شهادت شتافتند و صحنه‌های بدیعی از حماسه و عرفان آفریدند؛ شجاعان رشیدی چون: ابوالفضل العباس، علی اکبر، قاسم بن حسن، حبیب بن مظاهر و... به عنوان نمونه در شب عاشورا مسلم بن عوسجه گفت:

«سوگند به خدا، اگر بدانم که کشته می‌شوم، سپس زنده گشته، باز کشته می‌شوم و آن گاه مرا بسوزانند و خاکسترم را بر باد دهند و هفتاد بار با من چنین کنند تا در کنار تو جان دهم، هرگز از تو جدا نمی‌شوم».<sup>۲</sup>

زهیر بن قین نیز در مقابل تهدید شمر گفت:

«آیا مرا از مرگ می‌ترسانی؟ به خدا سوگند، مرگ برای من، ارزشمندتر از زیستن با شما است».<sup>۳</sup>

۱. لهوف، ص ۱۲۴، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۵۴.

۲. ارشاد مفید، ص ۳۱۵.

۳. تاریخ طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۰.

## دو. مظاهر و تجلیات قیام مهدوی

یکی از پیوندها و اشتراکات نهضت حسینی و انقلاب مهدوی، همسانی و همگونگی مظاهر و جلوه‌های حماسی - عرفانی آن دو است؛ یعنی، این دو قیام، مظهر اتم و اکمل خدا محوری، حق خواهی، قیام به حق، عزت مندی، اقتدار و ظفر مندی است. پیروزی از آن هر دو است؛ چه اینکه نهضت خونین عاشورا، پیروزی واقعی را از آن خود کرد و پس از مدتی طومار امویان را در هم پیچید و جان‌ها و دل‌های آزادگان را حرارت و روشنی بخشید. قیام مهدوی نیز در تمام ابعاد و محورهای انقلاب، پیروز و غالب خواهد بود و با شکست و نابودی تمامی دشمنان حق و اعداء الله، زیبایی‌ها، فضیلت‌ها، نیکی‌ها، خوشی‌ها و... را تحقق خواهد بخشید.

امام مهدی علیه السلام مظهر اتم اسمای الهی و خاتم الاوصیاء است و همه فضایل و ویژگی‌های پیامبران و صالحان در او بروز و ظهور می‌یابد. نتیجه و ثمره برنامه‌ها و آرمان‌های انبیا و اوصیا، در عصر او

و به دست او ظاهر می‌شود. او ذخیره و بقیه الله بر روی زمین و میراث دار رسولان و امامان است. او در هم شکننده صولت و قدرت جباران و گردن‌کشان و نابود کننده دشمنان خدا و ستمگران و جنود شیطان است.

عصر ظهور و حاکمیت امام مهدی علیه السلام عصر ایمان، نورانیت، عدالت، عقلانیت، حقیقت و عبودیت است و دوران او، دوران ظهور مهر و قهر الهی به نحو کامل است. قهر و غضب خداوند بر دشمنان و مهر او به مستضعفان و صالحان، در وجود مبارک امام علیه السلام جلوه‌گر است. جامعه جهانی در آن زمان، جامعه‌ای است که غرق در فساد و تباهی است؛ ظلم و ستم بیداد می‌کند و طاغوتیان و شریران بر جان و مال مردم مسلط می‌شوند. اخلاق رذیله و رفتارهای گناه‌آلود شیوع یافته و تبعیض و ناامنی، خونریزی و... جهان را فرا می‌گیرد. عدالت و معنویت کم فروغ گشته و ظلمت و جهالت مدرن گسترش می‌یابد و....

رفع همه این کاستی‌ها و مشکلات و اصلاح امور، نیاز به یک دگرگونی واقعی در روحیات و اخلاق مردم و انقلاب توفنده علیه صاحبان زر و زور و تزویر (گروه باطل) دارد.

تا انقلابی در دل‌ها و قیامی علیه شرّها، صورت نگیرد، مشکلات بشر باقی خواهد ماند و او رنگ آرامش، آسایش و تعالی را نخواهد

دید. اما با لطف و عنایات الهی و قیام فراگیر و گسترده حضرت مهدی علیه السلام و اقدامات تبلیغی و هدایتی او، انسان‌ها به رشد فکری و اخلاقی خواهند رسید و تمامی موانع شکوفایی و بالندگی روحی و مادی آنان، از بین خواهد رفت.

برای قیام علیه همه شرور و مفسد و انقلاب علیه همه مفسدان و جباران، باید قاطع، توانا، مقتدر و با صلابت بود و برای اصلاح جامعه انسانی و تغییر رفتارها و پندارها نیز باید مهرورز و با عطوفت بود و با اقدامات فرهنگی و تبلیغی و تربیت و تعلیم، بر دل‌ها حکومت کرد. این امر در عصر ظهور، به طور کامل بروز یافته و جامعه آرمانی اسلام شکل خواهد گرفت.

قیام مهدوی، در امتداد نهضت عاشورا و جلوه کامل و گسترده‌ای از آن خواهد بود؛ از این رو دارای تجلیات و مظاهر حماسی - عرفانی مشترکی با آن است.

حضرت مهدی علیه السلام حجت خدا، خاتم اوصیا، رهایی بخش امت، مهدی منتظر، باعث، وارث، خلف صالح، قائم به حق، مظهر دین، دادگستر، بقیه الله، صاحب الزمان، صاحب شمشیر، امام منتظر و برپادارنده حکومت عدل الهی و... است.<sup>۱</sup>

۱. رک: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۵۶ و ۳۰۹؛ منتخب الاثر، ص ۲۵۶ و ۳۴۵.

او یکتا مظهر و مصداق این اسامی و القاب شریف است و هرگز احدی در اینها با او شریک نیست. او ثمره مقدس شجره نبوت، عصاره دودمان امامت، خلف شایسته محمد ﷺ و علی ﷑ است. پرچم حق به دست با کفایت او است که هر کس به او چنگ زند، نجات می‌یابد و هر کس تخلف کند، هلاک می‌شود...<sup>۱</sup> «پایان تاریخ» شاهد ظهور و بروز این اوصاف و ویژگی‌ها است.

این مظاهر و تجلیات را می‌توان بر اساس اوصاف و ویژگی‌هایی که برای امام مهدی ﷑ بر شمرده شده، تبیین و بررسی کرد. امام رضا ﷑ در یک حدیث طولانی، حضرت مهدی ﷑ را چنین توصیف می‌کند: «... یكون اعلم الناس و احکم الناس و اتقى الناس و احلم الناس و اسخى الناس و اعبد الناس... تكون رائحتها طيب من رائحة المسك و يكون دعاؤه مستجاباً حتى انه دعا على صخرة لانشقت بنصفين»؛<sup>۲</sup> «او داناترین مردمان، حکیم‌ترین آنان، پرهیزگارترین ایشان، بردبارترین مردمان، سخی‌ترین آنان و عابدترین همگان است. عطر وجودش از هر مشکی خوشبوتر است. دعایش همواره به اجابت می‌رسد. اگر در مورد سنگی دعا کند، از وسط به دو نیم می‌شود...».

البته از آنجایی که ظهور و قیام حضرت مهدی ﷑ ابعاد جهانی و

۱. ر. ک: یوم الاخلاص، ج ۱، ص ۰۹؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱؛ الغیبه طوسی، ص ۱۶۴.

۲. الزام الناصب ص ۹؛ یوم الاخلاص، ج ۱، ص ۱۳۲.

گسترده‌تری دارد؛ ویژگی‌ها و ظهورات خاصی هم خواهد داشت و جلوه‌های حماسی و عرفانی آن، کامل‌تر و عام‌تر خواهد بود. در نهایت باید دانست که مصاف نهایی حق و باطل، بایسته‌ها و الزامات خاص خود را دارد و برای پیروزی در آن، نیاز به امکانات و توانایی‌ها و قدرت ویژه و فراوانی هست. نتیجه و ثمره پیروزی در آن نیز، بسیار گسترده و فراگیر بوده و جلوه‌ها و ظهورات کامل‌تر و درخشان‌تری دارد.

ابعاد حماسی - عرفانی این مظاهر و ویژگی‌ها، در امتداد ظهورات و زیبایی‌های عاشورا است و وجود آنها به طور اتم و اکمل برای غلبه و چیرگی حق بر باطل و نور بر ظلمت، بایسته و ضروری است. در اینجا به بعضی از این اوصاف و ویژگی‌ها اشاره می‌شود:

## ۱-۲. قائم بامر الله

یکی از ابعاد مهم و برجسته قیام مهدوی، الهی بودن آن و تحقق و ظهور کامل عبودیت و حاکمیت آیین یکتا پرستی در آن است. حضرت مهدی علیه السلام بقیه الله، وجه الله، ولی الله، خلیفه الله، عین الله، حجة الله، الخاشع لله و القائم بامر الله است؛ یعنی، وجود آن حضرت دارای چند بعد عرفانی و اخلاقی برجسته و آشکار است:

الف. ارتباط و پیوند ویژه با باری تعالی؛

ب. مجلا و مظهر کامل اسماء الله؛

ج. احیاگر و بر پا دارنده دستورات الهی و تعالیم دینی؛

د. تحقق بخش عبودیت و یکتا پرستی.

بر اساس این اشاره، حضرت مهدی علیه السلام، مظهر نورانیت جهان و زداینده ظلمت و شیطننت است؛ یعنی، ریشه کنی تمامی نمودهای باطل بر اساس خداگرایی و خدا محوری. در روایات به زیبایی این مسئله مورد توجه قرار گرفته است:

«مهدی علیه السلام در برابر خداوند و جلال الهی، بسیار فروتن است؛ همچون عقاب، به هنگامی که بال خویش فروگشاید (خاشع لله کخشوع النسر لجناحه) و سر به زیر انداخته از اوج آسمان فرود آید. مهدی علیه السلام در برابر جلال خداوند، چنان خاشع و قروتن است که شیشه در برابر آتش خضوع دارد (المهدی خاشع لله کخشوع الزجاجه)<sup>۱</sup>. خدا و عظمت او در وجود او متجلی است و همه هستی او را در خود فرو برده است.<sup>۲</sup>

مهدی علیه السلام عادل است و خجسته و پاکیزه. او ذره‌ای از حق را فرونگذارد. خداوند دین اسلام را به دست او عزیز گرداند... همواره بیم خداوند را به دل دارد و به مقام تقرّبی که در نزد خدا دارد،

۱. الملاحم و الفتن، ص ۵۸؛ الامام المهدی، ص ۹۷.

۲. المهدی، ص ۲۶۶؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۴۷.

۳. المهدی الموعود، ج ۱ ص ۲۸۱ و ۳۰۰.



مغرور نمی‌شود!

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «یکون اولی بالناس من انفسهم و اشفق علیهم من آبائهم و امهاتهم و یکون اشد الناس تواضعا لله و یکون اخذ الناس بما یأمر به و اکف الناس عما ینهی عنه»؛<sup>۱</sup> «او برای مردم از خودشان اولی‌تر، از پدر و مادر شان مهربان‌تر و در برابر خدا از همه متواضع‌تر است. آنچه به مردم فرمان دهد، خود بیش از دیگران به آن عمل می‌کند و آنچه مردم را از آن نهی کند، خود بیشتر از همگان از آن پرهیز می‌کند».

مهدی ظهور کرده، عدالت به پا شده است	می‌بینم آنکه کاخ سعادت بنا شده است
و آن زخم‌های کهنهٔ عالم دوا شده است	می‌بینمش که آمده است، آن طیب عشق
آنجا بشر به عشق خدا آشنا شده است	می‌بینم آن زمان، که زمان عدالت است
دیگر زمان، زمانهٔ بی‌رنگ‌ها شده است	یک‌رنگی و صفا، همه جا موج می‌زند
کز خرّمی جهان بشر با صفا شده است	می‌بینم آن زمان همیشه بهار را
وقت صداقت و عمل بی‌ریا شده است	فکر گناه و کبر و ریا رفته از میان

امام کاظم علیه السلام در باره او می‌فرماید:

«...بأبی من لا یأخذه والله لومة لائم، مصباح الدجی بأبی القائم بأمر الله»<sup>۲</sup>؛ «... پدرم فدای کسی که در راه خدا سرزنش ملامت گران در

۱. خورشید مغرب، ص ۳۰.

۲. الزام الناصب، ص ۱۰؛ یوم الخلاص، ج ۱، ص ۱۲۹.

۳. بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۸۰.

او تأثیر نمی‌گذارد. او چراغ هدایت در تاریکی‌های مطلق است. پدرم فدای کسی که به امر خدا قیام می‌کند (بأبی القائم بأمر الله). او ماه تابانی است که بر سراسر گیتی غلبه می‌کند و کلمه توحید را در سراسر جهان کامل و حاکم می‌سازد (تمت کلمة الاخلاص لله علی التوحید<sup>۱</sup>). هنگامی که قیام می‌کند، جز خدای تبارک و تعالی پرستیده نمی‌شود (اذا قام القائم، لم یعبدا الا الله عز و جل<sup>۲</sup>). در زمان او امر خداوند برتری داده شده و دین خدا ظاهر می‌گردد (یعلی امر الله و یظهر دین الله)؛ به همین جهت آن حضرت نماد و مظهر کامل دین‌خواهی و بر پادارنده شریعت است (هو القائم بالحق و المظهر للدين<sup>۳</sup>). به یقین با ظهور نور خداوند بر روی زمین (تشرق الارض بنور ربها<sup>۴</sup>)، تمامی مظاهر و جلوه‌های شرک، کفر، نفاق، فساد، ظلمت و... به دست حضرت مهدی علیه السلام بر چیده خواهد شد.

## ۲-۲. عزیز و آزاد مردم

همان گونه امام حسین علیه السلام مظهر عزت و افتخار بود و زیر بار بیعت و سازش با طاغوت زمان نرفت، امام مهدی علیه السلام نیز در اوج عزت و

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۶۸؛ کفایة الاثر، ص ۲۱۳.

۲. منتخب الاثر، ص ۵۸۷، ج ۲.

۳. همان، ص ۴۶۷؛ اعلام الوری، ص ۴۰۰.

۴. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۵، ح ۳۱؛ اعلام الوری، ص ۳۹۱.

سربلندی زندگی می کند و جلوه گاه تام و تمام افتخار و عزت مندی است؛ به طوری که در هیچ وقت و برهه ای، بیعت هیچ ستمگر و ظالمی را بر عهده ندارد و آزاد و سرافراز از همه قید و بندها است. براساس روایات فراوان، قائم علیه السلام قیام می کند، در حالی که بیعت هیچ کس بر عهده او نخواهد بود (يقوم القائم و ليس في عنقه بيعة لأحد).

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «يقوم القائم علیه السلام و ليس لأحد في عنقه عقد ولا عهد ولا بيعة»؛<sup>۱</sup> «قائم زمانی که قیام کند، بیعت، پیمان و عهد هیچ کس را بر گردن ندارد».

امام حسن مجتبی علیه السلام فرموده است: «اما انه ما منا احد الا و يقع في عنقه بيعة لطاغية زمانه الا القائم»؛<sup>۲</sup> «هر یک از ما [مطابق حکمت خدا] در گردنش برای طاغوت زمانش بیعتی هست، به جز قائم علیه السلام».

رهبر و امامی که وظیفه مبارزه نهایی با گروه باطل و نابودی طاغیان و جباران را بر عهده دارد، از هر قید و بندی آزاد است و هیچ گردنکش و ستمگری بر او امر و نهی نمی کند و تسلط ندارد. چنین امامی بر اوضاع و احوال زمانها آگاه است و در اوج عزت و حریت زندگی می کند. بعد از قیام خود نیز این عزت و آزادگی را به

۱. منتخب الاثر، ص ۳۵۷، ج ۱.

۲. همان، ج ۲؛ الغيبة نعمانی، ص ۸۹ و ۱۰۰.

۳. احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۹؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۵.

همه ارزانی خواهد داشت و دشمنان حق را ذلیل خواهد کرد. خود آن حضرت در توفیق شریف می‌نویسد: «أني أخرج حين أخرج و لا بيعة لأحد الطوغيت في عنقي»؛ «من وقتی که قیام می‌کنم، بیعت هیچ یک از طاغوت‌های زمانه در گردنم نیست».

آن حضرت نه تنها، زیر بار بیعت هیچ حکومت ظالمانه و جابرانه‌ای نرفته و در اوج عزت و افتخار زندگی می‌کند؛ بلکه خود عزیز کننده اسلام و مسلمین و خوار کننده دشمنان است؛ چنان که در دعای افتتاح از خداوند می‌خواهیم:

«الهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعز بها الاسلام و اهله و تذل بها النفاق و اهله»؛ «خدایا! از تو امید داریم که دولت با کرامت امام زمان را به ظهور آوری و اسلام و اهلش را با آن عزت بخشی و نفاق و اهل آن را ذلیل و خوار گردانی».

در دعای ندبه نیز امام زمان عليه السلام را چنین خطاب می‌کنیم: «این معز الاولياء و مُذلّ الاعداء»؛ «کجاست آن عزت دهنده دوستان و خوار کننده دشمنان».

همچنین می‌گوییم: «این قاصم شوكة المعتدين»؛ «کجاست آن حاکم قدرتمندی که شوکت و عزت تجاوزگران را در هم می‌شکند».

### ۲-۳. جهاد گر و قیام کننده به حق

مرحله سرنوشت ساز حیات طیبه بشری، با حضور و ظهور امام معصوم علیه السلام شروع می شود. در این مرحله امام مهدی علیه السلام از پرده غیبت بیرون می آید و ظهور می کند. او قیام علیه جبهه کفر و باطل را رهبری می کند و با تمام توان و قدرت و با یاری صالحان و حق جویان، به مصاف نهایی با جنود شیطان می رود.

یکی از مباحث قابل توجه درباره قیام حضرت مهدی علیه السلام وقوع آن در روز عاشورا است؛ یعنی، انقلاب مهدوی، نهضتی عاشورایی و حسینی و علیه تمام یزیدیان و طاغوت های زمان است. امام باقر علیه السلام می فرماید: «کأنی بالقائم یوم عاشورا یوم السبت قائماً بین الرکن و المقام و بین یدیه جبرئیل ینادی: البیعة لله فیملأها عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً»؛ «گویا حضرت قائم علیه السلام را می بینم که روز عاشورا روز شنبه بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل پیش روی او ندا می کند: بیعت برای خداوند است. پس زمین را پر از عدل می کند؛ همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود».

جبهه مبارزه و جهاد امام مهدی علیه السلام، همه زمین را در برمی گیرد. از مکه و سرزمین نور و ایمان شروع می شود و با فتح کشورهای غیر اسلامی و غیر مذهبی، پایان می یابد و همه مردم روی زمین را در

برابر اسلام و آیین یکتاپرستی، تسلیم می‌کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لا تقوم الساعة حتی یقوم قائمٌ للحق منا و ذلک حین یأذن الله عزوجل له و من تبعه نجا و من تخلف عنه هلك...»؛ «قیامت برپا نمی‌شود جز هنگامی که قائمی از ما بر حق قیام می‌کند و این هنگامی است که خداوند اذن ظهور می‌دهد. کسی که از او پیروی کند، نجات می‌یابد و کسی که از او تخلف کند، هلاک می‌شود...».

همچنین فرمود: «...و ینادی منادٍ من السماء: ألا إن فلاناً بن فلان هو المهدی قائم آل محمد، فاسمعوا له و اطیعوا و ذلک الصوت صوت جبرائیل حین یدعو للبیعة فی صبیحة یوم الخلاص<sup>۱</sup>»؛ «...منادی از آسمان ندا می‌کند که فلانی پسر فلان، مهدی و قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است. به فرمان او گوش فرا دهید و از او اطاعت کنید. این صدا، ندای جبرئیل خواهد بود که در بامداد روز رهایی، در میان آسمان و زمین این چنین ندا خواهد کرد».

مصلح‌نهایی در این دوره، همه‌موانع رشد و کمال انسان‌ها را با قدرت نابود می‌کند و متناسب با عظمت و بزرگی کار و هدفی که در نظر دارد، مبارزه و جهادی عظیم و گسترده تدارک می‌بیند و چون

۱. عیون الاخبار، ج ۲، ص ۵۹؛ منتخب الاثر، ص ۱۴۳.

۲. کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۰ و ۲۷۷؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۱.

اجرای عدالت اجتماعی دقیق و واقعی و برقراری حاکمیت مستضعفان و قطع دست مستکبران مالی، سیاسی و نظامی و کنار زدن آنان از کلیه مراکز قدرت اجتماعی، کاری بس عظیم و بزرگ است و نابودی تمام منابع قدرت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی را در گام‌های نخست لازم دارد و این چنین انقلابی، به سادگی و بدون کارشکنی‌های بزرگ و مخاطره آمیز و ویرانگر انجام نخواهد یافت. بنابراین تنها با حرکت نظامی و نیروهای بزرگ، می‌توان به مقصد اصلی دست یافت و چون هدف هر چه والاتر و بزرگ‌تر و جهانی‌تر باشد، مبارزه و جهادی بزرگ‌تر و خستگی‌ناپذیرتر لازم دارد و هدف از قیام و انقلاب امام قائم، عظیم‌ترین آرمان و هدفی است که همه پیامبران و مصلحان دلسوز در سر داشتند. از این روز این قیام همراه مبارزه و جهادی عظیم‌تر و خروشان‌تر از همه درگیری‌ها و جهادهای حق‌طلبانه تاریخ خواهد بود!

در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است: «بابی ابن خیرة الاماء - یعنی القائم من ولده - یسومهم خسفاً و یسبقهم بكأس مصبرة و لا یعطیهم الا السیف هرجاً...»؛ «... پدرم فدای فرزند بهترین کنیزان - یعنی امام

۱. عصر زندگی، ص ۶۶

۲. الغیبة نعمانی، ص ۲۲۹؛ بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۳۴۸.

قائم - که ظالمان و بدکاران را خوار و ذلیل خواهد کرد و جام زهر آگین به کامشان خواهد ریخت و با شمشیر، با آنان برخورد خواهد کرد».

به همین جهت امام جواد علیه السلام می گوید: «ما منا الا و هو قائم بامر الله عزوجل و هاد الی دین الله و لكن القائم الذی یطهر الله به الارض من اهل الکفر و الجحود و یملاها عدلاً و قسطاً هو الذی تخفی علی الناس و لادته...»؛ «هیچ کس از خاندان ما نیست، جز اینکه او قیام به امر خدا کرده و به سوی دین الهی هدایت می کند؛ ولی آن قائمی که خداوند زمین را به وسیله او از اهل کفر و انکار پاک و مطهر می گرداند و آن را پر از عدل و قسط می کند، آن کسی است که ولادتش مخفی بوده است...».

## ۲-۴. امام منصور

یکی از ویژگی ها و جلوه های خیره کننده قیام حضرت مهدی علیه السلام، یاری و نصرت خداوندی از آن است. از روایات مختلف استفاده می شود که به هنگام ظهور، رعب و خوف او در دل های سپاه کفر و نفاق می افتد و وقتی آن حضرت قصد جایی را می کند، دشمن پیشاپیش دچار وحشت می شود؛ به صورتی که توانایی ایستادگی و مقاومت در برابر سپاهیان حق را از دست می دهد.



همچنین از مزایا و ویژگی‌های بارز آن حضرت این است که علاوه بر عنایات و تأییدات مستقیم الهی، ملائکه آسمان و فرشتگان نیز به یاری او می‌شتابند و این چیزی است که برای پیامبر اسلام واقع شده؛ ولی برای امامان معصوم و دیگران صورت نگرفته است.

بر این اساس امدادهای الهی، گاهی در قدرتی است که خداوند به حضرت مهدی علیه السلام داده است که با انجام کراماتی، مشکلات را از سر راه برمی‌دارد و یا به وسیله رعب و ترسی است که خداوند در دل دشمن ایجاد می‌کند و یا اینکه خداوند ملائکه را به یاری حضرت می‌فرستد. در بعضی از روایات سخن از نیروهایی است که دارای خصوصیات فرشتگان بوده و منتظر حضرت هستند تا او را یاری کنند و...<sup>۱</sup>

رسول خدا فرموده است: «و ینصره بالرعب فیملأ الارض قسطاً و عدلاً...<sup>۲</sup>»؛ «خداوند او را با رعبی که در دل‌های مخالفان می‌افکند، یاری می‌کند؛ پس زمین را از عدل و داد آکنده می‌سازد...».

امام باقر علیه السلام فرمود: «القائم منا منصور بالرعب مؤید بالنصر تطوی له الارض...<sup>۳</sup>»؛ «قائم ما یاری شده با سپاه ترس و تأیید شده به وسیله نصرت الهی است. زمین برای او در هم پیچیده می‌شود».

۱. ر. ک. آینده جهان، صص ۱۹۲ - ۱۹۴؛ چشم‌اندازی به حکومت مهدی، صص ۱۳۰ و ۱۳۱.

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸.

۳. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳، ج ۱۶.

امام صادق علیه السلام درباره آن حضرت می فرماید: «... یؤیده بثلاثة اجناد: بالملائكة و المؤمنین و الرعب و خروجه كخروج رسول الله...»؛ «[خداوند] او را با سه سپاه تأیید و یاری می کند: فرشتگان، مؤمنان و ترس (رعب در دل دشمنان) و خروج او، مانند خارج شدن پیامبر صلی الله علیه و آله است».

از پیامبر اکرم نقل شده است: «تظهر دین الله ویؤید بنصر الله وینصر بملائكة الله...»؛ «دین خدا را در جهان آشکار می کند. با نصرت و یاری الهی تأیید و با فرشتگان پروردگار پشتیبانی خواهد شد». امام باقر علیه السلام نیز فرمود: «لو قد قام قائم آل محمد لنصره الله بالملائكة»؛ «اگر قائم آل محمد قیام کند، خداوند او را با فرشتگان یاری خواهد فرمود».

همچنین فرمود: «گویی قائم را در نجف کوفه می بینم که با پنج هزار فرشته، از مکه به سوی نجف شتافته، جبرئیل از دست راست و میکائیل از سمت چپ و شعیب بن صالح در پیشاپیش و مؤمنان در اطراف او حرکت می کنند. او سپاهیانش را در شهرها پخش می کند؛ قسطنطنیه، چین و کوه‌های دیلم را فتح می کند...»<sup>۴</sup>.

۴. الغیبه نعمانی، ص ۱۹۸، ج ۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۶، ج ۱۹.

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۰۵ و ۵۰۶.

۳. ارشاد مفید، ص ۳۴۱؛ منتخب الاثر، ص ۳۱۲.

بر این اساس یکی از مظاهر و جلوه‌های قدرت خداوندی، نصرت و یاری ویژه او از خلیفه و حجتش بر روی زمین و در جهت پیروزی و غلبه نهایی بر کفر و شرک و ستم است.

## ۲-۵. قائد عادل

امام مهدی علیه السلام مظهر و مجلای اسم عادل خداوند و ظاهر کننده و آشکار سازنده عدالت، دادگری، قسط و عدل الهی بر روی زمین است. او رهبری عادل (القائد العادل) و گسترش دهنده عدالت (الباسط العدل) است و چنان عدل و دادی از آن حضرت دیده می‌شود که بشر تاکنون مثل آن را ندیده و نشنیده است.

او خود، مظهر و نماد کامل «عدل» است و به دست او گرمی و حرارت عدالت بر دل‌ها، جان‌ها، خانه‌ها، شهرها و فکرها نفوذ می‌کند و جامعه آرمانی اسلام شکل می‌گیرد.

این خصوصیت و ویژگی امام زمان (آکنده ساختن جهان از عدل و داد)، چنان است که گویا از تمام خصایص و مزایای آن حضرت، مشهورتر و نمایان تر است و به مجرد ذکر جمله «یملأ الله الارض قسطا و عدلا...»، فوری برای شنوندگان، امام زمان تداعی می‌شود. شاید رمز آن، کثرت تکرار این مطلب و واژه در اخبار شیعه و سنی است. به طوری که صاحب منتخب الاثر می‌گوید: ۱۴۸ حدیث متضمن این نکته است. در روایت مشهور از نبی اکرم نقل شده است:

«لم تنقض الايام و الليالي حتى يبعث الله رجلا من اهل بيتي يواطى اسمه اسمي يملأ الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً»؛ «روزگار به پایان نمی‌رسد تا اینکه خداوند مردی از خاندان من را - که هم‌نام من است - برمی‌انگیزد؛ او زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ چنان‌که پر از ظلم و جور شده است».

نکته بسیار قابل توجه آنکه این عدل فراگیر و جهانی، مقتضای آن ظلم‌ها و ستم‌های جهانگیر و عمومی است که همه جا را فرا گرفته و کام همه را تلخ ساخته است. روزگاری بر بشر می‌گذرد که ظلم، اجحاف، تعدی و تجاوز به حقوق هم و ناپاکی و نادرستی همه را به ستوه آورده است و همگان در آه و ناله از دست یکدیگرند. چنین وضع آشفته و رنج باری که عمدتاً از ناحیه طاغوتیان، جباران، حاکمان جائر و ستمگر بر مردم تحمیل می‌شود، خود به خود روزگاری را می‌طلبد که عدل و پاکی و تقوا بر سر آن جامعه پرتو اندازد و حلاوت عدل و عدالت کام همه را شیرین بسازد.<sup>۱</sup>

حضرت علی عليه السلام خطاب به فرزند بزرگوارش امام حسین عليه السلام - که در راه تحقق عدالت و معنویت شهید گردید - فرمود: «التاسع من ولدك يا حسين هو القائم بالحق و المظهر للدين و الباسط للعدل...»<sup>۲</sup>؛

۱. الفصول المهمة، ص ۳۰۹.

۱. علی کریمی جهرمی، خصائص الحجج، نشریه شمس ولایت، سال ۸۲، ص ۷۵.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۶۷؛ بشارة الاسلام، ص ۵۲؛ اعلام الوری، ص ۴۰۰.

«نهمین فرزند توای حسین! قائم به حق است. دین را آشکار می‌سازد و عدالت را در روی زمین می‌گستراند». شخصی از امام صادق علیه السلام درباره سلطان عادل پرسید؛ آن حضرت ضمن برشمردن امامان معصوم، به حضرت مهدی علیه السلام اشاره فرمود: «السلطان العادل... هو سلطان بعد السلطان الی ان ینتهی الی السلطان الثانی العشر»<sup>۱</sup>. همچنین درباره آن حضرت آمده است: «القائد العادل الحافظ لما استودع<sup>۲</sup>»؛ «رهبری عادل و نگهبان آنچه که به او امانت داده شده است».

دولت آن حضرت بر رفع ظلم و ستم و حکومت عادلانه استوار است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «اذا قام حکم بالعدل و ارتفع فی ایامه الجور و امنت به السبل...<sup>۳</sup>»؛ «چون مهدی قیام کند، به عدالت داوری می‌کند و در زمان او ستم ریشه کن می‌شود و راه‌ها امن می‌گردد». در روایت بسیار زیبایی آمده است: «اما والله لیدخلن عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحرّ و القرّ»<sup>۴</sup>؛ «بدانید به خدا سوگند! همان طور که سرما و گرما به خانه مردم نفوذ می‌کند، عدالت او به درون خانه‌هایشان راه می‌یابد» و نیز: «یحییها بالقائم فیعدل فیها فیحی الارض

۱. منتخب الاثر، ص ۳۶۵، ج ۱۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۹، ج ۱۵۸.

۳. کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۵؛ ارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴.

۴. الغیبه، نعمانی، ص ۲۹۷، ج ۱؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۴۴، ج ۵۲۹.

بالعدل بعد موتها بالظلم<sup>۱</sup>؛ «خداوند زمین را به واسطه قائم زنده می‌کند؛ پس او در آن عدالت می‌ورزد و در نتیجه زمین با عدالت او حیات می‌یابد، بعد از آنکه با ستم ظالمان مرده بود». همچنین در روایتی آمده است. «فیریکم کیف عدل السیره<sup>۲</sup>؛ «به شما نشان خواهد داد که سیرت عدل و حکومت عادلانه چگونه است».

فردوس ولای تو تماشاگاه گلهاست	تصویر رخ ماه تو، در قاب دل ماست
الطاف کریمانه تو شهد مهناست	سلطان مسیحا نفس کشور عدلی
آیات خداوند زرخسار تو پیدااست	آوازه فضل تو بهین نامه هستی
خورشید کلامت به جهان گوهر یکتاست	انوار نگاه تو، همه صلح و کرامت
فیض نظر تو، به جهان آیه زیباست	زیبنده‌ترین جلوه هستی است وجودت
تسنیم ملاقات تو احیاگر جانهاست	از حسرت دیدار تو اندر تب و تاسیم

## ۲-۶. صاحب قدرت و شجاعت

دو ویژگی و جلوه بارز امام مهدی علیه السلام، «قدرت و توانایی کم نظیر» و «شجاعت و اقتدار منحصر به فرد» است. او قائم بالسیف، صاحب السیف، صاحب رایت محمدی و دارنده صولت علوی است.

حضرت مهدی علیه السلام در برابر گروه باطل و جنود شیطان، با قدرت، اقتدار و شجاعت کامل ظاهر می‌شود و در راه و کار خود، سازش پذیر و خائف نیست. او در اجرای احکام و تعالیم دینی و مبارزه با

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۸ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۴.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

ظالمان و حق گریزان، قاطعیتی شگرف دارد. او مظهر عطوفت، رحمت و مهر الهی است و با بندگان صالح خدا و مظلومان و مستضعفان، با شفقت و دلسوزی رفتار می‌کند؛ در عین حال مظهر خشم و غضب الهی بر فاسدان و ظالمان نیز هست و بدین جهت با دشمنان خدا با شدت و قدرت برخورد می‌کند.

اگر این شدت و اقتدار نباشد، امکان ریشه کنی ظلمت، جهالت، جنایت و رذالت وجود نخواهد داشت و صاحبان زر و زور و تزویر باز میدان‌دار و یکه‌تاز خواهند بود. در احادیث آمده است: «از شمشیر برنده و اراده قاطع امام و یارانش، همه اهریمنان می‌هراسند و ترسی گران بر روان دژخیمان خون آشام سایه می‌افکند و لرزه بر اندام خودکامگان و طاغوتیان می‌افتد». درباره ظهور آن حضرت آمده است: «یظهر صاحب الراية المحمدية والدولة الاحمدية القائم بالسيف و الحال...»؛ «صاحب رایت محمدی و بنیانگذار دولت احمدی ظهور می‌کند؛ در حالی که شمشیر در دست دارد».

امام صادق علیه السلام فرمود: «کلنا قائم بامر الله واحد بعد واحد؛ حتی یجیء صاحب السیف فاذا جاء صاحب السیف جاء بامر غیر الذی کان»؛<sup>۲</sup> «همه ما قائم به امر خداییم، یکی پس از دیگری تا زمانی که صاحب شمشیر

۱. منتخب الاثر، ص ۲۱۰، ج ۵۱؛ ینابیع الموده، ج ۲، ص ۴۸۸.

۲. کافی، ج ۱، ص ۵۳۶، ج ۲؛ بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۸۹.

بیاید. وقتی صاحب شمشیر آمد، امر و دستوری غیر از آنچه هست، می آورد.»

آن حضرت همچنین فرمود: «لو قد قام القائم ما احتاج الی مُسائلتکم عن ذلک و لأقام فی کثیر منکم من اهل النفاق حدّ الله»؛<sup>۱</sup> هنگامی که قائم قیام می کند، نیازی ندارد که از شما درخواست یاری کند و نسبت به بسیاری از منافقان حدّ الهی را جاری می سازد.»

اینها درباره اقتدار و سازش ناپذیری او با مفسدان و تبه کاران است و باید توجه کرد که آن حضرت از نظر قدرت بدنی و شجاعت نیز بی نظیر است. پیشوای ششم می فرماید: «یکون قویا فی بدنه، حتی لو مَدَّ یدَه الی اعظم شجرة علی وجه الارض لقلعها و لو صاح بین الجبال لتدکدکت صخورها»؛<sup>۲</sup> «بدنش آن قدر قوی خواهد بود که اگر دستش را به سوی بزرگ ترین درخت روی زمین دراز کند، آن را از ریشه بیرون می آورد و اگر در میان کوهها نهیب بزند، صخره هایش فرو می ریزد». درباره سپاهیان آن حضرت نیز آمده است: «یخرج بجیش لو استقبل به الجبال لهدمها و اتخذ فیها طریقاً»؛<sup>۳</sup> «با سپاهی حرکت می کند که اگر با کوهها رو به رو شوند، کوهها را در هم می ریزند و از دل کوهها راه بر می گزینند.»

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۳۵؛ التهدیب، ج ۶، ص ۱۷۲.

۲. کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۱۴.

۳. بشارة الاسلام، ص ۱۸۳.



این بدان معنا است که قیام حضرت مهدی و پیروزی او بر دشمنان، نیاز به امکانات و توانایی‌های ویژه‌ای دارد و این امر به راحتی به دست نخواهد آمد.

مفضل بن عمر می‌گوید: در حضور امام صادق علیه السلام شنیدم که از حضرت قائم یاد شد؛ پس عرض کردم: همانا امیدوارم کار ایشان به آسانی صورت پذیرد؛ فرمود: «آن امر صورت نمی‌پذیرد تا اینکه عرق و خون بسته شده را برطرف سازید».

#### ۲-۷. ظلم ستیز و ستم سوز

در قسمت‌های پیشین اشاره شد که یکی از ویژگی‌های برجسته امام مهدی علیه السلام مبارزه بی‌امان او با ظلم و ستم و بیدادگری است. در واقع عصر ظهور، دوران ریشه کنی ظلم و جور و نابودی ستمگران و جباران است.

آن حضرت نه تنها ریشه بیداد را می‌کند؛ بلکه زمینه‌ها و بسترهای آن را نیز از میان برمی‌دارد و جهان را از لوٹ این کژتابی و کج روی پاک می‌سازد. او تمامی حاکمان جائر و ستمگر را برکنار می‌کند و قدرت‌های جور را در هم می‌شکند....

از آنجایی که پیش‌تر در این باره بحث شده، تنها به بعضی از

روایات مربوط اشاره می‌شود. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «الرابع من ولدی ابن سیده الاماء يطهر الله به الارض من كل جور و يقدرسها من كل ظلم...»؛<sup>۱</sup> «چهارمین فرزند من پسر بانوی کنیزان است که خداوند به وسیله او، روی زمین را از هر گونه ظلم و ستم پاک و پاکیزه می‌گرداند».

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «یبید الظلم واهله یقیم الدین»؛<sup>۲</sup> «ستم و ستمگران را ریشه کن می‌سازد و دین را استوار می‌دارد». در روایتی آمده است: «لیعزلن عنکم امراء الجور و لیطهرن الارض من کل غاش»؛<sup>۳</sup> «حکمرانان ستم پیشه را عزل می‌کند و زمین را از هر انسان نیرنگ باز و فریب کار پاک می‌سازد». همچنین: «فاذا اراد الله عزوجل ان یعید الاسلام عزیزاً قصم کل جبار عنید...»؛<sup>۴</sup> «هنگامی که خداوند اراده کند عظمت اسلام را بازگرداند، [به دست مهدی علیه السلام] همه ستمگران سرکش و عنود را هلاک می‌سازد».

## ۲-۸. پاک کننده زمین از شرک، فساد و نفاق

یکی از مشکلات همیشگی بشر - که ناشی از شیطننت و اغواگری

۱. همان، ج ۵۲، ص ۳۲۱؛ منتخب الاثر، ص ۲۲۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴؛ منتخب الاثر، ۴۹۰.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

۴. یوم الخلاص، ج ۲، ص ۸۹۶.

ابلیس است - وجود انواع شرها، رذایل و پلیدی‌های فکری، اخلاقی و عقیدتی است! اینها مبنا و خاستگاه جبهه باطل و زمینه ساز ظلمت، جهالت و دنائت است. ظهور و بروز این مشکلات در عصر امام حسین علیه السلام باعث انحراف در دین، بدعت، دنیاگرایی و خلافت فاسقان و بداندیشان بود که آن حضرت با قیام خونین خود، توانست تا حدی اسلام و جامعه مسلمین را از خطرات آن مصون نگه دارد. اما در عصر ظهور و قبل از آن، مشکلات یاد شده گسترده تر، شدیدتر و خطرناک تر خواهد بود و تا زمانی که از اساس و ریشه از بین نروند، جامعه بشری همچنان در تاریکی، فساد و رذالت خواهد ماند.

اینها نموده‌های واقعی جبهه باطل و در جهت تحقق حاکمیت شیطان است و تا زمانی که از بین نروند، امکان اصلاح جامعه، احیای دل‌ها! نجات بشر و گسترش فضیلت‌ها وجود نخواهد داشت؛ به همین جهت است که امام مهدی علیه السلام ریشه تمامی شرور و مفسد را برخواهد کند و اهل نفاق و شرک و فتنه را سرکوب خواهد ساخت. در روایات حضرت مهدی علیه السلام با عناوینی چون: کشنده فاجران (قاتل الفجرة) و از بین برنده کافران (قاتل الکفرة) و... معرفی شده است: «اوامیر امیران، قاتل تبه‌کاران، آقای دو جهان و... است»<sup>۱</sup>.

آن حضرت هر کجا منکری را ببیند، آن را انکار می‌کند (لایری

۱. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۱۲.

منکر الا انکره) و هر کجا شرکی ببیند، ریشه کن می‌سازد (حتی لا یكون شرک علی ظهر الارض). شر از جهان رخت برمی‌بندد (یذهب الشر) و خیر باقی می‌ماند (یبقى الخیر). خداوند به وسیله او فتنه‌های جانکاه را آرام و ساکن می‌سازد (یطفی به الفتنة السماء و تأمن الارض)<sup>۲</sup> و باطل را ریشه کن می‌نماید (یحق الله به الحق و یزهق الباطل)<sup>۱</sup>. در روی زمین کافری نمی‌ماند؛ جز اینکه ایمان می‌آورد و شخصی ناشایست نمی‌ماند جز اینکه به صلاح و تقوا می‌گراید (لا یبقى کافر الا امن و لا طالح الا صلح).<sup>۳</sup> خداوند به دست او زمین را از لوث کافران و منکران پاک می‌کند (یطهر الله به الارض من اهل الکفر و الجهود)<sup>۴</sup> و روح درتدگی و ستیزه‌جویی را از بین می‌برد (یذهب الزمان الکلب). او دشمنان خدا را هر کجا بیابد، طعمه شمشیر می‌سازد (یقتل اعداء الله حيث ثقفهم) و همه را درمانده و مستاصل می‌کند (ان للاعداء یومئذ الصلّم و الاستئصال).<sup>۵</sup> در روی زمین کافری نمی‌ماند جز اینکه ایمان می‌آورد (لا یبقى کافر الا امن) و شخص ناشایستی نمی‌ماند جز اینکه

۲. یوم الخلاص، ج ۷، ص ۹۱.

۳. همان، ج ۲، ص ۶۰۲ ص ۶۱۹.

۴. همان، ج ۳، ص ۶۶۳ ۶۴۰.

۵. منتخب الاثر، ص ۶۸۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.

۱. الزام الناصب، ص ۶۸.

۲. یوم الخلاص، ج ۲، ص ۵۹۶ و ۱۰۴۷.

به صلاح و تقوا می‌گراید (و الاطالحُ الاصلح).<sup>۱</sup>  
 بدین ترتیب مصاف نهایی حق و باطل، با رهبری امام زمان علیه السلام و  
 به پیروی از امام حسین علیه السلام شکل می‌گیرد و حق پیروز و باطل نابود  
 می‌شود.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰؛ منتخب الاثر، ص ۴۸۷.

## فصل ۵

مصاف نهایی حق و باطل

(انقلاب جهانی مهدوی)

## انقلاب سرنوشت ساز

انقلاب جهانی مهدوی و خیزش صالحان و مستضعفان عالم، علیه مستکبران و ستمگران، پدیده‌ای مهم و سرنوشت ساز است و تغییرات و تحولات بنیادینی را در کل جهان و در ارزش‌ها، باورها، تفکرات، سیاست، اجتماع و اقتصاد به وجود می‌آورد و باعث دگرگونی‌های اساسی، در بسیاری از ابعاد و زوایای زندگی بشری می‌شود. در این انقلاب شکوهمند، مسیر حرکت تاریخ تغییر یافته و در جایگاه اصلی خود قرار می‌گیرد و توده‌های عمومی برای رسیدن به جامعه موعود، تحت فرمان رهبری الهی، خیزش و نهضت فراگیری را شکل می‌دهند.

بر اساس روایات، انقلاب و حرکت حضرت مهدی عج بعد از فراهم شدن زمینه‌ها و آمادگی‌های منطقه‌ای و جهانی، از شهر مکه آغاز می‌گردد. با شروع قیام، از مناطق مختلف جهان (به خصوص ایران و یمن)، نیروهای انقلابی دست به کار شده و به یاری رهبری نهضت

می‌شتابند و در طول انقلاب بر تعداد یاران و گروه‌های مبارز و مجاهد افزوده می‌شود. در نهایت درگیری‌هایی بین انقلابیون و نظام‌های حاکم (در حجاز، عراق، شام، روم و...) رخ می‌دهد که منجر به شکست همه مخالفان انقلاب جهانی می‌گردد. قیام بعد از ۷-۸ ماه کشمکش و نزاع، به پیروزی نهایی دست یافته و گروه‌های انقلابی و جهادی، بر کل جهان مسلط می‌شوند.

این نهضت با وحدت، همراهی، انسجام و تعامل گروه‌ها و بخش‌های مختلف جامعه جهانی شکل می‌گیرد و پیروز می‌شود. در واقع این یک انقلاب بزرگ و کاملی است که در آن، شاهد مشارکت فعال و نظام‌مند نهضت‌ها و جنبش‌های مبارز و پیروی و اطاعت آنان از رهبر قیام هستیم و با ساماندهی و بسیجی که صورت می‌گیرد، اجتماع بزرگی از صالحان، مستضعفان، شیعیان و موحدان حق طلب و عدالت‌گرا به وجود می‌آید و تا این زمینه‌سازی و بسیج صورت نگیرد، امام مهدی، ظهور نخواهد کرد. در روایتی آمده است «لا یخرج القائم عجل الله فرجه حتی تكون تکملة الحلقة. قلت: کم تکملة الحلقة؟ قال عشرة آلاف»<sup>۱</sup> «امام صادق علیه السلام فرمود: تا حلقه (گروه) تکمیل نگردد، قائم خروج نمی‌کند. [راوی گوید:] پرسیدم: کامل شدن حلقه به چند نفر است؟ فرمود: ده هزار نفر».



امام باقر علیه السلام فرمود: «فیخرج بالموالی و ضعفاء الناس فیسیرون الی النخيله باعلام هدی فیکون مجمع الناس کلها بالفاروق»؛<sup>۱</sup> «شیعیان و مستضعفان خروج می کنند و با پرچم‌های هدایت به سوی نخلیه می روند. آن روز مردم در فاروق گرد می آیند». در این روایت تأکید بر حضور عمومی مردم (مجمع الناس) در منطقه مشخصی به نام فاروق شده است و اینان جمع نمی شوند مگر برای انقلاب.

با آغاز انقلاب جهانی مهدوی علیه السلام و دعوت عمومی، حق طلبان، صالحان و مردم رنج دیده و از همه جا مأیوس (مستضعفان)، گرداگردش حلقه می زنند و با او بیعت می کنند. در اندک زمانی، سپاه انبوهی از مردان شجاع و فداکار و اصلاح طلب جهان، برایش مجهز می شوند و در تمامی صحنه‌ها و مصاف‌ها، به پیروزی دست می یابند.

در روایتی درباره گستردگی و فراگیری این قیام آمده است: «[یاران مهدی علیه السلام] شرق و غرب جهان را فتح و تمام موجودات جهان را مسخر می کنند. هر یک از آنان نیروی چهل مرد دارد و قلوبشان از پاره‌های آهن سخت تر است؛ به طوری که اگر در راه هدف به کوه‌های آهن برخوردند، آنها را پاره می کنند و تا وقتی که

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۷۴؛ بشارة الاسلام، ص ۵۹.

- خشنودی خدا فراهم نشود، دست از جنگ بر نمی‌دارند»<sup>۱</sup>.
- برخی از این ائتلاف‌ها و گروه‌های انقلابی و رهبران آنها عبارت‌اند از:
۱. سید حسنی و سید حسینی...<sup>۲</sup> و یا سید خراسانی.<sup>۳</sup>
  ۲. قیام سید هاشمی از گیلان، با یاری سید مشرقی [از خراسان] (يقوم... واحد هاشمی بجيلان).<sup>۴</sup>
  ۳. نهضت مردی از ایرانیان مقیم کوفه با گروهی از مستضعفان (يخرج رجل من موالی اهل الكوفة فی الضعفاء).<sup>۵</sup>
  ۴. خیزش مردی از اهل بیت او (مهدی عليه السلام) از مشرق (يخرج قبل المهدي رجل من اهل بيته فی المشرق)<sup>۶</sup> و یا پرچم‌هایی از مشرق به رهبری مردی از تمیم (به نام شعیب بن صالح) (يقودها رجل من تمیم).<sup>۷</sup>
  ۵. قیام مردی از قزوین هم‌نام با یکی از پیامبران.<sup>۸</sup>
  ۶. خروج جوانانی از منطقه خودشان به رهبری مردی به نام

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

۲. یوم الخلاص، ج ۲، ص ۱۰۲۶.

۳. الغیبة نعمانی، ص ۱۳۵.

۴. الزام الناصب، ص ۱۸۸.

۵. بشارة الاسلام، ص ۱۰۲.

۶. الملاحم و الفتن، ص ۵۳.

۷. یوم الخلاص، ج ۲، ص ۱۰۳۶.

۸. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۳.

صالح (يخرج اليهم فتیان من محالهم ...).<sup>۱</sup>

۷. جنبش مردی از اولاد امام حسین علیه السلام از مشرق (يخرج رجل من ولد الحسين).<sup>۲</sup>

۸. حرکت شعیب بن صالح از سمرقند (يكون خروج شعیب بن صالح من سمرقند)<sup>۳</sup> و...

با بررسی وضعیت این گروه‌های انقلابی - که شاید بعضی از آنها اشاره به یک شخص یا گروه باشد - روشن می‌شود که طیف‌ها و دسته‌های مختلفی از مناطق جهان به یاری قیام حضرت مهدی علیه السلام می‌شتابند.

گویا این گروه‌بندی، در دو طیف مصاف، محقق می‌شود و هر کدام در ساختاری معین و متحد قرار گرفته و آماده نزع می‌شوند. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «دنیا به آخر نمی‌رسد تا وقتی که ندا کننده‌ای از آسمان بانگ می‌زند که ای اهل حق! یک جا جمع شوید، پس همه آنها در یک سرزمین جمع می‌شوند (یا اهل الحق اجتمعوا فی صعيد واحد). بعد از آن دفعه دیگر ندا می‌کنند: ای اهل باطل! یک جا جمع شوید، پس اینان نیز در یک

۱. الملاحم و الفتن، ص ۱۱۲.

۲. بشارة الاسلام، ص ۵ و ۱۳.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۳.

سرزمین جمع می‌شوند (یا اهل الباطل اجتمعوا فیصیرون فی صعید واحد)<sup>۱</sup>. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «سوگند به خدا که اگر قائم ما قیام کند، خداوند شیعیان را از همه شهرها نزد او گرد می‌آورد»<sup>۲</sup>.

### آغاز قیام

بر اساس روایات، قیام امام مهدی علیه السلام با ۳۱۳ تن یار خاص شروع می‌شود؛ لکن فعالیت و تلاش برای گسترش انقلاب به دیگر نواحی جهان و آزادی ملت‌های در بند، پس از گرد آمدن ده هزار تن آغاز می‌گردد. شکی نیست که به تدریج بر تعداد این گروه افزوده شده و مبارزان و گروه‌های انقلابی دیگر وارد صحنه قیام می‌شوند. البته قبل از ظهور آن حضرت نیز نهضت‌های آزادی بخشی در اقصی نقاط جهان (به خصوص ایران و یمن) به وجود آمده و زمینه را برای آغاز انقلاب فراهم می‌سازند. نکته قابل توجه اینکه گروه‌ها و اقشار مختلف مردم - حتی فرشتگان - جزء حامیان این نهضت بوده و با آن همراه و هماهنگ خواهند بود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «شیعیان و یاران مهدی علیه السلام از سراسر زمین به سوی وی حرکت می‌کنند؛ زمین زیر پایشان جمع می‌شود و باطنی الارض به امام می‌رسند و با او بیعت

۱. الغیبه نعمانی، ص ۳۲۰، ج ۹.

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴.

می‌کنند». <sup>۱</sup> امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که مهدی ظهور می‌کند، نام او بر سر زبان‌ها خواهد بود و وجود مردم سرشار از عشق به مهدی است؛ به گونه‌ای که جز نام او، هیچ نامی در یاد و زبان آنان نیست و با دوستی او، روح خود را سیراب می‌کنند». <sup>۲</sup> پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مهدی از امت من، ظهور می‌کند؛ خداوند او را به عنوان فریادرس انسان‌ها می‌فرستد. آن زمان مردم در نعمت به سر خواهند برد». <sup>۳</sup> عموم مردم جهان، نه تنها از ظلم‌ها و جنگ‌ها و فسادها دلزده و رنجیده اند؛ بلکه واقعاً خواهان عدالت و منجی عادل و عدل‌گستر هستند و به همین جهت از این انقلاب پشتیبانی خواهند نمود.

گروه‌های خاص انقلابی، در روایات به شرح زیر معرفی شده اند:

### ۱. هسته مرکزی انقلاب

وقتی نهضت جهانی حضرت مهدی علیه السلام از مکه آغاز می‌شود، مورد پشتیبانی و حمایت ۳۱۳ تن از انسان‌های صالح، وارسته، شجاع و برگزیده قرار می‌گیرد. آنان ضمن شناخت امام علیه السلام با او بیعت می‌کنند و اطاعت و فرمان‌بری کامل خود را اعلام می‌دارند. پس از

۱. عقد الدرر، ص ۶۵

۲. احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۲۴.

۳. عقد الدرر، ص ۱۶۷.

آن هدایت و کنترل اوضاع را در مکه به دست گرفته و عهده دار مسؤولیت‌های مختلف (نظامی، امنیتی، فرهنگی و...) می‌شوند. آنان پرچمداران نهضت و فرماندهان نظامی هستند که پس از پیروزی قیام و تسلط بر جهان، حکومت مناطق و کشورهای مختلف را در دست می‌گیرند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «گویا قائم را بر فراز منبری در کوفه می‌بینم و پیرامون او، یارانش قرار دارند که ۳۱۳ تن به تعداد اصحاب بدر می‌باشند. آنان پرچمداران قیام (اصحاب الاولویه) و حاکمان زمین از سوی خداوند در بین بندگان او هستند»<sup>۱</sup>. این ۳۱۳ تن از اطراف جهان و دورترین نقطه‌ها جمع شده و به قائم علیه السلام می‌پیوندند؛ چنان که در حدیثی از امام باقر علیه السلام بیان شده است: «خداوند [برای قائم] از دورترین شهرها (من اقصی البلاد) به تعداد مجاهدان بدر، ۳۱۳ تن مرد را جمع می‌کند»<sup>۲</sup>.

آن حضرت همچنین می‌فرماید: «هسته مرکزی یاران قائم، ۳۱۳ تن هستند؛ برخی از آنان در روز روشن با نام و نشان و حسب و نسب شناخته شده و به طور آشکار به وسیله ابرها به سوی آن حضرت می‌شتابند و برخی همان گونه که شبانگاه بر بستر خویش خفته‌اند،

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۲: اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۴، ح ۲۴۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۰.

بدون وعده و آگاهی پیشین [در مکه] به خدمت سالار خویش مفتخر می‌گردند».<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «یاران مهدی از کران تا کران گیتی به سوی او می‌شتابند و زمین زیر پای آنان بسان طوماری، در هم پیچیده می‌شود تا هر چه سریع‌تر به مکه برسند و با آن گرامی بیعت کنند»؛<sup>۲</sup> یعنی، همه چیز دست به دست هم می‌دهند که آنان هر چه زودتر به امام برسند و اطاعت و فرمان‌بری خود را اعلام کنند. هنگام ظهور، نخستین کسانی که پس از جبرئیل امین با امام قائم علیه السلام بیعت می‌کنند، همین ۳۱۳ تن هستند. این مطلب را امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی بیان کرده است.<sup>۳</sup> پس از این بیعت است که قیام شروع می‌شود و یاران حضرت به ده هزار تن می‌رسند. اینان افرادی نیرومند و رشیدند که تحت لوای امام و فرماندهی ۳۱۳ تن مکه را فتح می‌کنند و به طرف مدینه و سپس کوفه حرکت می‌نمایند.<sup>۴</sup>

۱. الغیبة نعمانی، ص ۳۱۲، باب ۲، ح ۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۹.

۲. الفصول المهمة، بخش ۱۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۴.

۳. ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷.

۴. ر.ک: حضرت مهدی فروغ تابان ولایت، ص ۱۷۴.

## ۲. بسیج نیروهای رزمی (منابع)

### ۱-۲. نیروی انقلابی ده هزار نفری

پس از حضور ۳۱۳ تن از یاران خاص در رأس قیام مهدوی، ده هزار نیروی سازمان دهی شده، به آنان می‌پیوندند و نهضت را آغاز می‌کنند. امام باقر علیه السلام فرمود: «فاذا اجتمع الیه العقد و هو عشرة آلاف رجل خرج...»؛ «آن گاه که ده هزار نفر نزد او گرد آیند از محل اولیه قیام، به سوی دیگر مناطق [حرکت خواهد کرد]». <sup>۱</sup> امام صادق علیه السلام فرمود: «قائم در میان کمتر از فئه (گروه) خروج نخواهد کرد و فئه از ده هزار کمتر نیست». <sup>۲</sup> ابوبصیر نیز می‌گوید: مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: چند نفر با قائم خروج می‌کنند؟ مردم می‌گویند با او ۳۱۳ تن به تعداد مجاهدان بدر خروج می‌کنند؟ فرمود: به جز [اینها] در بین عده‌ای اولوالقوه (نیرومند)، خروج می‌کند و اینها کمتر از ده هزار نفر نیستند». <sup>۳</sup> بر اساس روایتی امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مهدی علیه السلام با لشکری دوازده هزار نفری یا پانزده هزار نفری از مکه حرکت می‌کند و در دل دشمنان ترس و وحشت می‌اندازد...». <sup>۴</sup>

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱.

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۶، ح ۵۴۹.

۳. همان، ص ۲۹، ص ۲۳۴.

۴. معجم احادیث الامام مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۴۰۸.



## ۲-۲. هفتاد هزار صدیق و ۳۶ هزار محافظ

امام باقر علیه السلام می فرماید: «وقتی قائم ظهور می کند و به کوفه وارد می شود، خداوند از ورای کوفه، هفتاد هزار صدیق را بر می انگیزد که یارو یاورش باشند».<sup>۱</sup> علاوه بر این در روایتی آمده است «تعداد محافظان وی ۳۶ هزار نفراند و بر سر هر یک از بزرگ راه‌های منتهی به بیت المقدس، دوازده هزار نفر مستقر می شوند».<sup>۲</sup>

## ۲-۳. تمامی شیعیان

طبرسی صاحب *مجمع البیان* ذیل آیه «اینما تكونوا یات بکم الله جمیعاً» می نویسد: «در اخبار اهل بیت علیهم السلام نقل شده که مقصود اصحاب مهدی علیه السلام در آخر الزمان است» و امام رضا علیه السلام فرمود: «به خدا قسم! وقتی قائم ما قیام کند، خداوند همه شیعیان ما را از تمام مناطق به دور او جمع خواهد کرد».<sup>۳</sup>

## ۲-۴. سایر گروه‌ها

نیروهای انقلابی، منحصر در این تعداد نیست؛ چنان که حر عاملی می گوید: «در روایت است که تعداد یاران امام زمان علیه السلام صد هزار نفر

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۴، ج ۷۸۸.

۲. عقد الدرر، ص ۱۴۳.

۳. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴، ج ۴۱۵.

است.<sup>۱</sup> حتی بر اساس روایتی عده‌ای از پیروان ادیان دیگر و صالحانی که از دنیا رفته‌اند (و رجعت کرده‌اند)، به انقلاب جهانی مهدوی می‌پیوندند. امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم آل محمد ظهور کند، تعدادی از پشت کعبه بیرون می‌آیند که عبارت‌اند از: ۲۷ نفر از قوم موسی (آنان که به حق قضاوت می‌کردند)، هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابادجانه انصاری و مالک اشتر»<sup>۲</sup> و....

در کنار این گروه‌های انقلابی، زنان مبارز و مجاهد نیز حضور داشته و با تمام توان به یاری نهضت خواهند شتافت. نخستین گروه از زنانی که جزء یاران امام زمان علیه السلام قرار می‌گیرند، کسانی‌اند که در زمان او زندگی کرده و همانند دیگر اصحاب به هنگام ظهور در مکه به انقلابیون می‌پیوندند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «و یجیء و الله ثلاثمائة عشر رجلاً فیهم خمسون امرأة یجتمعون بمكة...»<sup>۳</sup>؛ «به خدا سوگند! ۳۱۳ تن می‌آیند که پنجاه تن از این عده زن هستند که بدون هیچ قرار قبلی [در مکه کنار یکدیگر جمع خواهند شد...]. علاوه بر این عده، سیزده زن نیز از یاران امام علیه السلام خواهند بود. مفضل

۱. همان، ج ۳، ص ۵۷۸؛ بشارة الاسلام، ص ۱۹۰.

۲. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۶؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲.

۳. الغیبه نعمانی، ص ۲۷۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳.

بن عمر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «همراه قائم، سیزده زن هستند». عرض کردم آنان چه می کنند و چه نقشی دارند؟ فرمود: «زخمی ها را مداوا می کنند و از بیماران پرستاری می نمایند؛ همچنان که همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند»<sup>۱</sup>.

### ۳. نیروهای بزرگ انقلابی

بر اساس روایات چندین جنبش و گروه انقلابی عظیم به یاری نهضت جهانی امام مهدی علیه السلام می شتابند و با تمام وجود در پیروزی آن می کوشند. مهم ترین این نهضت ها، جنبش سید خراسانی و سید حسنی از ایران و جنبش یمانی از یمن است. علاوه بر اینها، دسته ها و گروه های مختلفی نیز به قیام حق طلبانه مهدوی علیه السلام می پیوندند.

### ۱-۳. نهضت مردم مشرق زمین

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «یخرج ناس من المشرق یوطفون للمهدی»<sup>۲</sup>؛ «مردمی از مشرق خروج می کنند و برای حضرت مهدی علیه السلام زمینه سازی می نمایند» و نیز می فرماید: «اهل بیت من به سختی دچار بلاها و گرفتاری ها می شوند و آن گاه خداوند پرچم های سیاهی را از طرف مشرق می فرستد. هر کس آنها را یاری

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۵؛ دلائل الامامة، ص ۳۵۹.

۲. کشف الغمة، ج ۳، ص ۲۶۷؛ منتخب الاثر، ص ۳۰۴.

کند، خدا را یاری کرده است و هر کس آنها را زبون سازد، خدا را زبون ساخته است. این پرچم‌ها به اهتزاز در می‌آید تا با مردی که هم نام من است، بیعت نموده و او را به رهبری خود انتخاب کنند و خدایش او را تأیید می‌کند»<sup>۱</sup>.

از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است: «پرچم‌های بی نام و نشان از خاور زمین به اهتزاز در می‌آید که از پنبه و کتان و ابریشم نیست. آنها را بر سر نیزه‌ها می‌زنند و نام رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر آنها نقش می‌شود و آنها را مردی از آل محمد صلی الله علیه و آله رهبری می‌کند. چون از مشرق حرکت می‌کنند، عطر آنها در مغرب بهتر از مشک و عنبر به مشام می‌رسد»<sup>۲</sup>.

با بررسی احادیث مربوط به نشانه‌های ظهور روشن می‌شود که به احتمال زیاد منظور از مشرق، ایران است که نهضت‌های مردمی برای یاری حضرت مهدی علیه السلام از آنجا شروع می‌شود که در سطور بعدی به آن پرداخته می‌شود.

### ۳-۲. نهضت بزرگ ایرانیان

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «نیروهایی با پرچم‌های سیاه - که از خراسان

۱. یوم الخلاص، ج ۲، ص ۱۰۳۷.

۲. الزام الناصب، ص ۳۵۸؛ یوم الخلاص، ج ۲، ص ۱۰۴۵.

قیام کرده‌اند - در کوفه فرود می‌آیند و هنگامی که مهدی علیه السلام در شهر مکه ظهور می‌کند، با او بیعت می‌کنند<sup>۱</sup>. در روایتی از آن حضرت آمده است: «گویی گروهی را با چشم خود می‌بینم که از خاور زمین خروج کرده‌اند، حق را مطالبه می‌کنند و به آنان داده نمی‌شود. آن گاه شمشیرهای خود را حمایل می‌کنند. پس آن را نمی‌پذیرند و قیام می‌کنند و پرچم‌های خود را به دست حضرت مهدی علیه السلام می‌سپارند»<sup>۲</sup>.

روایات، بیانگر آن است که سید خراسانی هم زمان با خروج سفیانی در ایران قیام می‌کند و زمانی که سپاه سفیانی مشغول کشتار مردم عراق هستند، با سپاهی بزرگ از ایران برای نجات مردم و به خصوص شیعیان و مهتبا سازی کوفه برای ورود مهدی موعود علیه السلام، رهسپار عراق می‌گردد. فرماندهی نیروهای ایرانی، شعیب بن صالح است که از مردان شجاع نامی است. سفیانی که از حرکت سپاه خراسانی با خبر می‌شود سپاهی را برای مقابله با او می‌فرستد که در طرف جنوب ایران در منطقه‌ای به نام استخر به هم می‌رسند و نبرد شدیدی در می‌گیرد. بر اثر شجاعت و فداکاری سپاه ایران، سپاه سفیانی شکست می‌خورد و عقب نشینی می‌کند.

۱. عقد الدرر، ص ۱۲۹؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۹

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۸؛ یوم الخلاص، ج ۲، ص ۱۰۶۵.

امام باقر علیه السلام در حدیثی طولانی می‌فرماید: «سفیانی، لشکری را به سوی کوفه می‌فرستد که هفتاد هزار نفرند؛ آنها در آنجا به قتل و کشتار و اسارت مردم می‌پردازند. در چنین شرایطی پرچم‌هایی از سوی خراسان به رهبری سید خراسانی (بقيادة الخراسانی)، نمایان می‌شوند که منزلگاه‌ها را با سرعت چشمگیری طی کرده و پشت سر می‌گذارند و در میان آنها، عده‌ای از اصحاب حضرت مهدی علیه السلام هستند.»<sup>۱</sup> و «... وقتی سپاه سفیانی به سمت کوفه حرکت می‌کند، آنها را برای [درگیری و پیروزی بر] اهل خراسان (ایرانیان) می‌فرستد که آنها هم به جهت [یاری] حضرت مهدی علیه السلام خارج شده‌اند. سفیانی و سید خراسانی [حامل پرچم‌های سیاه] به هم می‌رسند. در خط مقدم [سپاهیان] سید خراسانی، شعیب بن صالح است. میان او و سفیانی در استخر، جنگ خانمان برانداز شدیدی صورت می‌گیرد که پرچم‌های سیاه پیروز شده و لشکر سفیانی متواری و فراری می‌شوند. به دنبال آن مردم آرزوی [آمدن] مهدی را می‌کنند و او را می‌جویند. او هم در مکه قیام می‌کند؛ در حالی که پرچم رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به همراه دارد و آن هم در زمانی است که مردم از قیام او به خاطر شدت و مدت بلایا و فتنه‌ها مأیوس شده‌اند.»<sup>۲</sup>

۱. الغیبه نعمانی، ص ۱۸۷.

۲. بشارة الاسلام، ص ۱۷۴. و نیز رک: عقد الدرر، ص ۱۲۶؛ فتن ابن حماد، ص ۸۴.

## ۳-۳. نهضت رهایی بخش از یمن

یکی از قیام‌های مردمی پیش از انقلاب جهانی مهدوی، خروج سرداری از یمن است که مردم را به راه حق و عدل دعوت می‌کند؛ نام او یمانی است. قیام وی یکی از عوامل زمینه ساز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است. این نهضت، هدایت بخش‌ترین حرکت پیش از ظهور است و بر افراشته شدن پرچم آن، نوید دهنده مؤمنان منتظر است و در روایات یاری رساندن به آنان توصیه شده است. در این رابطه امام صادق ع می‌فرماید: «قیام خراسانی و سفیانی و یمانی، در یک سال و در یک ماه و یک روز خواهد بود و در این میان هیچ پرچمی به اندازه پرچم یمانی، دعوت به حق و هدایت نمی‌کند؛ چرا که شما را به [تبعیت از] امامتان دعوت می‌کند. پس از قیام یمانی، خرید و فروش اسلحه، برای مردم و به خصوص مسلمانان ممنوع می‌شود و هرگاه [یمانی]، قیام کرد، به سوی او حرکت کن و بشتاب که آن را پرچم هدایت خواهی یافت. احدی از مسلمانان اجازه ندارد با او مقابله کند و هرکس چنین کند، جهنمی است؛ چرا که یمانی به حق و صراط مستقیم، دعوت می‌کند».<sup>۱</sup> خاستگاه خروج یمانی، سرزمین یمن است؛ چنان که امام باقر ع می‌فرماید: «سفیانی از

۱. الغیبه نعمانی، ص ۱۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲.

شام و یمانی از یمن خروج می‌کند».<sup>۱</sup>

یمانی پس از خروج برای نبرد با سفیانی به سوی شام می‌رود و در مدخل شام، با سپاه خراسانی ملاقات می‌کند که او نیز برای نبرد با سفیانی و برای یاری یمانی بیرون آمده است.<sup>۲</sup> روایات می‌گویند: یمانی در پی نبرد سفیانی با وی، وارد عراق می‌شود. او بامدد از نیروی خراسانی، وارد صحنه کارزار می‌شود. در آن زمان اوضاع کلی جهان، در یک جنگ بزرگ فرهنگی و مدنی خلاصه می‌شود که میدان این جنگ، شام، فلسطین، عراق، ایران و حجاز است. در این معرکه دو دسته و سپاه، در برابر یکدیگر به مبارزه مشغولند: یاوران حضرت مهدی علیه السلام و زمینه سازان قیام ایشان،<sup>۲</sup> حرکت سفیانی و یاری رسانان غربی او (رومیان و یهودیان)....<sup>۳</sup>

این حادثه درست قبل از زمان ظهور حجت علیه السلام است؛ چنان که کلینی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «اقبل الیمانی و تحرک الحسنی و خرج صاحب هذا الامر»؛ «یمانی پیش می‌تازد، حسنی به جنبش درآید و صاحب این امر خروج می‌کند».<sup>۴</sup>

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۰۰.

۲. ر.ک: همان، ص ۱۲۱.

۳. ر.ک: نشانه‌های ظهور (پیرامون علائم حتمیه ظهور حضرت حجت)، ص ۱۲۹؛ شش ماه

پایانی، ص ۹۰.

۴. کافی، ج ۸ و ص ۱۸۹، ح ۲۸۵.



#### ۴. گروه‌های خاص

در روایات به نام بعضی از گروه‌ها و دسته‌ها اشاره شده که هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام یا پس از آن، از مناطق و شهرهای مختلف ظاهر شده و به یاری حضرت می‌شتابند. اینان جوانمردان، پاک‌دلان، نیکو خصالان و شجاعانی هستند که با حضور خود در جمع انقلابیون، کمک‌های شایانی در جهت پیروزی نهضت ارائه خواهند داد. احتمالاً آنان به فعالیت‌های مختلف نظامی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و علمی می‌پردازند که در اینجا به اسامی آنها اشاره می‌شود:

#### ۴-۱. اخیار

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «سیصد و اندی در میان رکن و مقام با قائم بیعت می‌کنند... «اخیار» از عراق در میان آنها هستند. بر پا می‌دارند آنچه را که خداوند می‌خواهد بر پا داشته شود». <sup>۱</sup> اخیار به معنای نیکان و صالحان است که از یاران نزدیک امام علیه السلام بوده و در روی زمین به گردش پرداخته و به امور مردم رسیدگی خواهند کرد.

#### ۴-۲. رفقا و ابدال

در روایتی آمده است «هنگامی که قائم آل محمد علیهم السلام قیام می‌کند، خداوند اهل شرق و غرب را برای او جمع می‌کند، آنان مانند ابر متراکم

۱. کتاب الغیبه، طوسی، ص ۷۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۴، ح ۶۴

پاییزی گرد می آیند؛ پس رفقا از کوفه و ابدال از شام هستند».<sup>۱</sup>

«ابدال» جمعی از صالحان هستند که در هنگام ظهور، خود را از شام به مکه می رسانند و با آن حضرت بیعت می کنند. اینان مردانی صالح، مخلص و کامل می باشند که احتمالاً امور فرهنگی را در دست بگیرند. «رفقا» نیز از کوفه می آیند و بین آنها دوستی و صمیمیت زیادی وجود دارد.

#### ۳-۴. نجبا

امام باقر علیه السلام می فرماید: «سیصد و اندی به تعداد اهل بدر در میان رکن و مقام با قائم بیعت می کنند: نجبا از مصر هستند...».<sup>۲</sup> نجبا از سرزمین مصر می آیند و افرادی پاک سرشت، خوش نفس و جوانمردند.

#### ۴-۴. عصاب

بر اساس روایتی: «عصاب از عراق خروج می کنند که راهبان شب و شیران روز هستند».<sup>۳</sup> عصاب به معنای جوانمردان رشید و نیرومند است و این ویژگی بارز یاران مهدی علیه السلام می باشد.<sup>۴</sup>

۱. منتخب الاثر، ص ۵۹۷، ج ۱: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۷.

۲. کتاب الغیبه، طوسی، ص ۴۷۶: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳.

۳. اختصاص، مفید، ص ۲۰۸: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴.

۴. ر.ک: آینده جهان، صص ۲۷۸-۲۸۰.

### شکل‌گیری وضعیت انقلابی

انقلاب مهدوی ابتدا حالت تهاجمی و جنگی ندارد، بلکه نهضت مقدسی برای رهایی انسان‌ها و فرو کاهیدن از آلام و رنج بشری و سوق دادن آنان به کمال نهایی و سعادت سرمدی است. پیام واضح و آشکار این انقلاب «معنویت، عدالت و عقلانیت» است که همگان به آن دعوت می‌شوند. محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام درباره آیه شریف **«امن یجیب المضطر اذا دعاه»** نقل می‌کند که فرمود: «... این آیه در مورد قائم است، آن گاه که خروج می‌کند، عمامه به سر می‌بندد. پس نزد مقام ابراهیم نماز می‌گزارد و به پیشگاه پروردگارش زاری می‌کند؛ آن گاه هیچ چیز و هیچ کس از سلطه و غلبه او خارج نخواهد شد».<sup>۱</sup>

از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده است: «سپس در حالی که مردم اطرافش گرد آمده‌اند، به سمت مکه خروج می‌کند... [آنجا] قیام کرده، می‌گوید: ای مردم! من فلانی، فرزند فلانی هستم، من پسر رسول خدا هستم. شما را به همان چیزی دعوت می‌کنم که پیامبر خدا، شما را به آن فراخوانده است».<sup>۲</sup> از امام صادق علیه السلام نیز نقل است که فرمود: «... به نزد مقام ابراهیم می‌آید و مردم را به حق

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۴، ح ۶۴۴

۲. همان، ص ۵۸۲، ح ۷۷۱.

فرا می خواند». <sup>۱</sup> گروه‌های حاکم در اقصی نقاط عالم - به خصوص حجاز و خاورمیانه - به این دعوت پاسخ منفی می‌دهند و در صدد سرکوبی این نهضت بر می‌آیند. آنان حاکمان ستمگر و مفسدی هستند که منافع نامشروع خود را در خطر می‌بینند و پیام‌های هدایت‌گونه و اصلاح‌گرایانه امام مهدی علیه السلام در آنان تأثیری نمی‌گذارد. صاحبان زور و تزویر و طرفداران باطل (جبهه کفر و نفاق و فساد)، هجومی گسترده علیه انقلاب جهانی آغاز می‌کنند و خواهان نابودی آن هستند. اما وقتی امام دعوت عمومی خویش را شروع می‌کند، مردم رنج‌دیده و از همه جا مأیوس گرداگردش حلقه می‌زنند و با او بیعت می‌کنند. در اندک زمانی، سپاه انبوهی از مردان شجاع و فداکار و اصلاح‌گر جهان برایش مجبزه می‌شود. در روایتی آمده است: « [یاران قائم] شرق و غرب جهان را می‌گیرند و تمامی موجودات جهان را مسخر می‌کنند. هر یک از آنان نیروی چهل مرد دارد و قلوبشان از پاره‌های آهن سخت‌تر است؛ به طوری که اگر در راه هدف به کوه‌های آهن برخوردند، آنها را پاره می‌کنند و تا وقتی که خشنودی خدا فراهم نشود، دست از قیام نمی‌کشند». <sup>۲</sup>

در آن هنگام زمامداران خودسر و ستمگران بی وجدان ندای

۱. همان، ص ۵۸۳، ح ۷۷۹.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۳.

مخالفت خود را اعلام می‌دارند و از مناطق مختلف و گروه‌های اهریمنی یاری می‌طلبند و از سفیانی گرفته تا یهودیان و غربیان و از قبایل عربی گرفته تا ارتش روم و روسیه، با حق طلبان و عدالت خواهان ستیزه جویی می‌کنند. اما آنان با هم متحد شده و به دشمنان حق و عدالت هجوم می‌برند و با تأییدات الهی ستمکاران را ریشه کن ساخته، از بین می‌برند.

### مضاف نهایی حق طلبان با باطل‌گرایان

بسیج نیروها (گروه‌های ائتلافی و چالشگر) تحت رهبری امام مهدی علیه السلام، به شکل‌گیری دعاوی و آرمان‌هایی منجر می‌شود که با جامعه سیاسی مستقر سازگاری ندارد. این دعاوی و خواست‌ها بیشتر از آنکه مادی باشد، جنبه ارزشی و هنجاری دارد؛ مانند حق‌گرایی، معنویت‌گرایی، عدالت‌خواهی، صلح‌طلبی و ... این، آغاز ظهور وضعیت انقلابی است. قدرت این دعاوی (معنویت، عدالت، ظلم‌ستیزی، حق‌طلبی و ...) که با اهداف بسیج هم‌خوان بوده، سطح تعهد عمومی را به شدت افزایش می‌دهد. طبقه متوسط و پایین جامعه، در این نقطه به بسیج مردم می‌پیوندند و یک ائتلاف مردمی فراگیر و جهانی چند طبقه‌ای را به وجود می‌آورند. شدت و گستردگی بسیج مردم در این زمان، همراه با ترکیب نیروهای مسلح، باعث ناتوانی دستگاه سرکوب دولت‌های جائر شده و به برقراری

حاکمیت دوگانه منتهی می‌گردد. مصاف نهایی بین دو گروه عمده در جهان (حق و باطل)، در گستره بسیار بزرگی صورت می‌گیرد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اهل سیزده شهر و طائفه با امام قائم نبرد می‌کنند: اهل مکه، اهل مدینه، اهل شام، بنی امیه، اهل بصره، اهل دشت میسان، کردها، عرب‌ها، ضبه، غنی، باهله، ازد، بصره و اهل ری». <sup>۱</sup> امام کاظم علیه السلام درباره تفسیر آیه «وله اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها» می‌فرماید: «این آیه درباره قائم علیه السلام فرود آمده است؛ هنگامی که علیه یهود، نصارا، صابئین، مادی گرایان و برگشتگان از اسلام و کافران در شرق و غرب کره زمین قیام می‌کند و اسلام را به آنان پیشنهاد می‌نماید...». <sup>۲</sup> «کفار، بر شهرهای پنج گانه سیحون، جیحون، دجله، فرات و نیل مسلط می‌شوند...». <sup>۳</sup>

در مقابل گروه حق، به رهبری امام مهدی علیه السلام با شجاعت و اقتدار تمام در مقابل آنان می‌ایستند و تا نابودی آنها، ساکت نمی‌شوند. از امام علی علیه السلام نقل شده است: «او با تعداد دوازده هزار تن حداقل و پانزده هزار تن حداکثر خروج می‌کند، ترس و وحشت پیشاپیش او (به دل دشمنان) راه می‌یابد. هر دشمنی که با وی بر خورد کند، به فرمان

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۴، ح ۵۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۳.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۹.

۳. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۲۷۴.

خدا او را از پای در آورد. شعار آنان «بمیران، بمیران» است. در راه خدا از سرزنش هیچ ملامت گری باک و هراس ندارند. در این وقت هفت لشکر از شام به سوی آنها هجوم می‌آورند که امام علیه السلام جملگی را شکست داده و آنها را به اسارت خویش در می‌آورد و محبت و نعمت و «قاصه» و «بزاره» آنها به مسلمانان بازگردد و پس از آنان جز خروج دجال، حادثه‌ای باقی نمی‌ماند. پرسیدیم: قاصه و بزاره چیست؟ فرمود: امام زمان، حکومت را به دست می‌گیرد، به گونه‌ای که کسی هر چه خواهد، بگوید و از هر چیزی نهراسد.<sup>۱</sup> شعرانی می‌گوید: «هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام به مغرب زمین می‌رسد، بخشی از مردم به سوی او رفته، می‌گویند: ای ولی الله و حجت خدا! جزیره اندلس را یاری کن که خود و مردمش هلاک شده اند.»<sup>۲</sup> امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «در آن روز هر کسی از فرزندان علی علیه السلام که در مدینه باشد، به مکه می‌گریزد تا در آنجا به صاحب این امر ملحق گردد و صاحب این امر رهسپار عراق شده و لشکری را به مدینه گسیل می‌دارد تا مردم آن سامان در امنیت به سر برند و مردم دوباره به مدینه برگردند.»<sup>۳</sup>

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «به خدا قسم! وقتی قائم ما قیام کند،

۱. نسخه خطی ابن حماد، ص ۹۶ (به نقل از: عصر ظهور، ص ۳۳۶).

۲. احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۶۰.

۳. کافی، ج ۸، ص ۲۲۴.

خداوند همه شیعیان ما را از تمام مناطق به دور او جمع خواهد کرد.<sup>۱</sup> حضرت باقر علیه السلام می فرماید: «گویا قائم را می بینم که سربازانش را به سراسر جهان گسیل می دارد»<sup>۲</sup> و نیز «مهدی علیه السلام، یاران خود را برای گرفتن بیعت، به سراسر جهان می فرستد و ستم و ستمگران را نابود می کند و شهرهای گشوده شده، برای او تثبیت می گردد و خداوند به دست مبارکش، قسطنطنیه را می گشاید»<sup>۳</sup>.

با وحدت و انسجامی که در صفوف انقلابیون به وجود می آید و رهبری بی بدیل امام مهدی علیه السلام پیروز و موفقیت کامل نصیب حق طلبان می شود و صالحان و شایستگان جانشین مجموعه قبلی می شوند.

از آنجایی که انقلاب مهدوی، فراگیر و جهان شمول است و بسیج منابع نیز به صورت گسترده از نیروهای انقلابی صورت می گیرد، انتقال قدرت نیز فراگیر بوده و شامل همه نظام‌های سیاسی حاکم بر جهان می شود. امام مهدی علیه السلام در مرحله آغازین پیروزی، همه حکام جور و ستم را برکنار می کند و صالحان حق طلب و عدالت گستر را به جای آنها منصوب می نماید: «... ليعزلنَّ عنکم امراء الجور وليطهرنَّ

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴، ح ۴۱۵.

۲. ارشاد مفید، ص ۳۴۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

۳. ملاحم، ابن طاووس، ص ۶۴.



الارض من کل غاش»؛<sup>۱</sup> «... حکمرانان ستم پیشه را عزل می کند و زمین را از هر انسان نیرنگ باز و فریبکار پاک می سازد». امام باقر علیه السلام می فرماید: «هنگامی که امام قائم قیام می کند، دولت باطل بر چیده می شود (اذا قام القائم ذهب دولة الباطل)»<sup>۲</sup> و «همانا نابودی پادشاهان ستمگر و ظالم به دست قائم ما است (ان زوال ملک الجبابة و الظلمة علی يد القائم منا)»<sup>۳</sup>. به این ترتیب همه شهرها و کشورهای جهان را یک به یک از دست حکام فسادگر و ظالم خارج می کند و انقلاب جهانی خود را به همه جای عالم گسترش می دهد. این خیزش و جنبشی است که حق طلبان و مستضعفان عالم را در خود جای می دهد و در نتیجه اتحاد فراگیر و کنش جمعی و همگانی، به پیروزی می رسد. آنچه در این قیام نمود بیشتری دارد، شمول نجات بخشی و حق گستری آن، به همه طبقات و گروه های جامعه و به تمامی کشورها و مناطق عالم است. این نشانگر گسترده بودن وضعیت انقلابی و در نتیجه حتمی بودن انتقال قدرت است.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «قائم سه پرچم را برای [عملیات در] سه نقطه آماده می کند: پرچمی را به قسطنطنیه گسیل می دارد و خداوند

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

۲. منتخب الاثر، ص ۵۸۷، ح ۴۰۳.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۴، ح ۵۱.

آنجا را برای او می‌گشاید. پرچم دیگری را برای چین می‌فرستد و آنجا نیز به دست حضرت گشوده می‌گردد و پرچم سوم را به کوه‌های دیلم می‌فرستد و آنجا نیز به تصرف نیروهایش در می‌آید.<sup>۱</sup> از امام علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: «مهدی می‌رود تا در بیت المقدس فرود آید، خزائن را نزد او می‌آورند. عرب و غیر عرب و جنگ‌افروزان و رومیان (غربیان) و دیگران، جملگی به اطاعت وی در می‌آیند.»<sup>۲</sup>

«... سفیانی بیعت خود را از امام علیه السلام باز پس می‌گیرد... آن‌گاه

لشگریان خود را برای مبارزه با آن حضرت بسیج می‌کند. امام علیه السلام وی را شکست داده و خداوند رومیان (غربی‌ها) را نیز به دست آن بزرگوار شکست خواهد داد.»<sup>۳</sup> امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «... خداوند به دست او سرزمین‌های روم، چین، ترک، دیلم، سند، هند، کابل، شام و خزر را می‌گشاید.»<sup>۴</sup>

از نتایج درخشان انقلاب مهدوی، به وجود آمدن وحدت و انسجام پایدار در جهان است. در روایتی درباره امام عصر علیه السلام آمده است: «هو الذی یجمع الکلم و یتّم النعم»؛ «او کسی است که وحدت کلمه را ایجاد می‌کند و نعمت را کامل می‌سازد.»

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۵.

۲. نسخه خطی ابن حماد، ص ۹۶ (به نقل از: عصر ظهور، ص ۳۳۶).

۳. همان، ص ۹۷.

۴. الغیبه نعمانی، ص ۱۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸.

۵. یوم الخلاص، ج ۲، ص ۶۶۳.

## منابع

١. آذرى، ابوالقاسم. *حماسه پيروز عاشورا*، چاپ چهارم، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٣٧٥.
٢. آل سيد حيدر، سيد مصطفى، *بشارة المصطفى*، قم: مؤسسه آل البيت، بى نا.
٣. ابن ابى الحديد، ابو حامد بن هبة الله، *شرح نهج البلاغه*، ٢٠ جلد، قم: كتابخانه مرعشى نجفى، ١٤٠٤.
٤. ابن اثير جزرى، *اسد الغابة فى معرفة الصحابة*، اول، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٧.
٥. ابن شهر آشوب، محمد بن على، *المناقب*، ج ٤، قم: انتشارات علامه، ١٣٧٩.
٦. ابن صباغ مالكى، على بن محمد، *فصول المهمة*، بيروت، دارالاضواء، ١٤٠١.
٧. ابن طاووس، *التهوف*، ابو الحسن مير ابو طالبى، قم، دليل، ١٣٧٩.
٨. ———، *التهوف*، نجف، مكتبة الحيدريه، ١٣٨٥.
٩. ابن قتيبة دينورى، ابو محمد عبدالله بن مسلم، *عيون الاخبار*، بيروت، دارالكتاب العربى، بى تا.
١٠. ابن نماحلى، جعفر بن محمد، *مثير الاحزان*، قم، مؤسسه امام مهدي، ١٤٠٦.
١١. ابو مخنف، لوط بن يحيى، *مقتل الحسين*، قم، وفاء، ١٣٦٨.
١٢. ابو معاش، سعيد، *الامام المهدي فى القرآن و السنة*، چاپ اول، مشهد: بنياد

- پژوهش های قدس رضوی، ۱۳۸۰.
۱۳. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة فی معرفة الائمة*، ج ۲، چاپ اول، تبریز: مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱.
۱۴. استاد ولی، حسین، *حسین بن علی به روایت اهل سنت*، چاپ اول، تهران، منیر، ۱۳۷۷.
۱۵. امین، سید محسن، *اعیان الشیعه*، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۶.
۱۶. انصاریان، حسین، *با کاروان نور*، چاپ اول، قم، دارالصادقین، ۱۳۷۶.
۱۷. بحرانی، *المحجّه فی منزل فی القائم الحجة (سیمای حضرت مهدی در قرآن)*، ترجمه مهدی حائری قزوینی، چاپ سوم، تهران: آفاق، ۱۳۷۶.
۱۸. برقی، احمد بن محمد، *المحاسن*، ج ۱، چاپ دوم، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۱۹. تستری، جعفر، *خصائص الحسینیة*، نجف، مطبعة الحیدریه، ۱۳۷۵.
۲۰. ثقفی، ابی هلال، *الفارات*، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰.
۲۱. جمعی از نویسندگان، *فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام*، علی مؤیدی، چاپ دوم، قم، معروف، ۱۳۸۵.
۲۲. جمعی از نویسندگان، *موسوعة کلمات الامام الحسین*، قم، معروف، ۱۳۷۴.
۲۳. جوادی آملی، عبدالله، *حماسه و عرفان*، چاپ اول، قم، اسراء، ۱۳۷۷.
۲۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *اثبات الهداة (بالنصوص والمعجزات من الامام...)*، ۳ جلد، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۲۵. \_\_\_\_\_، *وسائل الشیعه*، ۲۹ جلد، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹.
۲۶. حرّانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، ج ۱، چاپ دوم، قم: انتشارات دفتر اسلامی، ۱۴۰۴.
۲۷. حسینی طهرانی، محمد حسین، *لعمات الحسین*، چاپ پنجم، مشهد، علامه طباطبایی، ۱۴۲۱.
۲۸. حکیمی، محمد رضا، *قیام جاودانه*، چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.
۲۹. حکیمی، محمد، *عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام*، چاپ چهارم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۰.

۳۰. خزاز قمی، علی بن محمد، *کفاية الاثر*، ۱ جلد، قم: انتشارات بیدار، ۱۴۰۱.
۳۱. خمینی، امام روح الله، *صحیفه نور*، چاپ اول، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۱.
۳۲. \_\_\_\_\_، *قیام عاشورا در مکتب و پیام امام خمینی*، پنجم، تهران، تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۱.
۳۳. خوارزمی، ابوالمؤید الموفق بن احمد، *مقتل الحسین*، مکتبه المفید، بی تا.
۳۴. در بندی، ملاآقا، *اسرار الشهادة*، سنگی، تهران، منشورات الاعلمی، ۱۲۸۴.
۳۵. دشتی، محمد، *پیام های عاشورا*، چاپ اول، قم، امیرالمؤمنین، ۱۳۷۶.
۳۶. \_\_\_\_\_، *فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام*، چاپ اول، قم، مشهور، ۱۳۸۰.
۳۷. دینوری، احمد بن داود، *اخبار الطوال*، قاهره، احیاء الکتب، ص ۱۹۶۰.
۳۸. رضایی، محمد علی، *آموزه های تربیتی عاشورا*، چاپ اول، اصفهان، شهید مسلم، ۱۳۷۹.
۳۹. سبط ابن جوزی، *تذکرة الخواص*، بیروت، اهل البيت، ۱۴۰۱.
۴۰. سلیمان، کامل، *یوم الخلاص (روزگار رهایی)*، ترجمه علی اکبر مهدی پور، ج ۲، چاپ سوم، تهران: آفاق، ۱۳۷۶.
۴۱. سیوطی، حافظ جلال الدین، *العرف الوردی*، چاپ اول، دمشق: دار الکوثر، ۱۴۲۲.
۴۲. شهیدی، سید جعفر، *قیام حسین علیه السلام*، پانزدهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.
۴۳. صاحبی، محمد جواد، *مقتل الشمس*، چاپ سوم، قم، هجرت، ۱۳۷۵.
۴۴. صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر*، ۱ ج، چاپ اول، قم: سیده المعصومه، ۱۴۱۹.
۴۵. صدر، سید رضا، *پیشوای شهیدان*، قم، ۲۲ بهمن، بی تا.
۴۶. صدر، محمد، *تاریخ پس از ظهور*، اول، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴.
۴۷. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، *عیون اخبار الرضا (ع)*، ۲ جلد، تهران: انتشارات جهان، ۱۳۷۸.
۴۸. \_\_\_\_\_، *الفقیه*، ۴ جلد، چاپ سوم، قم: انتشارات دفتر اسلامی، ۱۴۱۳.
۴۹. \_\_\_\_\_، *کمال الدین و تمام النعمه*، ۲ جلد، چاپ دوم، قم: دارالکتب

- الاسلامیه، ۱۳۹۵.
۵۰. \_\_\_\_\_، *امالی*، ج ۱، چاپ چهارم، تهران: کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲.
۵۱. طباطبایی، محمدحسین، *تشیعه در اسلام*، اول، قم، دفتر انتشارات اسلامیه، ۱۳۷۴.
۵۲. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، *الاحتجاج*، ج ۱، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳.
۵۳. طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام السوری*، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰.
۵۴. طبرسی، محمد بن محمد بن علی، *بشارة المصطفی*، ج ۱، چاپ دوم، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۹.
۵۵. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *تاریخ الطبری*، بیروت، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۶.
۵۶. طبری، محمد بن جریر، *دلائل الامامة*، ج ۱، قم: دارالذخائر للمطبوعات، بی تا.
۵۷. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، *التهدیب*، ۱۰ جلد، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۵۸. \_\_\_\_\_، *امالی*، چاپ اول، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴.
۵۹. \_\_\_\_\_، *کتاب الغیبة*، چاپ اول، قم: مؤسسه معارف اسلامیه، ۱۴۱۱.
۶۰. قرشی، باقر شریف، *حیة الامام الحسین*، چاپ اول، قم، داوری، بی تا.
۶۱. قطب الدین راوندی، ابی الحسن سعید بن هبة الله، *الخرائج والجرائج*، ۳ جلد، چاپ اول، قم: مؤسسه امام مهدی، ۱۴۰۹.
۶۲. قمی، شیخ عباس، *مفاتیح الجنان*، چاپ سوم، تهران، پیام آزادی، ۱۳۷۳.
۶۳. \_\_\_\_\_، *نفس المهموم*، ترجمه شعرانی، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامیه، ۱۲۷۴.
۶۴. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *ینابیع المودة*، ۲ جلد، چاپ دوم، قم: شریف رضی، ۱۳۷۵.
۶۵. کارگر، رحیم، *آینده جهان*، چاپ دوم، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۷.
۶۶. \_\_\_\_\_، *جستارهایی در مهدویت*، اول، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۶.
۶۷. کاظمی، سید مصطفی، *بشارة الاسلام*، چاپ اول، نجف: بی نا، ۱۳۸۲.

- ۶۸ کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، *کافی*، ۸ جلد، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- ۶۹ کورانی، علی و...، *معجم احادیث المهدی علیه السلام*، ۴ جلد، چاپ اول، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱.
- ۷۰ متقی هندی، علاء الدین علی، *البرهان (فی علامات مهدی آخر الزمان)*، چاپ اول، قم: مطبعه خیام، ۱۳۹۹.
- ۷۱ \_\_\_\_\_، *کنز العمال*، ج ۱۴، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵.
- ۷۲ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الانوار*، ۱۱۰ جلد، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
- ۷۳ محدثی، جواد، *پیام های عاشورا*، سوم، قم، کوثر غدیر، ۱۳۸۱.
- ۷۴ \_\_\_\_\_، *فرهنگ عاشورا*، قم، معروف، ۱۳۷۴.
- ۷۵ محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمه*، ج ۱، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۷.
- ۷۶ مدرس، سید محمد تقی، *الامام الحسین علیه السلام مصباح هدی و سفینه نجات*، تهران، مدرس، ۱۴۱۴.
- ۷۷ مرعشی نجفی، شهاب الدین، *ملحقات الاحقاق*، ج ۲۹، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۵.
- ۷۸ مطهری، مرتضی، *قیام و انقلاب مهدی علیه السلام (از دیدگاه فلسفه تاریخ)*، چاپ پانزدهم، قم: صدرا، ۱۳۷۴.
- ۷۹ \_\_\_\_\_، *مجموعه آثار (حماسه حسینی)*، هفتم، قم، قلم، ۱۳۷۸.
- ۸۰ معتمد الدوله، فرهاد میرزا، *قمقام زخار*، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۶۳.
- ۸۱ مغنیه، محمدجواد، *شیعه و زمامداران خودسر*، ترجمه مصطفی زمانی، دوم، بی نا، ۱۳۴۳.
- ۸۲ مفید، محمدبن محمدبن نعمان بغدادی، *امالی*، ج ۱، چاپ دوم، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
- ۸۳ \_\_\_\_\_، *الخصال*، ج ۲، چاپ دوم، قم: انتشارات دفتر اسلامی، ۱۴۰۳.
- ۸۴ \_\_\_\_\_، *الاختصاص*، ج ۱، چاپ اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.

۸۵. \_\_\_\_\_، *الارشاد*، ج ۱، چاپ اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۸۶. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، *عقد الدرر (فی اخبار المنتظر)*، چاپ اول، قاهره: مکتبه عالم الفکر، ۱۳۹۹.
۸۷. مقرّم، عبدالرزاق الموسوی، *مقتل الحسین*، چاپ دوم، بیروت، دارالثقافه، ۱۴۱۱.
۸۸. مکارم شیرازی، ناصر، *حکومت جهانی مهدی علیه السلام*، چاپ هشتم، قم: مدرسه امام علی علیه السلام، ۱۳۷۶.
۸۹. موسوی همدانی، محمد باقر، *نگاهی عارفانه بر محرم*، چاپ دوم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
۹۰. نیاطی، علی بن یونس، *الصراط المستقیم*، ۳ جلد، چاپ اول، نجف: کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۴.
۹۱. نجفی، شرف الدین، *تأویل الآيات الظاهرة*، قم: مؤسسه الامام المهدی.
۹۲. نجمی، محمد صادق، *سخنان حسین بن علی (از مدینه تا کربلا)*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.
۹۳. نعمانی، ابی عبدالله محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷.
۹۴. نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، ۱۸ جلد، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸.
۹۵. نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم، *منتخب الاتوار المصیئة*، قم: چاپخانه خیام، ۱۴۰۱.
۹۶. هاشمی نژاد، عبدالکریم، *درسی که حسین علیه السلام به انسان ها آموخت*، تهران، فراهانی، ۱۳۵۳.
۹۷. یزدی حائری، علی، *الزام الناصب*، چاپ اول، تهران: ۱۳۵۱.